کمیته علمی
معماری بومی ایکوموس ایران

گاهنامه

شماره ۸ / پاییز ۱۴۰۰/۸۹ صفحه

iran_ciav

committee.bumi@gmail.com

فهرست:

یادداشت

گفتاری در سیر آگاهی از مفهوم میراث زنده / عادله محتشم ۶

درآمدی بر شناخت

درآمدی بر معماری بومی روستایی گیلان (بخش دوم) / سارا اشتری ماجلان ۱۴

مطالعاتی پیرامون درآیگاه‌های ابنیه شار کرمان / سلمان ملک‌عباسی ۳۰

مساجد گرگانی (بخش اول) / فاطمه خورشیدی ۴۲

معماری بومی روستای دینه‌رود / سمیه مراقی ۵۴

گزارش

کارگاه بین‌المللی حفاظت میراث معماری خشتی شهر میراث جهانی یزد / سید محمدامین طباطبایی ۷۲

مقاله

بوم‌کن؛ گونه‌ای از معماری دست‌کند، با نگرشی بر ساختار فیزیکی قنات در ایران / پیمان سلیمانی روزبهانی ۷۶

روایت

دوماچال؛ یادداشتی بر یک دانش بومی رو به فراموشی / مولود جابری ۸۲

تصاویر

منتخب تصاویر ارسالی از معماری بومی ۸۶

گاهنامه کمیته علمی معماری بومی ایکوموس ایران(گزارش داخلی)
شماره هشتم پاییز ۱۴۰۰
زیر نظر ایکوموس ایران - کمیته علمی معماری بومی به سرپرستی دکتر سیاوش صابری کاخکی.
صفحه‌آرایی و تنظیم: مهسا عباسی گراوند.
همکاران این شماره به ترتیب الفبا: سارا اشتری ماجلان، مولود جابری، فاطمه خورشیدی، پیمان سلیمانی روزبهانی، شیما شاهرخی، سید محمدامین طباطبایی، علیرضا فخری‌زاده کرمانی، عادله محتشم، سمیه مراقی، سلمان ملک‌عباسی.

عکس روی جلد: عمارت شترگلو، ماهان، کرمان - علیرضا فخری‌زاده کرمانی.
کلیه یادداشت‌ها ،گزارش‌ها، رمقالات و تصاویر مندرج در این گاهنامه توسط علاقه‌مندان به فرهنگ معماری ایران و اعضا کمیته علمی معماری بومی ایکوموس ایران و به هدف اشتراک آزاد دانش و آگاهی‌های جهانی، محلی و بومی در این زمینه تهیه شده است. استفاده از آن‌ها با ذکر منبع آزاد است. کلیه مسئولیت‌های ناشی از محتوی آن‌ها بر عهده نگارندگان بوده و پژوهشگران می‌توانند از طریق نویسندگان به اطلاعات تکمیلی دست یابند.

راه‌های تماس با ما و ارسال گزارش، تصویر، مقاله مرتبط با اهداف کمیته:

http://www.iranicomos.org
committee.bumi@gmail.com

مقـــــدمه

این شماره گاهنامه را پس از چندی تأخیر تقدیم خوانندگان گرامی می‌کنیم، این امر بدان جهت بود که علاوه بر تأثیر شیوع بیماری کرونا بر انجام مطالعات میدانی که لازمه مطالعه معماری بومی است، چنین رخدادی بر کیفیت و کمیت کار اعضا کمیته و کارگروه‌ها نیز بی‌تأثیر نبوده است.

همچنین مقرر بود کارگروه معماری بومی فارس مطالعاتی را که در این بخش از سرزمین عزیزمان داشتند، در قالب ویژه‌نامه‌ای فراهم نمایند که آن‌هم درگیر مشکلاتی مشابه شد و انتظار برای آن کمی به درازا کشید. امید است پس‌ازاین شماره زحمات آن‌ها به محضرتان ارائه شود.

ازاین‌جهت، نخست باید از کلیه عزیزان و دبیران کارگروه‌ها که با ارسال مطالب ارزشمند خود کمیته را یاری می‌نمایند، سپاسگزار بود و به جهت دیر کردی که رخ داد، پوزش خواست. کمیته علمی معماری بومی ایران به همراهی و حمایت فرزندان ایران وابسته و امیدوار است.

جای خرسندی است که تعدادی از دبیران محترم کارگروه‌های کمیته این شماره را به مطالعات بوم‌های ناحیه خود آراسته‌اند. کمیته درخواست دارد که این کار رفته‌رفته در روشی علمی و منظم بتواند تمام زیر بخش‌های آن بوم را پوشش دهد.

همچنین سفارش می‌شود علاقه‌مندانی که در هریک از شهرها و آبادی‌های هر بوم حاضرند و بیشتر امروز از طریق ابزارهای شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی قابل‌شناسایی‌اند، به معرفی و بیان ارزش‌های معماری سرزمین خویش توسط کارگروه‌های هر منطقه دعوت شوند.

از دبیر گرامی کارگروه شرق فلات مرکزی ایران (یزد و کرمان) به جهت پیگیری اهدای مجموعه فیلم‌های موضوع معماری و خانه‌های مرتبط با گستره کرمان توسط کارگردان محترم آن سپاسگزاریم. این فیلم‌ها توسط ایکوموس ایران بازنشر یافت.

نکته دیگری که کمیته نگرانی خود را با اعضا در میان می‌گذارد، از دست رفتن نسلی از معماران بومی ایران بدون مستند شدن دانش و شرح‌حال آن‌ها است. در این موضوع هرلحظه بخشی از این دانش شفاهی در حال نابودی است، صمیمانه از همه اعضا درخواست می‌کنیم که به هر نحو در مستندسازی این دانش و معرفی این عزیزان کمیته را یاری نمایند و البته گاهنامه کمیته نیز در این زمینه بستر مناسبی خواهد بود.

آخرین نکته‌ای که در این مقدمه نظر صاحبان اندیشه و خوانندگان این گاهنامه را می‌توان جلب کرد، رخداد جهانی تغییر اقلیم و رویداد ملی تغییر در جمعیت ایران است. اینکه این موارد چه تأثیری بر معماری بومی خواهد داشت، شایان ارزیابی و سنجش است. گسترش و تعمیق مطالعه و مستندسازی ویژگی‌ها و ارزش‌های معماری بومی ایران توسط اعضای گرامی، کمی از دشواری کار آیندگان خواهد کاست.

کمیته علمی معماری بومی ایکوموس ایران

گفتاری در سیر آگاهی از مفهوم «میراث زنده»

عادله محتشم
دکتری مرمت آثار و اشیاء

یادداشت

انسان این روزگار، با شتاب، به‌سوی مقصدی نه‌چندان روشن پیش می‌رود، مقصدی که نمای آن «بی کم و کاستی» و «پیشرفت» است و درونش، به بیان مولانا، «اسب دواندن به‌سوی گمراهی». میراث فرهنگی و به‌ویژه آن بخش از میراث که با برهان تداوم حیات، «میراث زنده» نامیده می‌شود، در زیانِ بسیار از این حرکت پرشتاب است: «کم‌اهمیت و ناسودمند پنداشته شدن» و «دگرگونی‌های بی‌ریشه»ای که این میراث را به‌سوی «فراموشی» می‌برد. با این آغاز، گریزی می‌زنیم به مفهوم میراث زنده و خط سیر آگاهی از آن درگذران مکتوبات.

مفهوم زنده‌بودن در میراث را در دو جنبه‌ی متفاوت می‌توان مشاهده نمود:

۱. زنده‌بودن به معنای ذی‌حیات بودن به‌واسطه‌ی ویژگی‌های زیستی که به‌طور خاص در مبحث حفاظت از «درختان و باغ‌های تاریخی»، «چشم‌اندازهای طبیعی» و «تنوع زیستی»[1] مطرح می‌گردد.

۲. زنده‌بودن به معنای تداوم در کاربری سنتی یک اثر توسط جامعه‌ی سنتی آن‌که اغلب همان جامعه‌ی سازنده‌ی اثر است.

بر پایه‌ی تعریف علمی، حیات و زنده‌بودن، داشتن نوعی خاص از مکانیسم زیستی است و واژه‌ی حیات ناظر بر یک سازوکار مشخص و محدود از پدیده‌هاست. «ابن‌سینا»، حیات را از این منظر، دارای آثار رشد، تغذیه، حس، حرکت، نطق و علم می‌داند (ابن‌سینا، ۱۳۶۳).

اما از منظری دیگر، هر شکل از نظم را می‌توان دارای مرتبه‌ای از حیات دانست. چنین دیدگاهی در فلسفه‌ی اسلامی بیشتر مشهود است. «ملاصدرا» از این منظر، به دلیل مساوقت وجود و حیات، هر موجودی را حیّ می‌داند و معتقد است «حیات- همچنان که وجود- در همه‌ی موجودات سریان[2] دارد» (ملاصدرای شیرازی، ۱۳۶۸). از این منظر، حیات مراتبی دارد. چنین دیدگاهی را می‌توان در اندیشه‌ای که در مفهوم میراث زنده جریان دارد، درک و دریافت نمود.

یک اثر میراث زنده، اثری است که از گذشته برجای‌مانده و همچنان توسط یک جامعه در روند زندگی مورداستفاده قرار می‌گیرد. این عبارت می‌تواند به آن گروه از میراث که «کارکرد سنتی» خود را در ارتباط با «جوامع سنتی» حفظ کرده‌اند، اطلاق گردد. «به‌طورمعمول، در مورد یک میراث مرده، ادعای مالکیت، جدای از اختیارات دولت وجود ندارد، به‌عنوان‌مثال

1-Biodiversity

۲- اثر کردن چیزی در اجزای چیزی (دهخدا، ۱۳۹۲).

درباره‌ی بقایای یک ویرانه. همچنین فعالیت‌های یک جامعه‌ی سنتی پیرامون یک چنین اثری ارتباطی با کارکردهای سنتی این آثار ندارد» (Tunprawat,2009:18). بر اساس این تعریف، میراث مرده، آن چیزی است که از جامعه‌ی خود جداشده، تأثیری بر توسعه‌ی سنتی- فرهنگی یا اجتماعی آن جامعه ندارد و می‌تواند توسط متخصصان حفاظت بدون پروایی درباره‌ی اختیارات ارتباط آن جامعه و آن اثر، موردحفاظت قرار گیرد. این‌گونه است که تصمیم‌سازی در حفاظت آثار میراث زنده بسیار چالش‌برانگیز می‌گردد. در مقابل این تعریف، میراث زنده به آن آثاری اطلاق می‌گردد که ارتباط دنباله‌دار خود با جامعه‌ی سنتی خود را حفظ کرده‌اند. «کارکرد سنتی این آثار آن‌هایی است که توسط جوامع سنتی انجام می‌شده و به‌طور مداوم از نسلی به نسل دیگر توسعه‌یافته و منتقل‌شده و یک اثر میراث زنده را شکل داده است» (Ibid,19). زنده‌بودن میراث به معنای کاربرد متداوم میراث توسط جوامع است، به‌گونه‌ای که اتصال میان اثر میراثی و جامعه همچنان «معتبر» و «به‌طور پایداری»، «مستحکم» باشد. آن جوامع سنتی که در ارتباط با میراث هستند، می‌توانند به‌عنوان صاحبان میراث تلقی شوند. درعین‌حال، متخصصان حفاظت، گردشگران و دیگران، به‌عنوان «ذی‌نفعان»[1] این بخش از میراث شناخته می‌شوند و ادعا و توقعات و خواسته‌های خود را دارند. تداوم حیات یا تداوم کاربری یعنی استمرار هستی یک سوژه به‌گونه‌ای که شاخصه‌ها، ویژگی‌ها و ارزش‌های آن حفظ شوند؛ اما نباید ازنظر دور داشت آن زمان که سخن از تداوم حیات به میان می‌آید، باید پذیرای تغییرات شد، چراکه حیات و زندگی با پویایی و حرکت همراه است. تداوم حیات نیازمند پذیرش دگرگونی‌ها و وفق پذیری نسبی با شرایط روز است. این در حالی است که در «رویکرد ماده- محور»[2] در حفاظت از اثر میراثی، هدف، گونه‌ای از تثبیت و ماندگاری با کمترین تغییر بوده و همخوانی با تداوم حیات ندارد.

تداوم حیات برای یک اثر میراثی زنده، همراه و پیوسته با تغییر است، به تعبیر «سکاتزوسی» درباره‌ی روستاها، این آثار همچون یک لوح مکرراً نوشته‌شده، دائماً در حال تغییر و تبدیل‌اند (Scazzosi, 2018). میراث زنده به جهت تداوم حیات پذیرای تغییر می‌شود، هرچند این تغییر، تغییری افسارگسیخته نیست و نباید باشد، بلکه این تغییر، یک پویایی در مسیر همان معانی بنیادین و اصیل به وجود آورنده‌ی میراث است.

بارزترین نمونه‌ای میراث زنده، بافت‌ها و بناها هستند، اما نمونه‌های ارزشمندی از این گروه از آثار را می‌توان در میان اشیاء نیز مشاهده کرد. در حفاظت از اشیائی که وارد سازوکار موزه شده‌اند، در پی حفظ و تثبیت ماده‌ی اثر با کمترین تغییر، فرسایش و آسیب هستیم؛ شیء وارد مرحله‌ای

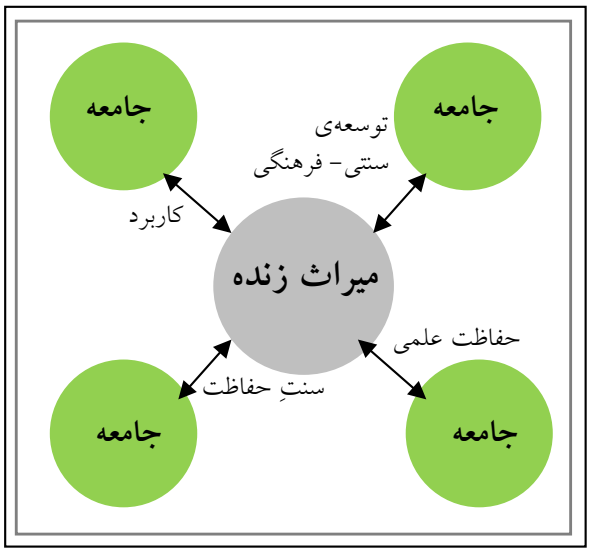

تصویر شماره ۱ : میراث زنده در ارتباطی دو سویه با جامعه است. از یک سو جامعه در قالب کنش‌هایی چون «کاربرد»، «سنت حفاظت» و «حفاظت علمی» (در صورت به رسمیت شناخته شدن به عنوان یک اثر میراثی توسط متولیان امر)، بر امیراث تأثیرگذار است و از دیگر سو میراث زنده در عین حفظ کاربری، در توسعه‌ی سنتی- فرهنگی آن جامعه مؤثر است.

از زندگی خود شده است که حفاظت - مرمتگر بایسته است آن را با حداقل تغییر و فرسایش در آنچه باقی‌مانده، حفظ و تثبیت نسبی کرده، به آیندگان انتقال دهد. هرچند نمی‌توان منکر شد که شیء موزه‌ای نیز به‌گونه‌ای حیات خود را طی می‌کند و حفظ شیء، استمرار همین مرحله‌ی تازه از حیات شیء است. بااین‌وجود، عبارت تداوم حیات، نمی‌تواند گویای آنچه بر این‌گونه اشیاء می‌گذرد، باشد و اطلاق این عبارت بر میراث زنده، شایسته‌تر و گویاتر است.

در ارتباط با میراث زنده، استمرار بخشیدن به حیات را می‌توان مطلوب حفاظت دانست. بیانیه‌ی «پاریس» حفاظت از میراث زنده را پیوسته و وابسته به تداوم دانسته است. در این نوشتار آمده است که «زنده‌بودن و زنده ماندن اثر، نیازمند تداوم کاربرد، تداوم ارتباطات اجتماعی و نمودهای فرهنگی و تداوم مراقبت‌ها و نگهداری‌های صورت گرفته توسط مردم است» (Declaration of Paris Symposiom, 2011; Wijesuriya, 2015, 1-8).

آغاز توجه به مفهوم زنده‌بودن در میراث بشری را باید در میانه‌ی سده‌ی بیستم میلادی جستجو نمود. در این زمان حوادثی که طبیعت را تهدید می‌کردند، انسان را به‌سوی به رسمیت شناختن طبیعت و «میراث طبیعی»[3] در جایگاه میراث بشری،سوق دادند و در سال ۱۹۷۲ میلادی، یونسکو سند حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان را تدوین

1-Stakeholders

2-Material- based approach

3-Natural Heritage

نمود (Convention Concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage, 1972). تبیین این مفهوم در گسترش ارزش‌های میراثی بسیار مؤثر واقع شد. در سال ۱۹۸۱ میلادی نوشتار «فلورانس» تدوین شد که هرچند درباره‌ی باغ‌های تاریخی است، اما ظرایفی در بردارد که آن را از انحصار به موضوع باغ فراتر برده و به نقطه‌ی عطفی در تعریف میراث مبدل می‌سازد. در این منشور از باغ‌ها با عنوان «یادمان زنده»[1] یادشده است (The Florence Charter, 1981). بدین شکل «در دهه‌ی هشتم سده‌ی بیستم میلادی، مفهوم میراث زنده، ابتدا از وجه حیات نباتی و سپس در شیوه‌ی زندگی انسان موردتوجه قرار گرفت» (صادق احمدی و دیگران، ۱۳۹۶، ۱۱). از دیگر سو «زمانی که اندیشه‌ی نگاه به میراث در جایگاه یک «فرآیند فرهنگی»[2] مطرح شد، چشم‌انداز جدیدی برای تعریف میراث در جایگاه «میراث مرده»[3] و زنده توسعه یافت» (Tunprawat, 2009, 44). این توجّهات آغازی بر به رسمیت شناختن «کیفیت‌های فرا تاریخی مکان» و اهمیت «میراث زنده» بود. این مفهوم از طبیعت آغاز شد و به بافت‌ها، مکان‌ها و اشیاء تاریخی، توسعه یافت.

توجه به اهمیت میراث زنده را می‌توان در چندین سند و نوشتار بین‌المللی پیگیری نمود. پس از سند «حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان» در ۱۹۷۲ میلادی توسط یونسکو (Convention Concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage, 1972) و نوشتار «فلورانس» در ۱۹۸۱ میلادی (The Florence Charter, 1981) که سرآغاز بودند، اسناد دیگری که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به اهمیت میراث زنده و حفاظت از آن پرداخته بودند، تدوین گردید. بیانیه‌ی «تلکس‌کالا» توسط ایکوموس، ۱۹۸۲ میلادی، درباره‌ی اهمیت حفظ سکونتگاه‌های کوچک، به‌روشنی به حفظ حرمت سنت‌ها و آیین‌های بومی اشاره کرد. امانت‌داری در حفظ شیوه‌های زندگی و مشارکت جوامع در امر حفاظت و تداوم مصالح و فن‌های بومی از مهم‌ترین اصول ذکرشده در این بیانیه بود (Tlaxala Declaration, 1982). در سال ۱۹۸۹ میلادی، یونسکو در توصیه‌نامه‌ای با عنوان «صیانت از فرهنگ سنتی و فولکلور» به اهمیت میراث ناملموس و مفهوم توسعه‌ی پایدار اشاره نمود (Recommendation on the Safeguarding of Traditional Culture and Folklore, 1989).

بیانیه‌ی «سن‌آنتونیو» برآمده از سمپوزیوم «میراث زنده» در «سن آنتونیو»- «تگزاس»، در سال ۱۹۹۶ میلادی (The Declaration of San Antonio, 1996)، یکی از مهم‌ترین اسناد درزمینه‌ی حفاظت از میراث زنده بود. این بیانیه در پی شناخت مهم‌ترین ابزار و فلسفه‌های بین‌المللی بود که می‌توانند در مدیریت میراث زنده و توسعه‌ی پایدار، مؤثر و آگاهی‌بخش باشند. «در این سند، کمیته‌ی ملی ایکوموس، پیرامون اصالت و پویایی منظرهای فرهنگی، ضمن توجه گسترده به ارزش‌ها، اصالت را از هفت دیدگاه بررسی کرد: اصالت و هویت، اصالت و تاریخ، اصالت و ارزش‌های اجتماعی، اصالت در مکان‌های پویا و ایستا، اصالت و پایش، اصالت و اقتصاد» (Araoz, 2008, 37). «بیانیه‌ی سن‌آنتونیو اصالت را در ارتباط با هویت، تاریخ و ارزش‌های اجتماعی، مرتبط با ثبات و تداوم و در مکان‌های پویا، مرتبط با تغییر دانست» (Rossler, 2008, 48). همچنین منشور «گردشگری فرهنگی» توسط ایکوموس، ۱۹۹۹ میلادی، ضمن اشاره به اهمیت چشم‌اندازهای طبیعی و تنوع زیستی، ارزش رسوم فرهنگی و آیین‌های زنده را متذکر شد و احترام به سنت‌ها، ارزش‌ها و سبک زندگی و الگوهای جوامع را از مهم‌ترین اصول در تعامل با این‌گونه از میراث دانست (International Cultural Tourism Charter, 1999). منشور «میراث ساخته‌شده‌ی بومی» در مکزیکو، ۱۹۹۹ میلادی، ضمن اشاره به ارزش والای ساخته‌های بومی، به‌عنوان محصول سنت و طبیعت، بر اهمیت تلاش برای بقای آن تأکید نمود (Charter on the built vernacular heritage, 1999). کنوانسیون «صیانت از میراث فرهنگی ناملموس» (ICHC) توسط یونسکو در ۲۰۰۳ میلادی (Convention For The Safeguarding of The Intangible Cultural Heritage, 2003) را باید نتیجه‌ی حساسیت و توجه عمیق جهان به تهدیدات گسترده‌ی فراروی میراث معنوی بشری در قرن حاضر دانست. از دیدگاه برخی متخصصین این سند تلاشی است برای قدردانی و تکریم روش‌های بومی در میراث و نمودهای آن (Akagawa and Smith, 2008). بیانیه‌ی «یاماتو» توسط یونسکو در سال ۲۰۰۴ میلادی (Yamato Declaration, 2004)، بیانیه‌ی «شیان» در سال ۲۰۰۵ میلادی (Xi'an Declaration, 2005) و بیانیه‌ی «کبک» درباره‌ی «روح مکان» در سال ۲۰۰۸ میلادی توسط ایکوموس (Québec Declaration, 2008)، اسنادی هستند که ضمن اشاره به میراث زنده‌ی بشری، حفاظت توأمان میراث ملموس و ناملموس و یکپارچگی آن‌ها را به‌عنوان موضوعی مهم در عرصه‌ی حفاظت از میراث، معرفی کردند.

بیانیه‌ی «فلورانس درباره‌ی میراث و چشم‌انداز به‌عنوان ارزش‌های انسانی» (The Florence Declaration on Heritage

1-Living Monument

2-Cultural Process

3-Dead Heritage

and Landscape as Human Values, 2014)، بیانیه‌ی «هانگژو» درباره‌ی قرار دادن فرهنگ در قلب سیاست‌های توسعه‌ی پایدار در ۲۰۱۴ میلادی توسط یونسکو (The Hangzhou Declaration, 2014)، منشور اروپایی بر «میراث روستایی برای توسعه‌ی پایدار» (The Pan-European Charter of rural heritage, 2012) و سند «نارا +۲۰» درباره‌ی تجربیات میراث (Nara+20, 2014)، اسناد دیگری بودند که به موضوع میراث زنده پرداختند.

در دهه‌ی ۸۰ سده‌ی بیستم میلادی رویکرد نوینی در حفاظت از آثار تاریخی پاگرفت که بیش از هر چیز متمرکز بر ماهیت میراث زنده بود. «رویکرد ارزش- محور»[1]، کارشناسان حفاظت را به درگیر شدن بیشتر با جهان پیرامون و بیرون از فضای آموزشی و سازمانی و شناخت ارزش‌ها، گفته‌ها و دیدگاه‌ها نزد جوامع کاربر میراث زنده دعوت نمود (Trigger, 1989; Hodder, 1991; Demas, 2002) و کوشید تا مفهوم میراث را به‌سوی «جوامع و فرهنگ‌های بومی»، گرایش دهد.

در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۵ میلادی، «انستیتوی حفاظتی گتی»[2] مجموعه پروژه‌هایی را که معطوف به ارزش در حفاظت از میراث و به‌ویژه میراث زنده بود، ساماندهی کرد

(نگاه کنید به: Dela Torre, 1997 and 2002; Avrami and others, 2000; Dela Torre and others, 2005; Teutonico and Palumbo, 2002; Agnew and Demas, 2002). برخی متخصصین، موردحمایت قرار گرفتن رویکرد ارزش- محور را، بسیار متأثر از مجموعه پروژه‌های «گتی» می‌دانند (Poulios, 2014a, 19).

تا پیش از دهه‌ی نهم در سده‌ی بیستم میلادی، پژوهش‌ها در حوزه‌ی حفاظت از میراث زنده، معطوف به سایت‌ها، بافت‌ها و ابنیه‌ی تاریخی بود. با آغاز سده‌ی ۲۱ میلادی و توجه به مفاهیم مرتبط با میراث زنده در اسناد بین‌المللی و اهمیت آن، متخصصان به مطالعه در مصادیق آن پرداختند. پژوهش‌ها درزمینه‌ی حفاظت از میراث زنده که به شکلی متمرکز بر بافت‌ها و ابنیه‌ی تاریخی آغازشده بود، در پژوهش‌های «ایکروم»[3] و در آثار پژوهش‌گرانی چون «سابینه کوت»[4] و «میریام کلاویر»[5]، به‌سوی اشیاء معطوف شد.

یکی از اولین مجموعه مطالعات سازمان‌های بین‌المللی درزمینه‌ی حفاظت از «میراث مذهبی زنده»[6] و به‌ویژه اشیاء را باید کتابی با همین نام توسط ایکروم دانست. این مجموعه‌ی مقالات ضمن پرداختن به مباحث مرتبط با حفاظت و مرمت اشیاء مذهبی ادیان گوناگون در سراسر جهان و مطرح نمودن بخشی از جهان‌بینی آن ادیان، مفهوم آشتی ایمان و حفاظت را مطرح نمود (Stovel and others, 2005).

در سال ۲۰۰۸ میلادی «پولیوس»[7] در پژوهشی با عنوان «سایت‌های زنده: گذشته در حال»، به سایت «مِتاُرا»[8] در یونان پرداخت و رویکرد نوینی را تحت عنوان «رویکرد میراث زنده»[9] متمرکز بر نقش کاربران سایت‌ها در حفاظت از آن، پیش نهاد (Poulios, 2008). همچنین «سابینه کوت» در پژوهشی با عنوان «بازتاب‌ها در موردحفاظت از تانگاهای مقدس»[10] به این مهم پرداخت. کوت از دنیای غرب به‌واسطه‌ی نگاه هنری‌اش به اشیاء مذهبی، انتقاد کرد و بازنگری در اندیشه‌ی حاکم بر تصمیمات حفاظتی و به‌روز شدن استانداردهای حرفه‌ای حفاظت از میراث مذهبی زنده را به‌عنوان یک نیاز اساسی مطرح کرد. او با حضور در جامعه‌ی بومی بودائیان استرالیا و وارد نمودن آنان به سازوکار حفاظت و مرمت تانگاها، حضور در جامعه را به‌عنوان مأموریت حفاظت‌گران مطرح نمود (Cotte, 2013).

«انستیتوی حفاظت کانادا» در پژوهشی درباره‌ی اشیاء مقدس بومیان امریکا توسط «میریام کلاویر» و «موزِز» به موضوع مراقبت از اشیاء مقدس و ازنظر فرهنگی حساس پرداخت. نتایج این پژوهش لزوم شناخت ارزش‌های فرهنگی آثار، توجه به تغییر ارزش‌ها در طول زمان و رایزنی با مردم آگاه به‌ویژه نمایندگان هر جامعه را در مراقبت از این آثار مطرح نمود (Clavir and Moses, 2016).

همچنین پژوهش‌های صورت گرفته توسط «گرین» (Greene, 1992)، «هکل» (Heikell, 1995)، «موزِز» (Moses, 1993)

1-Values- based approach

2-Getty Conservation Institute (GCI)

3-ICCROM

۴- Sabine Cotté- حفاظت‌مرمت‌گر آثار تاریخی، استرالیا، معاصر.

۵- Miriam Clavir- حفاظت‌مرمت‌گر آثار تاریخی، کانادا، معاصر.

6-Living Religious Heritage

۷- Ioannis Poulios- متخصص مدیریت میراث فرهنگی، یونان، معاصر.

8-Meteora

9-Living heritage approach

۱۰- "Thangka" گونه‌ای از نقاشی طوماری بودایی و یک شیء آیینی مقدس نزد بوداییان است.

and 1998)، «ماگن» (Maggen, 2003)، «سادنگی» (Sa-dongei, 2004)، «کارامبلاس» (Carambelas, 2012)، «پین» (Paine, 2013)، «آلکسوپولوس» (Alexopoulos, 2013)، «سالیوان» (Sullivan, 2015)، ازجمله مطالعات صورت گرفته درزمینه‌ی حفاظت از اشیاء مقدس در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۵ میلادی است که بر «تعلق شیء مذهبی به یک زمینه‌ی مذهبی» و «معنا و اهمیت این اشیاء نزد جوامع سازنده‌شان» و «تعامل با این اشیاء در جایگاه مواد انسان‌شناسانه و نه یک مصنوع صرف»- در فضاهای موزه‌ای و غیر موزه‌ای- تأکید داشته‌اند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که مفهوم میراث زنده و پاسداشت آن، چنان‌که باید مورد توجه نبوده است. این موضوع، ضرورت پرداختن به نمونه‌های میراث زنده را تقویت می‌کند. امروز، تلاش‌ها برای حفاظت از میراث زنده، نباید تنها بر حفظ آنچه که از گذشته بر جای مانده، متمرکز گردد، بلکه باید تلاش شود تا میراث زنده توان از دست رفته‌ی خود را بازیابد هم‌آهنگی و هم‌خوانی پیوسته و دوسویه میان «محیط و فضای معاصر» و «میراث زنده» برپا گردد.

منابع:

- ابن سینا، ابوعلی حسین بن عبدالله. ۱۳۶۳. المبدأ و المعاد. ج ۱. تهران: چاپ عبدالله نورانی.
- دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۹۲. لغت‌نامه‌ی دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ملاصدرای شیرازی، محمد بن ابراهیم صدرالدین. ۱۳۶۸. الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه. سفر ۴. جلد ۱. قم: المکتبه المصطفویه.

- Agnew, Neville. Demas, Martha. 2002. Prin-ciples for the conservation of heritage sites in china. Los Angeles: Getty
-Alexopoulos, G. 2013. Living Religious Heritage and Challenges to Museum Ethics: Reflections from the Monastic Community of Mount Athos. Journal of Conservation and Museum Studies. 11(1). 4: 1-13
- Araoz, Gustavo F. 2008. World-Heritage Historic Urban Landscapes: Defining and Pro-tecting Authenticity. APT Bulletin: The Journal of Preservation Technology: Association for Preservation Technology International (APT). Vol. 39No. 2/3. 2008: 33-37
- Avrami, E. Mason, R. and Martha Dela Torre. 2000. Values and Heritage Conserva-tion. Los Angeles: Getty
- Carambelas, Emily. 2014. From Sacred to Secular: Collecting and Caring for Judaica, Johne Hopkins Krieger school of arts and sci-ences. http://krieger.jhu.edu/museums-soci-ety/wp-content/uploads/sites/47/2014/10/ Cara mbelasCatalogue.pdf (Access date: 2016/1/10)
- Charter on the built vernacular heritage. 1999. ICOMOS. https://www.icomos.org/im-ages/DOCUMENTS/Charters/vernacular_e.pdf (Access date: 25/8/2016)
- Clavir, M. 2002. Preserving What is Val-ued: Museums, C onservation and First Na-tions. Vancouver, Toronto: UBC Press
- Clavir, Miriam. Moses, John. 2016. Car-ing for sacred and culturally sensitive objects. Preventive conservation guidelines for collec-

tions: Canadian Consevation Institute (CCI). https://www.canada.ca/en/conservation-institute/services/preventive-conservation/guidelines-collections/caring-sacred-culturally-sensitive-objects.html (Access date: 7/5/2016)

- Convention Concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage. 1972. UNESCO. https://whc.unesco.org/archive/convention-en.pdf (Access date: 7/11/2015)

- Convention Concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage. 1972. UNESCO. https://whc.unesco.org/archive/convention-en.pdf (Access date: 7/11/2015)

- Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage. 2003. UNESCO: https://ich.unesco.org/en/convention (Access date: 1/12/2015)

- Cotte, Sabine. 2013. Reflections Around the Conservation of Sacred Thangkas. Journal of Conservation and Museum Studies: 11(1) 3: 1-12

- Council of Europe. 2012. The Pan-European Charter of rural heritage: for a sustainable territorial development, Draft Recommendation. https://rm.coe.int/090000168093e8b3 (Access date: 19/4/2016)

- Declaration of Paris Symposiom. 2011. ICOMOS. https://www.icomos.org/Paris2011/GA2011_Declaration_de_Paris_EN_20120109.pdf (Access date: 19/5/2016)

- Dela Torre, Marta. 1997. The Conservation of Archaeological Sites in the Mediterranean Region. LosAngeles: Getty

- Dela Torre, Marta. 2002. Assessing the Values of Cultural Heritage. Research report. LosAngeles: Getty

- Dela Torre, Marta. MacLean, Margaret G. Mason, Randall. and David Myers (eds.). 2005. Heritage Values in Site Management. LosAngeles: Getty

- Demas, Martha. 2002. Planning for Conservation and Management of Archaeological Sites. In book: Management Planning for Archaeological Sites: An International Workshop Organized. J. M. Teutonico and G. Palumbo (ed.). LosAngeles: Getty. 27–54

- Greene, Virginia. 1992. Accessories of Holiness: Defining Jewish Sacred Objects. Journal of the American Institution for Conservation (JAIC). 1992. Volume 31. Number 1. Article 5: 31-39

- Heikell, V. Whiting, D. Clavir, M. Odegaard, N. Kaminitz, M. and J. Moses. 1995. The Conservator's Approach to Sacred Art. Western Association for Art Conservation Newsletter. 17. 3. September 1995: 15–18

- Hodder, I. 1991. Postprocessual Archaeology and the Current Debate, R., Preucel, Processual and Post-Processual Archaeologies: Multiple Ways of Knowing the Past, Carbondale: Center for Archaeological Investigations, Occasional Paper, 10, 30–41

- International Cutltural Tourism Charter - Managing Tourism at Places of Heritage Significance. 1999. ICOMOS. https://www.icomos.

org/charters/tourism_e.pdf (Access date: 4/5/2016)
- Maggen, Michael. 2003. The Conservation of Sacred Materials in the Israel Museum. In book: Conservation of Living Religious Heritage: Conserving the Sacred. Herb Stovel. Nicholas Stanley-Price. Robert Killick (eds.). Rome: ICCROM. 102-106
- Moses, J. 1993. First Nations Traditions of Object Preservation. In book: First People's Art and Artifacts (Heritage Conservation Issues). Kingston, Conservation Program, Queen's University. 1–11
- Moses, J. 1998. Canadian Perspectives on the Conservation of Sacred Native Art. Conservation restauration des biens culturels. 11, 1998
- NARA+20: On Heritage Practices, Cultural -Values, and The Concept of Authenticity. 2014. ICOMOS. http://www.japan-icomos.org/pdf/nara20_final_eng.pdf (Access date: 22/12/2015)
- Paine, Crispin. 2013. Religious Objects in Museums, Private Lives and Public Duties. London: Bloomsbury Academic
- Poulios, Ioannis. 2008. Living sites: The Past in the Present, The monastic site of Meteora, Greece (Towards a new approach to conservation). For the requirements of the degree of Doctor of Philosophy of the University of London. Institute of Archaeology: University College London
- Poulios, Ioannis. 2014a. Discussing strategy in heritage conservation: Living heritage approach as an example of strategic innovation. Journal of Cultural Heritage Management and Sustainable Development. Vol. 4 No. 1. 2014: 16-34
- Québec Declaration on the Preservation of the Spirit of Place. 2008. UNESCO. Adopted at Québec-Canada. https://whc.unesco.org/uploads/activities/documents/activity-646-2.pdf (Access date: 1/2/2016)
- Rossler, Mechtild. 2008. Applying Authenticity to Cultural Landscapes. APT Bulletin: Association for Preservation Technology International (APT): Vol. 39, No. 2/3 (2008): 47-52
Sadongei, A. 2004. What About Sacred Objects? In book: Caring for American Indian Objects: A Practical and Cultural Guide. S. Ogden (ed.). St. Paul: Minnesota Historical Society Press. 2004. 17–19
- Scazzosi, Lionella. 2018. Rural Landscape as Heritage: Reasons for and Implications of 'Principles Concerning Rural Landscapes as Heritage. ICOMOS-IFLA 2017 built-heritage. 2018: 7
- Smith, Laurajane. Akagawa, Natsuko. 2008. Safeguarding Intangible Heritag. London: Routledge
Stovel, Herb. Stanley-Price, Nicholas. Killick, Robert (eds.). 2005. Conservation of Living Religious Heritage: Conserving the Sacred. Rome: ICCROM
- Teutonico, Jeanne Marie. Palumbo, Gaetano. 2002. Management Planning for Archaeological Sites. LosAngles: Getty
- The Declaration of San Antonio. 1996.

ICOMOS. http://www.icomos.org/en/charters-and-texts/179-articles-en-francais/ressources/charters-and-standards/188-the-declaration-of-san-antonio (Access date: 7/10/2015)

- The Florence Charter: Historic Gardens. 1981. ICOMOS. https://www.icomos.org/images/DOCUMENTS/Charters/gardens_e.pdf (Access date: 9/3/2016)

- The Florence Declaration on Heritage and Landscape as Human Values. 2014. ICOMOS. https://www.icomos.org/images/DOCUMENTS/Secretariat/2015/ GA_2014_results/GA2014_Symposium_FlorenceDeclaration_EN_final_20150318.pdf (Access date: 2/9/2015)

- The Hangzhou Declaration: Placing Culture at the Heart of Sustainable Development Policies. 2014 UNESCO. http://www.unesco.org/new/fileadmin/MULTIMEDIA/HQ/CLT/images/FinalHangzhouDeclaration20130517.pdf (Access date: 20/4/2016)

- Trigger, B. 1989. A History of Archaeological Thought. NewYork: Cambridge University Press

- Tunprawat, Patcharawee. 2009. Managing living heritage sites in mainland Southeast Asia. A thesis for the degree of Doctor of Philosophy. Nakhon Pathom: Silpakorn University

Tunprawat, Patcharawee. 2009. Managing living heritage sites in mainland Southeast Asia. A thesis for the degree of Doctor of Philosophy. Nakhon Pathom: Silpakorn University

Wijesuriya, G. 2015. The Living Heritage Approach. ICCROM. http://www.iccrom.org/wpcontent/uploads/PCA_ Annexe-1.pdf (Access date: 27/12/2016)

- Xi'an Declaration On the Conservation of the Setting of Heritage Structures, Sites and Areas. 2005. ICOMOS. Adopted in Xi'an-China by the 15th General Assembly of ICOMOS. https://www.icomos.org/xian2005/xian-declaration.pdf (15/12/2015)

- Yamato Declaration on Integrated Approaches for Safeguarding Tangible and Intangible Cultural Heritage. 2004. UNESCO. https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000137634 (Access date: 13/2/2016)

درآمدی بر معماری بومی روستایی گیلان (بخش دوم)

سارا اشتری ماجلان
کارشناس ارشد، معماری / دبیر کارگروه معماری بومی شمال ایران
(گلستان، مازندران، گیلان)

درآمدی بر شناخت

فنون ساختمان و مصالح در معماری بومی گیلان:

آب‌های جاری، بارش باران و برف، تندبادهای سرد و گرم، گرمای تابستان و سرمای زمستان، رطوبت موجود در خاک و هوا، فراوانی حشرات، دسترسی به منابع و مواد، سبک زندگی و معیشت وابسته به محیط‌زیست طبیعی پیرامون و کشاورزی، باورهای اعتقادی و آیینی، مناسبات اجتماعی بومیآن‌همگی از بسیار عواملی است که در تعیین قیود ساختمان و معماری، انتخاب روش‌های ساخت و مصالح تعیین‌کننده بوده است. این تأثیر در تمام مراحل و شکل ساخت به‌خوبی قابل‌تشخیص است. خانه‌ها جدا از عوامل مختلف موجود؛ در اقلیم و توپوگرافی متنوع ضمن تفاوت در شکل و اندازه در جز و کل در بستری از آموزه‌ها و الگوهای مشخص معماری بومی بناشده‌اند. اصیل‌ترین ویژگی‌های مسکن و معماری منطقه از وفور و تنوع روییدنی‌ها از درختان تا بوته‌ها سرچشمه می‌گیرد. اسکلت، پی و بام چوبین، پوشش بام با نی و ساقه برنج از جریان چرخه طبیعی دائمی جوانه زدن و روییدن گیاهان در محیط طبیعی پیرامون بومیان نشئت می‌گیرند.

بناهای مسکونی و جانبی درون محوطه جای دارند و این محوطه با پرچین کوتاهی محصور می‌شود به‌این‌ترتیب در گیلان، نمای خانه را می‌توان از بیرون دید. این ویژگی بیانگر الگویی بنیادی از شیوه زندگی و فرهنگ گیلانی است که در آن عنصر باز بر عنصر بسته برتری دارد. این الگو هم به معماری و هم آداب سکونت شکل متفاوتی می‌دهد. ازنظر فن معماری، یکی از نتایج این شیوه اصیل در شکل‌بندی فضای خانگی آن است که خانه، در چهارچوب فضای کلی ساختمان محله، موضع و مقام مهمی پیدا می‌کند. در گیلان خود ساختمان خانه است که نمایان و آشکار است. (برومبرژه،۱۳۷۰).

استخوان‌بندی خانه‌های سنتی بومی:

عناصر سازه‌ای که در ساختمان‌ها وجود دارد عبارت‌اند از پی، ستون، دیوار و بام که در این بوم برای ساخت هرکدام از آن‌ها با چوب از روش‌های خاصی که در مناطق دیگر کمتر به چشم می‌خورد استفاده‌شده است. کاربرد قطعات چوب با گردآوردن آن‌ها به‌صورت پیچیده از طریق اتصال یا سوار کردن آن‌ها (نصب تنه‌های درخت و تیرها روی‌همدیگر برای پی‌سازی و اشکال متنوع چوب‌بست دیوارها و اشکال پیچیده اسکلت بام‌ها) انجام می‌گیرد ولی این اعمال ازنظر فنی نسبتاً ابتدایی‌اند: معماری سنتی گیلان بر پایه استفاده از تنه تراشیده نشده (گردبینه/گردَدار)، بعدتر و در مهروموم‌های نزدیک الوارهای تراش‌خورده، چوب‌های نازک و ترکه‌ای (راکَه/اَجار) و اتصال این قطعات با طناب الیاف گیاهی استوار است. کار ساخت این عناصر پیچیده هم توسط افراد متخصص یعنی سقط‌کاران و درودگرانی که در سراسر

تصویر شماره ۱ : نمونه‌ای از خانه در جلگه گیلان، موزه میراث روستایی.

تصویر شماره ۲ : نمونه استخوان‌بندی خانه‌های بومی گیلان. مأخذ: طالقانی،۱۳۸۹.

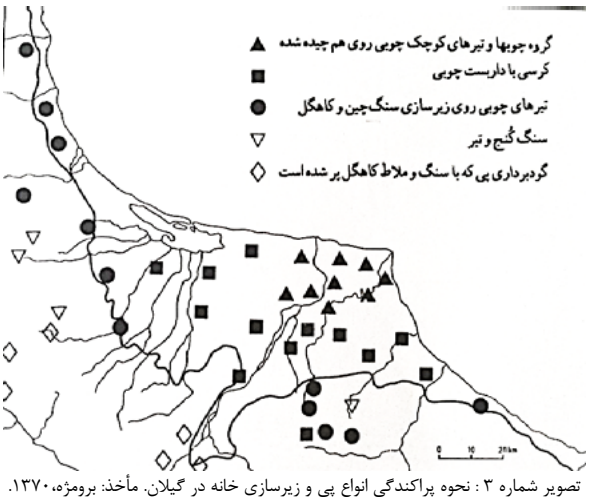

تصویر شماره ۳ : نحوه پراکندگی انواع پی و زیرسازی خانه در گیلان. مأخذ: برومژه،۱۳۷۰.

کرانه‌های دریای کاسپین خانه‌سازی می‌کنند صورت می‌پذیرد، درحالی‌که دیگر کارهای فرعی (تهیه مصالح، پوشش دیوارها و تهیه پوشال برای بام‌ها) را خود خانواده و همسایگان انجام می‌دهند (برومبرژه،۱۳۷۰).

شکل‌بندی:

همان‌طور که در مقاله پیشین به‌تفصیل به آن پرداخته شد، بناهای مسکونی در جلگه و کوهپایه گیلان ازنظر شکل‌بندی سه ویژگی شاخص دارند: ۱- کرسی بلند بودن بناها ۲- چهار شیبه بودن بام ۳- وجود یک یا چند ایوان در سمت نمای بیرونی. این مجموعه محدود از قواعد ساختمانی در استفاده از فضا به سبک معماری در گیلان هویت مشترکی می‌بخشد.

نقش کرسی بلند بودن این است که فضای مسکونی خانه را از زمین مرطوب جدا می‌کند. برای ایجاد فضای خالی بهداشتی فنون گوناگونی به کار می‌برند تا بین زمین گلی که در آنجا پی خانه را بنا می‌کنند؛ از یک‌سو و کف خانه؛ از سوی دیگر، فاصله‌ای باشد که ارتفاع این فضای خالی حدوداً بین چند ده سانتی‌متر تا دو متر است.

شکل‌بندی بام که از دو شیب تا چند شیب (چندکله) متغیر است و عمدتاً روی چند ردیف ستون و جدا از دیوارها ساخته می‌شود. ساختار خانه‌های گیلانی به‌گونه‌ای است که مجموعه‌ای کامل و تمام‌شده‌ای را تشکیل می‌دهد، به‌طوری‌که فقط در صورتی می‌توانند اتاق یا ملحقات دیگری به آن بیفزایند که ابتدا بعضی از قسمت‌های ساختمان را خراب کنند.

وجود ایوان در نمای بیرونی خانه را بی‌گمان نمی‌توان مختص گیلان شمرد، زیرا نمونه‌های بی‌شماری از آن را هم در معماری باستانی و کلاسیک می‌یابیم و هم در خانه‌های عادی مناطق چندی در ایران. در عوض، آنچه در گیلان بیشتر اصالت دارد دو نوع ایوان است که در معماری استان زیاد دیده می‌شود: اول، ایوانی که ساختمان مسکونی را در یک یا گاهی در دو سطح احاطه می‌کند؛ دوم، ایوانی که نوعی بالاخانه (تَلار) را در طبقه بالای ساختمان تشکیل می‌دهد و فقط در امتداد بخشی از نمای بیرونی و ضلع جانبی آن ادامه دارد. این ایوان‌ها و نیز ستون‌های آن‌ها، با طرحی موزون که در اغلب خانه‌های هم نقشه (خانه‌های یک سطحی یا دوسطحی دارای ایوانی ممتد در هر سطح یا دوطبقه با تلار در طبقه بالا) یکسان رعایت می‌شود، در نمای بیرونی خانه‌ها تقسیم می‌شوند (برومژه،۱۳۷۰).

پی:

میزان بلندی کرسی که از ویژگی‌های ثابت معماری بومی در گیلان است و برحسب میزان رطوبت قشر سطحی خاک در مناطق مختلف تا حد زیادی متفاوت است. در جلگه باتلاقی دلتای سفیدرود، فاصله کف خانه تا زمین پر گل‌ولای به یک یا حتی دو متر می‌رسد. این فضای باز در زیر خانه نقش‌های متعددی دارد. در آنجا، سه‌پایه‌ای برای پخت‌وپز قرار می‌دهند و در فصل بارانی رخت پهن می‌کنند. لانه مرغ‌ها و گاهی هم طویله را در آنجا می‌سازند. ارتفاع بناها از سطح زمین در دیگر نقاط جلگه‌ای کمتر است

(بین ۵۰ سانتیمتر تا یک متر است) به‌طوری‌که فضای خالی زیر ساختمان را نمی‌توان دید. در کوهپایه که بستر ساختمان خانه محکم‌تر است، این فاصله بازهم کمتر است (بین ۲۰ تا ۵۰ سانتی‌متر). هر یک از این سه نوع کف مرتفع نوع خاصی از انواع پی‌ریزی دارد (برومبرژه،۱۳۷۰).

انواع پی‌های ساخته‌شده در گیلان با در نظر گرفتن شرایط زمین و بستر ساختمان‌سازی،

مصالح در دسترس، ابعاد و ساختار فیزیکی سازه عمومی بنا به شش دسته عمده قابل‌تقسیم است که عبارت‌اند از:

۱- پی پاکونَه؛ در گیلان و دور از کرانه‌ی کاسپین زیربنای کرسی عمدتاً چوبی است رایج‌ترین روش فنی این است که از ستون‌های کوتاهی به نام پاکونه استفاده می‌کنند. روش کار به این صورت است که برای قرار دادن نال روی زمین در گوشه‌ها و زیر هر ستون ابتدا گودالی به عمق ۸۰ سانتیمتر و به ابعاد ۳۰*۳۰ سانتیمتر می‌کنند و داخل هر گودال ستون کوتاه چوبی از جنس آزاد به ضخامت ۲۰*۲۰ سانتیمتر و به ارتفاع ۸۰ سانتیمتر به‌صورت عمودی قرار داده و اطراف آن را خاک ریخته و می‌کوبیدند سپس نال را روی این قطعات میخ می‌کردند تا بار نال به‌صورت گسترده به زمین منتقل گردد به این تفکیک پاکونه می‌گویند. پاکونه‌ها وظیفه مهار کردن نال را روی زمین بر عهده‌دارند و نال می‌تواند روی زمین یا ارتفاعی متناسب با نیاز قرار گیرد.

۲- پی سَگَتی سَری/ پی اِسکَتَ چاه (سَکَتی)؛ در مناطق مختلف گیلان شناخته‌شده و عبارت است از استقرار ستون‌های چوبی (گردبینه/ گردَدار) در چاله‌هایی که از اطراف توسط سنگ، گل، خاکستر یا خاکه‌زغال پوشیده شده و زیرنال‌ها از آن طریق، بار ساختمان را به زمین منتقل می‌نمایند. اجرای پی‌های اسکت چاه رایج‌ترین شیوه ساخت پی در تمامی مناطق گیلان بوده است.

روش کرسی چینی برای انتقال نیروها به‌صورت نقطه‌ای ست در این روش به کمک ستون‌هایی از جنس توت در فواصل نزدیک به هم (به فاصله‌ی ۱ تا ۱,۵ متر) ساختمان را حدود ۷۰ تا ۸۰ سانتیمتر بالا آورده شمع‌ها (اسکت) را به‌وسیله‌ی تیرهایی (نال) به هم متصل می‌کنند و فاصله به وجود آمده بین تیرهای چوبی و زمین را به‌وسیله‌ی خشت خام پر می‌نمایند و سپس روی آن را با ملات گل رس و سبوس برنج جهت کف سازی پر می‌کنند. جهت پیشگیری از نفوذ رطوبت به پی سگتی در درون سنگ‌های مهارکننده در پی‌کنی سطح نشست پی اسکت چوبی و ارتفاع بالاتر از آن به‌وسیله قیر به‌طور کامل آغشته می‌شود.

معمولاً خاک‌برداری جهت ساختن پی تا سطح زمین سخت که در اصطلاح محلی بل سل نامیده می‌شود انجام می‌گردد. ستون مقاوم چوبی به قطر حدود ۲۰ سانتیمتر و به ارتفاع مشخص فضا با توجه به مقداری که در چاله کنده‌شده به‌عنوان پی نشست می‌کند با رعایت شاقولی قرار دادن آن در چاله گذاشته می‌شود و اطراف آن خرده‌سنگ ریخته و کاملاً کوبیده

تصویر شماره ۴ : تصویر پی پاکونه.

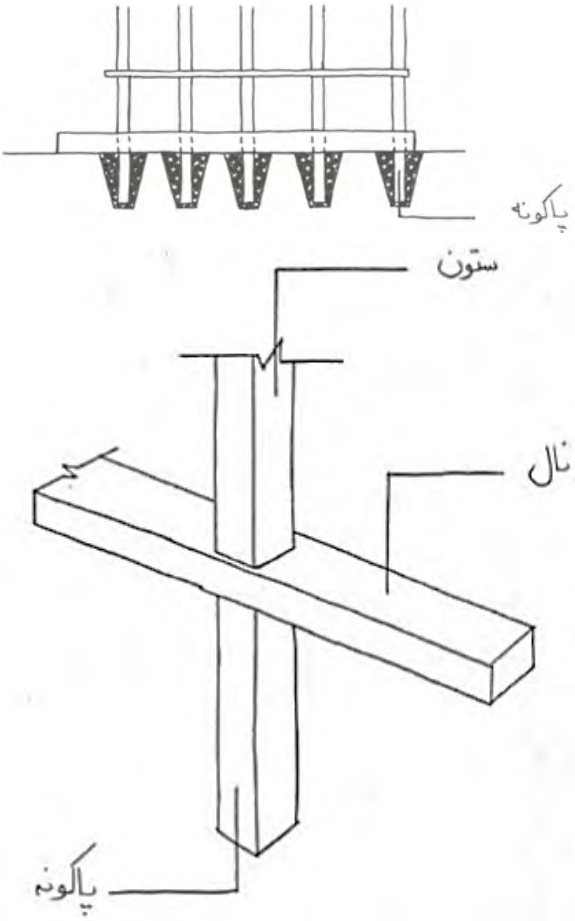

تصاویر شماره ۵ و ۶ : جزییات پی پاکونه. مأخذ: احمدی،۱۳۹۳.

می‌شود. به‌اندازه ۲۰ سانتیمتر روی خرده‌سنگ خاک رس ریخته و کوبیده می‌شود تا از نفوذ و نشست آب به‌طور مستقیم در ریشه ستون که اسکت گفته می‌شود پیشگیری گردد.

نکته: پی پاکونه و پی اسکت چاه به‌ظاهر دارای شباهت بسیار زیادی هستند اما دارای تفاوت مشخصی هستند که دو گونه را از هم به‌کلی جدا می‌کند. در پی اسکت چاه همان‌طور که مشخص است بنا بر پایه اسکت‌ها شکل می‌گیرند. به این شکل که اگر ۲,۵ متر ارتفاع طبقه و ۰,۵ متر ارتفاع کرسی و ۰,۵ متر عمق پی باشد، از ابتدا اسکتی به ارتفاع چهار متر تهیه‌کرده و به‌صورت یک‌تکه و یکپارچه از پی تا پایان ارتفاع طبقه

اجرا می‌شود؛ اما در پی پاکونه قطعات کوتاه چوبی به‌صورت نقطه‌ای برای بخش موجود در پی و کرسی در نظر گرفته می‌شود، نال کشی کف انجام می‌شود و سپس اسکت‌های ستون به‌صورت قطعه‌ای مجزا بر روی آن قرار داده می‌شود.

۳- پی شَکیلی؛ در منطقه دلتا، زمین را از قبل تسطیح می‌کنند و با جاکوب (جاکو) می‌کوبند و سپس کرسی را از سنگ‌چین یا کاه‌گل (کلُش گِل) می‌سازند و روی آن را با کاه‌گل (کُلُش گِل) با ماله یا دست می‌پوشانند. این کرسی را اصولاً به‌منظور پیشگیری از سرایت رطوبت به ردیف‌های تنه‌های درخت و تیرهای ساختمان می‌سازند. (برومبرژه، ۱۳۷۰). تنها در محدوده جلگه‌های مرکزی و شرقی گیلان متداول بوده و در سایر نقاط گیلان اجرا نگردیده است. این نوع پی از معدود سازه‌هایی است که تمامی اجزاء آن بر روی زمین بنا شده و پی بنای شیکیلی تنها بر بستری تحکیم یافته و بالاتر از سطح زمین «پاکه» نهاده می‌شود. تمامی اجزاء سازه‌ای پی از چوب بوده و قطعات که شامل ریت، زی، کتل، فیک، بِنَه‌دار هستند بدون اتصال محکم و تنها براثر وزن خود، بار ساختمان را توسط صفحات دیافراگمی سازه بنا، به‌درستی به زمین منتقل می‌نمایند.

بعدازاینکه محل قرارگیری شیکیل را با زغال خاک (ترکیب خاک زغال و خاک رس) تا عمق حدود ۶۰ سانتیمتر زمین پر نموده و کوبیدند بر روی آن چند گرده توت به نام ریت قرار می‌دهند سپس بر روی آن‌ها دو عدد چوب به نام زی و روی آن‌ها دو عدد چوب به نام کَتَل و بر روی آن‌ها یک عدد چوب با مقطع ذوزنقه‌ای شکل به نام فیک قرار می‌گیرد ارتفاع فیک در حدود ۴۰ سانتیمتر است بر روی فیک دو عدد تنه درخت قرار می‌گیرد این قسمت بِنَه‌دار نامیده می‌شود بر روی بنه‌دار تیرهایی به نام سَرکَش و در آخرین قسمت قبل از کف چوبی ساختمان تیرهایی به نام نال قرار می‌گیرند. تا قسمت فیک هنوز اتصالی بین دیگر عناصر مشابه آن دیده نمی‌شود و بنه‌دارها این ارتباط ساختمانی در یک ردیف از آن‌ها را میسر می‌سازند ارتباط عمقی با ردیف دوم به‌وسیله‌ی سرکش صورت می‌گیرد.

پی شکیلی که از نوع پی‌های نقطه‌ای است با شکل ذوزنقه‌ای خود بار ساختمان را در سطحی وسیع‌تر به بستر تحکیم یافته منتقل می‌کنند. شکل هرم ناقص پی‌ها موجبات ایستایی ساختمان را مهیا می‌سازند جالب‌تر آن‌که به هنگام وارد آمدن نیروهای جانبی مخرب مانند زلزله امکان حرکت اندک اجزا ساختمان سبب پایداری کل بنا بوده و اتصالات صلب و خشک در این نوع ساختمان‌ها وجود ندارد.

۴- پی سنگ زیر سری؛ پی‌ها را در مناطق کوهپایه از بسترهای سنگ‌چین و لایه‌های کاه‌گل در گودال‌های کم‌عمق (حدود ۵۰ سانتیمتر برای خانه‌های یک طبقه) می‌سازند و ارتفاع این دیوار زیربنا از سطح زمین کمی بالاتر است و روی آن چهار تیر قطور قرار می‌دهند که مقطع آن‌ها کم‌وبیش چهارگوش است و پایه چوب‌بست دیوار را تشکیل می‌دهد. هم کفِ خانه یک کرسیِ نسبتاً کوتاه است که از مخلوط سنگ و کاه‌گل ساخته می‌شود و روی آن را با لایه‌ای نازک (فل گل، گِلِ کار) اندود می‌کنند. این نوع پی برای سازه‌هایی که اجزاء آن یکپارچه بوده و در نقاط مختلف بنا فشارهای متغیر به پی وارد نمی‌شود، مناسب است. در حقیقت در این سازه پی به معنای کفشک‌هایی است که کار انتقال بار ساختمان به زمین را بر عهده داشته و به‌مانند پی‌های نقطه‌ای به‌صورت کاملاً انفرادی عمل می‌نمایند.

۵-پی خشتی؛ در جلگه‌ی غربی گیلان و تنها در موارد معدودی، از بسترسازی خشتی جهت احداث پی استفاده می‌گردد که بیشتر برای ساختمان‌های غیرمسکونی کاربرد دارد. باوجوداینکه ساخت دیوار خشتی برای طبقه اول خانه مسکونی در این مناطق متداول است، اما از کرسی چینی سنگی در بناهای مسکونی استفاده‌شده و پی خشتی به لحاظ انتقال رطوبت زمین به دیوارها مناسب نبوده و مورداستفاده مردم قرار نمی‌گرفت. این پی‌ها به دلیل کاربرد محدود و غیر رایج معمولاً در دسته‌های اصلی پی، گنجانده نمی‌شوند.

۶-پی سنگی؛ که با استفاده از سنگ‌های کوهی و سنگ‌های رودخانه‌ای قابلیت اجرا داشته و عموماً با ملات گل و یا خشکه چینی اجرا می‌گردد. کارایی این پی‌ها بیشتر در تحکیم بستر و ممانعت از پوسیدگی زیرنال‌ها و نیز تراز نمودن سطح جهت اجرای دیوار، بارز است. از این

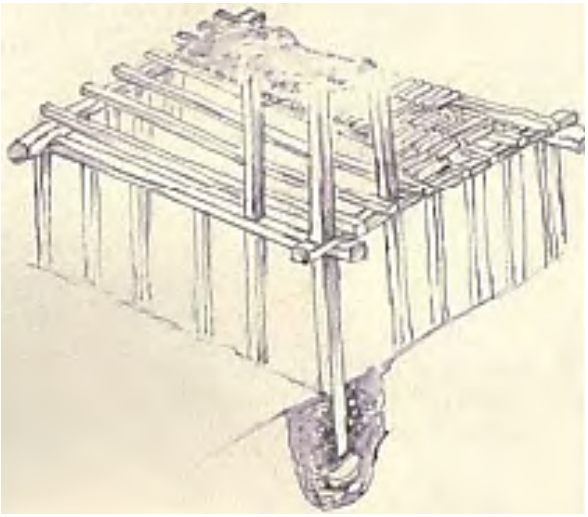

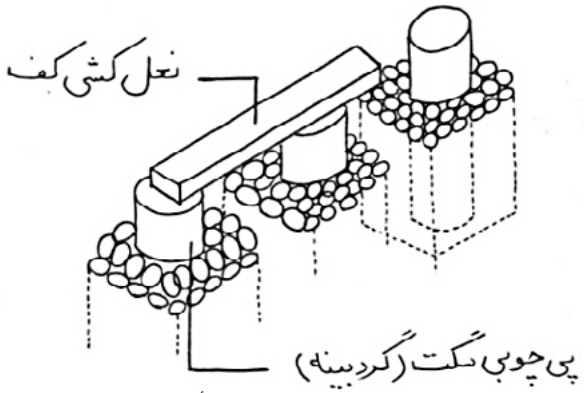

تصاویر شماره ۷ و ۸ : جزییات پی اسکت چاه. مأخذ : برومژه، ۱۳۷۰.

تصویر شماره ۹ : تصویر پی شیکیلی.

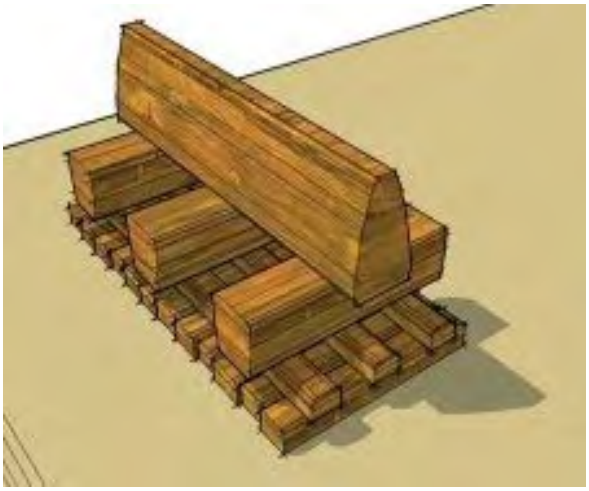

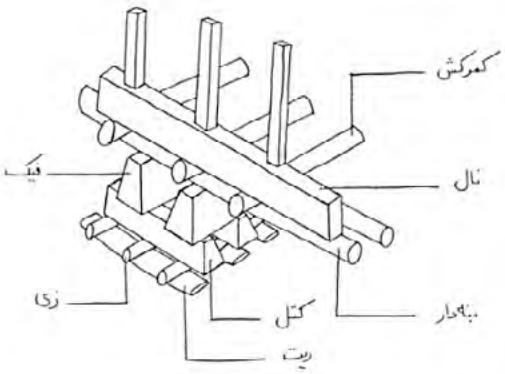

تصاویر شماره ۱۰ و ۱۱ : جزییات پی شیکیلی. مأخذ: احمدی،۱۳۹۳.

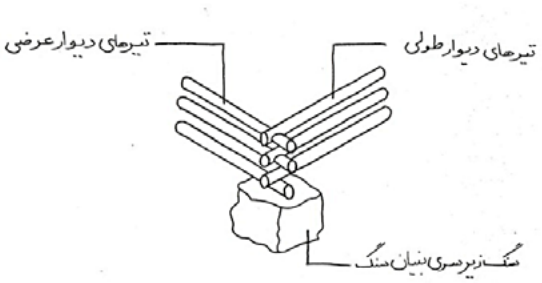

تصویر شماره ۱۲ : جزییات پی سنگ زیرسری. مأخذ: احمدی،۱۳۹۳.

تصویر شماره ۱۳ : تصویر پی سنگی، روستای اُمام.

پـی در تمـامی منـاطق گیلان استفاده‌شده و به‌جز معدودی مناطق که سنگ به حد کافی در اختیـار نیسـت، اجـرای پـی سـنگی متداول نیست.

دیوار:

دیوارهای چوبی به علت در دسترس بودن معمول‌ترین دیوارهای مورداستفاده در ساخت سکونت‌گاه‌های بومی در گیلان هستند؛ اما با توجه به تنوع اقلیمی و جغرافیایی دیوارهایی از جنس خشت و گل و سنگ نیز معمول هستند. به‌این‌ترتیب عمده انواع دیوار شناخته‌شده به این شرح است:

۱- زگالی/ شش لت ۲- زگمه‌ای/ دارورچین/گامه/له چو/دار و دورگون / ورجینی ۳- خشتی، گلی، آجاری ۴- دیوار سنگی

دیوار زگمه‌ای (دارورچین) /دار و دورگون/گامه / ورجینی: به الوارهای گرد (زگمه/ ورجین/دار) اطلاق می‌شود که بر روی‌هم چیده می‌شوند. انتهای الوارها را گرد می‌کنند تا اتصال سرهای آن‌ها میسر گردد. این روش را هم در کوهپایه جنگلی به کار می‌برند و هم در دلتای سپیدرود و هم در مناطقی از جلگه که در آنجا منابع الوار ساختمانی به‌قدر کافی وجود داشته باشد. این شیوه ساختمانی که حاصل آن بسیار مقاوم است،

غالباً نشانه قدمت است و هم برای خانه‌های تک اتاقی مناسب است و هم امکان ساخت ساختمان‌های چند سطحی را فراهم می‌کند.

این‌گونه ابنیه اکثراً در نقاطی که دسترسی به چوب زیادتر است مانند جنگل‌ها و نواحی کوهستانی بنا می‌شود. کلمه «دار ور چین» از سه لغت «دار» به معنی درخت «وَر» به معنی پهلو «چین» به معنی چیدن تشکیل‌شده است. طرز اجرا ساختمان دارورچین (دارودورگون) به این صورت است که ابتدا محل ساختمان و دیوارهای آن را بر روی زمین مشخص می‌کنند سپس قدری محل زیر دیوارها را کنده و با قلوه‌سنگ و سنگ‌های نسبتاً درشت آن را پر می‌کنند تا از رسیدن رطوبت زمین به چوب جلوگیری شود. آخرین ردیف سنگ‌ها را به‌صورت تراز می‌چینند تا الوارها به حالت افقی و یکنواخت روی‌هم قرار گیرند.

دو عدد گردبینه/گردَدار با قطری در حدود ۲۰ سانتیمتر و طولی در حدود ۴ سانتیمتر در فاصله ۳ الی ۳٫۵ متری قرار داده و دو عدد گردبینه دیگر را نیز عمود بر آن‌ها در همین فاصله قرار می‌دهند طوری که در نقاط تلاقی گردبینه‌ها در حدود ۲۰ سانتیمتر روی‌هم قرار گیرند این امر به‌منظور استقرار بهتر چوب‌های زگمه/دار دیوارهای مجانب است که بدون هیچ اتصالی روی‌هم واقع می‌شوند پس‌ازآن لایه دیگر و لایه‌های بعد را روی آن‌ها یک‌درمیان قرار می‌دهند به‌منظور جلوگیری از لغزیدن گردبینه/گردَدارها در نقاط تلاقی کمی گودی به شکل کام و زبانه (فاق و زین) ایجاد می‌کنند فاصله خالی بین هر دو تیر افقی که ناشی از اندازه قطر گردبینه‌های دیوار جانبی است را با ملات کاه‌گل پر می‌کنند این ملات خود لایه‌ای است که موجب حفاظت چوب‌ها از حملات موریانه و قارچ‌ها می‌شود لذا حفظ و ترمیم ملات پوشاننده دیوار و دفع رطوبت از آن حائز اهمیت است. به‌علاوه ملات موجبات اتصال نسبی اجزای چوبی دیوارها را فراهم می‌کند همچنین قطر گردبینه‌ها و ضخامت ملات کاه‌گل طبقه پایین معمولاً کمی بیشتر از طبقه بالا است تا هم مرکز ثقل ساختمان به زمین

تصویر شماره ۱۵ : جزییات دیوار دارورچین/ دارودورگون.

تصویر شماره ۱۶ : دو سر گردبینه/گرددارها در گوشه‌ها به‌صورت فاق و زین. مأخذ : احمدی،۱۳۹۳.

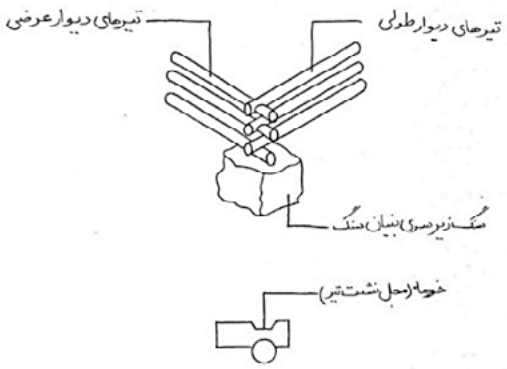

تصویر شماره ۱۷ : دیوار دارورچین/دارودورگون .

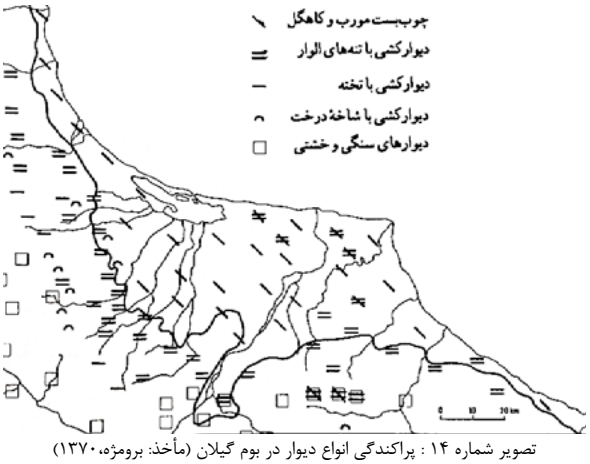

تصویر شماره ۱۴ : پراکندگی انواع دیوار در بوم گیلان (مأخذ: برومژه،۱۳۷۰)

نکته: دیوار چوب‌بست مورب و کاه‌گل معرف دیوار زگالی، دیوارکشی با تن‌های الوار معرف دیوار دارورچین/داردورگون است.

نزدیک‌تر شود و هم ضخامت مناسب لایه کاه‌گل با ظرفیت حرارتی ویژه خود موجب تعدیل هوای سرد خارج برای فضای داخلی گردد.

اسکلت سری و زیگالی: به دو شکل متمایز از داربست‌ها اطلاق می‌شود که رایج‌ترین فن دیوار سازی است. نوع اول به این صورت است که دستک‌های مورب و بلندی به دو طرف شاه‌تیر/ نعل (نال) و ستون (سکت/ اسکت) می‌بندند که استخوان‌بندی دیوار را تشکیل می‌دهند. در نوع دوم، تیرک‌های عرضی (زیگال/زگال) را به‌طور افقی یا مورب با فاصله ۱۰-۱۵ سانتیمتر قرار می‌دهند که خود داربست را تشکیل می‌دهند. خانه‌های خالی بین این تیرک‌های عرضی را با کاه‌گل (و گاهی با خشت خام) پر می‌کنند و روش کار بدین‌صورت است که با غلتاندن مقداری کاه‌گل روی کاه خردشده گلوله‌ای درست می‌کنند که قابل برداشتن است و رویه خارجی آن تااندازه‌ای خشک است قطر آن به‌اندازه‌ای است که بتوان آن را با فشار و یا با انعطاف کمی از لای زگال‌ها به درون هل داد این کار آن‌قدر ادامه می‌دهند تا کل فضای بین دوپوسته پر شود. آنگاه داربست را، چه از الوار گرد ساخته‌شده باشد و چه از تیرک‌ها، اندود می‌کنند. دیوار نمای بیرونی

تصاویر شماره ۱۸ و ۱۹ : نمونه‌ای از خانه با دیوار زگالی تصویر.

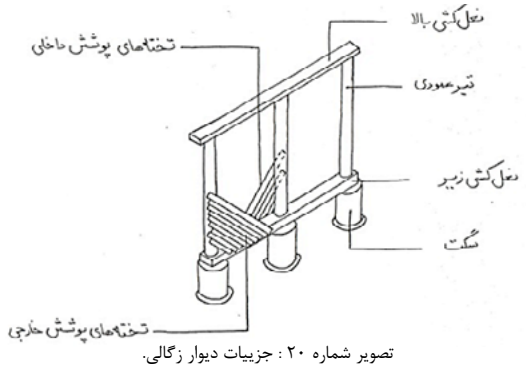

تصویر شماره ۲۰ : جزییات دیوار زگالی.

خانه را تقریباً همیشه با ملاطی ظریف از کاه‌گل (فل گِل) می‌پوشانند، درحالی‌که دیوارهای جانبی و پشت خانه را (که در معرض دید نیستند) فقط با لایه‌های زمخت از کُلُش گل‌اندود می‌کنند. (برومبرژه، ۱۳۷۰).

دیوار خشتی /چینی (چینه‌ای):

خشت در این مناطق نیز مانند دیگر نقاط کشور ساخته می‌شدند در اندازه‌های غیراستاندارد و چیدن آن از طریق گل رس صورت می‌گرفته که مانند دیگر نقاط کشور بوده است. برای اجرا این‌گونه دیوارها ابتدا زیر دیوار را پنج الی ده سانتیمتر می‌کنند. سپس خاک را می‌کوبند و شروع به چیدن خشت‌ها می‌کنند و جای بازشوها را در دیوار خالی می‌گذارند سپس روی آن‌ها چوب‌های الوار یا چهار تراش قرار می‌دهند و دوباره بر روی این تیرها و دیگر قسمت‌های دیوار خشت می‌چینند تا دیوار به ارتفاعی که می‌خواهند برسد آنگاه چوب‌های صاف و بلند مانند تبریزی و توسکا در بالای دیوار قرار می‌دهند این تیرها در کنج دیوارها باید با یکدیگر درگیر باشند تا یک کلاف کامل در بالای دیوارها ایجاد شود لذا دو سر تیرها را به‌صورت مورب می‌برند و با طناب‌های گیاهی کلفت وریس/پریس آن‌ها را به یکدیگر محکم می‌بندند روی این کلاف چوبی سازه بام را سوار می‌کنند.

دیوارسنگی:

همان‌طور که اشاره شد سکونت‌گاه‌های بومی در ارتباط نزدیک با محیط اطراف خود هستند و این طبیعت است که منابع و مصالح لازم را تأمین و گاهی تحمیل می‌نماید. در ارتفاعات کوهستانی که به علت پوشش گیاهی تُنُک و بوته‌ای دسترسی به چوب درختان کمتر است، مصالح غالب در دسترس سنگ است. دیوارهای سنگی با روش چیدمان بدون ملات و با استفاده از قرارگیری و چفت شدگی سنگ‌ها درون هم (خشکه چین) بنا می‌شوند و خانه‌هایی کوچک و کارا برای عمدتاً چوپانان و دامدار آن‌که در مراتع ارتفاعات برای مراقبت و تغذیه دام خود، زندگی می‌کنند فراهم می‌آورد.

بام /بومَ پِشت:

سوار کردن چوب‌بست بام دشوارترین مرحله روند خانه‌سازی است. همچنان که اشاره کردیم، بام‌ها را به روشی از اتصال قطعات چوب درست می‌کنند که از کیفیت روستایی فنون چوب‌بست سازی حکایت دارد. سه نوع بام شیب‌دار که شیب آن برحسب کیفیت مصالح پوشش، کمابیش تند است (شیب نسبتاً کم ۲۰ درجه‌ای برای بام‌های از جنس تخته یا سفال، با شیب تندتر ۴۰ درجه‌ای و بیشتر برای بام‌های از جنس گالی یا پوشال برنج) وجود دارد:

- **بام دو شیبه و دو خرکی** که ازنظر فنی ساده‌ترین نوع است که برای ساختمان‌های فرعی (کمینگاه موقت شکارچیان، تلمبارها ...)؛ دارای ساختاری ساده شامل ستون، تیرهای پایه و نگه‌دارنده خرک بام است.

- **بام چهار شیبه/چند کله** که دو شیب آن مثلثی شکل است و گونه‌های متنوعی دارد؛ بام صندوقه دار: رایج‌ترین بام‌سازی در جلگه و

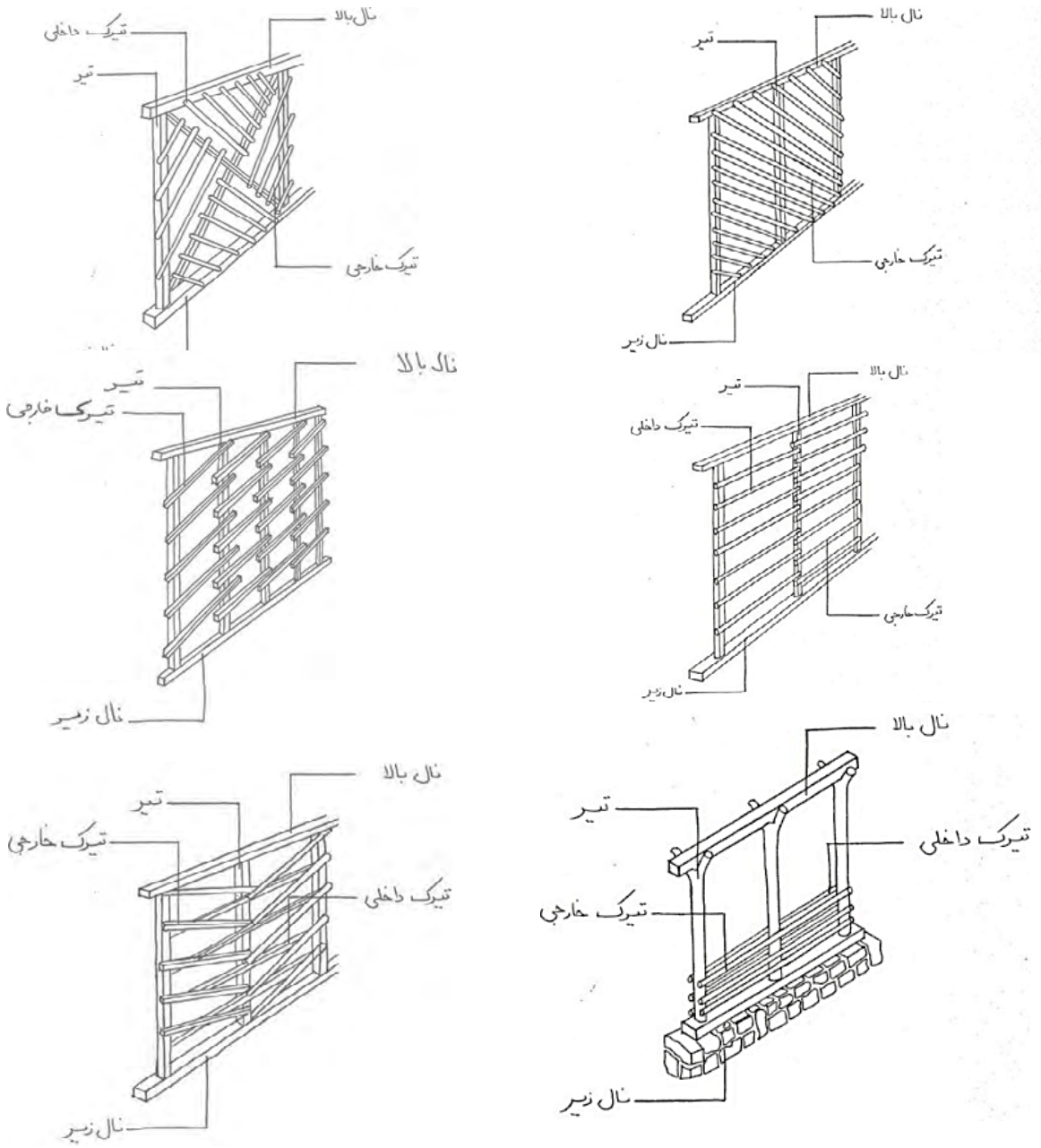

تصاویر شماره ۲۱ تا ۲۶ : جزییات دیوار زگالی.

کوهپایه گیلان است و برای بناهایی باقاعده و پلان مستطیل شکل است. این بام‌ها چهار گونه مختلف دارند. درصورتی‌که برای بنای مسکونی (و نه بنایی مثل طویله و تلنبار) استفاده شود شکل پیچیده به خود می‌گیرند و فشار جانبی و بار چوب‌بست و پوشش بام بیشتر روی ردیف تیر و ستون‌های کنار ایوان می‌افتد تا روی دیوارها. قاعده چوب‌بست از چهار تیر قطور افقی (اگان/اِگَن) تشکیل می‌شوند. این تیرها در نمای بیرونی همیشه روی ستون‌های ایوان می‌خوابند و در دوپهلو و پشت بنا با بازو روی ردیف‌هایی از تیر می‌خوابند (در بناهای جلگه مرکزی زمانی که بنا دارای غلام‌گردش است) یا مستقیماً روی دیوارها (در مناطق کوهپایه‌ای که دیوار حمال است) قرار می‌گیرند. روی این چهار تیر قاعده چوب‌بست بام تیرهای افقی (واشان) را قرار می‌دهند که کف فضای زیربام را تشکیل می‌دهد و چهار تیر قطور افقی دیگر (چشین) بر آن بار می‌شود. آنگاه خار بام نصب می‌شود که روی پایه‌های قطور عمودی (کولَک: به معنای دوش و شانه) سوار می‌شوند. انتهای کولک‌ها چنگ دارد که روی تیرهای افقی کف زیر بام می‌خوابند و بر پایه‌های مورب تکیه می‌کنند. تیرهای زیر خواب خرپا (دَس: دست) را هم به چند ردیف پایه عمودی و مورب (چپ‌دست) متصل می‌کنند که از خرک بام تا قاعده چوب‌بست به‌تدریج از طول آن‌ها کاسته می‌شود، ته سر چوب‌ها (لنگه خرپاها) را غالباً می‌تراشند تا اتصال آن‌ها بهتر صورت گیرد. این سر چوب‌ها به چشین‌ها و تیرهای زیر خواب خرپا و خرک بام متکی‌اند. توفال‌ها (اجار/راکَه/لوله) را با طناب‌هایی به سر چوب‌ها

تصویر شماره ۲۷ : نمونه خانه با دیوار سنگی.

تصویر شماره ۲۸ : پراکندگی انواع بام و پوشش آن در بوم گیلان. مأخذ: برومژه،۱۳۷۰.

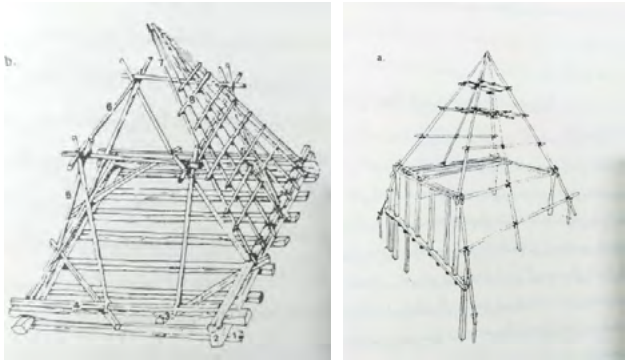

تصاویر شماره ۲۹ و ۳۰ : دو روش از اجرای بام چهارشیب هرمی.

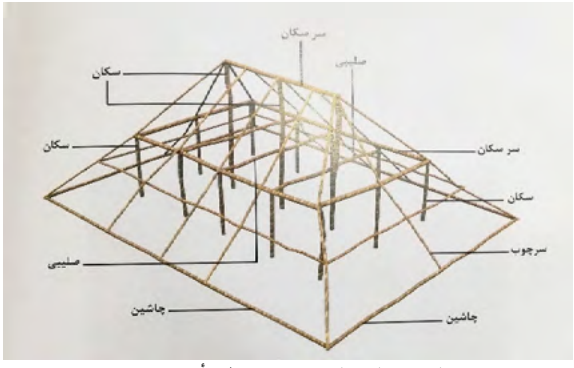

تصویر شماره ۲۹ : بام چهارشیب صندوقه دار. مأخذ: برومژه،۱۳۷۰.

می‌بندند و بام برای اجرای پوشش موردنظر آماده است.

– **بام چهارکله (هرمی شکل) با چهار شیب مساوی**؛ برای پوشش بناهایی به کار می‌رود که پلان و قاعده آن‌ها مربع شکل است ازجمله انبار برنج که روی ستونی‌های بلند ساخته می‌شوند و ساختمان‌های مسکونی دلتای سفیدرود. ساده‌ترین ترکیب این است که چهار سَربَست (سَربَس) را روی تیر قاعده چوب‌بست یا روی تیرهای آن سوار می‌کنند و این تیرها بر ستون‌های ایوان و پایه‌هایی که روی دیوار قرار می‌گیرند متکی هستند. تیرهای افقی یا چشین این سربست‌ها را به یکدیگر متصل می‌کنند و بدین‌سان در سطح‌های مختلف بام چندین مربع می‌سازند که به استحکام بام هرمی شکل کمک می‌کند. روش دیگر فنی آن است که در هر گوشه قاعده چوب‌بست بام یک چوب‌بست مثلث شکل قائم می‌سازند. این چوب‌بست‌ها با دو تیر (لنگ) که ته آن‌ها چنگ دارد و روی قاعده چوب‌بست جا می‌افتند، ساخته می‌شوند و به‌نوبه خود چهار تیر افقی را نگه می‌دارند. سر چوب‌ها روی قاعده چوب‌بست و تیرهای افقی قرار می‌گیرند و نهایتاً در خرک بام به یکدیگر می‌پیوندند. توفال (اجار/راکه/لوله) که به لنگه خرپاها بسته می‌شوند درواقع تکیه‌گاه پوشش بام هستند. (برومبرژه،۱۳۷۰). بام چهارکله عمدتاً با گالی یا کلوش پوشیده می‌شود و از این نظر خود نیز سبک و هم‌زمان با شیب زیاد است تا آب باران و برف به‌خوبی به خارج از بام هدایت شود.

پوشش بام:

آشناترین پوشش بامی که در بوم گیلان به چشم می‌خورد کاه و کلوش برنج یا گیاهان تالابی هستند که به‌صورت کلی بامی با پوشش گیاهی هستند؛ اما با توجه به عدم دسترسی به این مواد در مناطق کوهپایه‌ای و کوهستانی پوشش بام چوبی در این مناطق رایج‌تر است. به‌تدریج و باعلاقه به بروز شدن، پوشش بام سفالی و حلبی نیز به گزینه‌های بام سازی افزوده شد؛ بنابراین عمده انواع پوشش بام در گیلان به این شرح است:

۱- گالی پوش خانه ۲- کُلَش/کلوش سَر ۳- لَت سَر ۴- سفالی خانه/سفال سَر ۵- سیمکاخانه/حلب سَر

گالی پوش خانه:

در اصطلاح به ساختمان‌هایی با این پوشش سقف گالی پوش خانه می‌گویند این نوع پوشش هم ازنظر اجرا ساده است و هم ازنظر هزینه مناسب ساختمان‌های چوبی روستایی بوده که به راه‌های مختلف ساخته می‌شود و مورداستفاده قرار می‌گیرد. لی/له/سووف یا همان گالی گیاهی است که در کناره‌های تالاب و یا مکان‌های باتلاقی و آبگیر نزدیک به دریا می‌روید. این گیاه به‌خودی‌خود و بدون هیچ مراقبتی، به‌وفور و بدون هیچ هزینه‌ای قابل‌دسترس است.

کُلَش/کلوش سر:

از کلوش ساقه‌های برنج که دارای ۶۰ تا ۷۰ سانتیمتر طول باشد و در ناحیه وسط دارای شیاری که قطرات آب باران را به زیر می‌راند استفاده کرده به شکل دسته‌های پهن بسته‌بندی می‌گردد. دسته‌های کلوش از شروع اسکلت تا ستیغ بام با رعایت همپوشانی بر روی دسته‌های زیر به‌وسیله وریس/پریس به راکه‌ها/اجارها که اصطلاحاً بام دار گفته می‌شود

بسته‌شده عمر این کلوش بندی بین ۷ تا ۱۰ سال است. سازه بام نیز همان ساختار بام گالیپوش است تا نیاز به شیب قابل‌توجه برای هدایت باران تأمین شود.

لت سر:

در نواحی جنگلی و حواشی آن‌که دارای چوب فراوان است برای پوشش بام کلبه‌های جنگلی و منازل مسکونی روستایی و انبارها و غیره از تکه‌های تخته مانند از جنس راش و بخصوص از چوب بلوط استفاده می‌شود. معمولاً پس از قطع درخت چوب آن را به گردبینه تبدیل کرده که پس از خشک شدن پوست آن گرفته می‌شود و به قطعات ۵۰ تا ۷۰ سانتی‌متر بریده‌شده سپس با تبر به لایه‌های ۳ تا ۴ سانتیمتری تبدیل می‌شود و سطوح آن نیز با تبر هموار می‌گردد.

برای اجرای لت پوش به علت محدود بودن ابعاد این بناها طول خرپا نیز کوتاه است که اصول اجرای آن با گالی پوش دارای تفاوت مختصر و در مواردی مشترک است. در خرپاسازی لت پوش می‌توان از نعل برداشتن تیرهای گرد (گردبینه/گرددار) نیز استفاده کرد اما برای یکنواختی کار بیشتر از چهار بهارخواب‌های مقاوم ۱۰*۱۰ سانتیمتری و یا بیشتر جهت باربری تخته‌های لت استفاده می‌شود. در اسکلت‌بندی لت‌پوش جهت به وجود آوردن پیش‌آمدگی پوشش به شکل کنسول نعل کشی با رعایت اندازه پیش‌آمدگی آن بر روی ستون‌ها مستقرشده و میخ می‌شود. در ناحیه انتهایی پیش‌آمدگی یعنی کش از چهار تراش به‌عنوان لب‌بند استفاده می‌شود. این کش افقی سبب درگیری تیرهای مورب خرپا با نعل کشی می‌گردد. نسبت به‌اندازه تخته‌های لت و اورلپ آن‌ها ترکه کشی از چهار بهارخواب‌ها ۸*۸ یا ۱۰*۱۰ به فاصله ۴۰ تا ۶۵ سانتیمتر به عضوهای مورب خرپا اتصال و میخ می‌شود.

تخته‌های لت به طول ۵۰ تا ۷۵ و به عرض ۲۰ تا ۲۵ سانتیمتر بر روی ترکه‌ها (راکه/اجار) از ناحیه پیش‌آمده به شکل رج به رج و نشست پوشش

تصویر شماره ۳۰ : نمونه بام گالی پوش خانه.

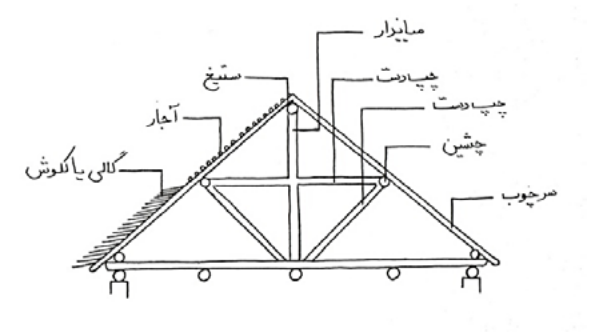

تصویر شماره ۳۱ : جزییات بام گالی پوش خانه. مأخذ: احمدی،۱۳۹۳.

تصویر شماره ۳۲ : نمونه خانه با بام لت سر، روستای اُمام.

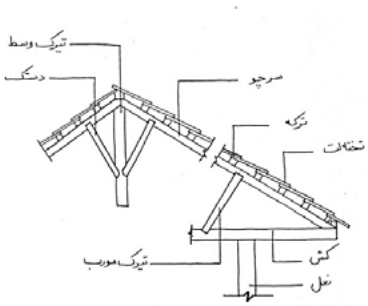

تصاویر شماره ۳۳ و ۳۴ : جزییات خانه با بام لت سر.

تصویر شماره ۳۵ : نمونه خانه‌ای سفال سر، گیسوم.

تصاویر شماره ۳۶ تا ۳۹ :نمونه سفال‌های روستایی در گیلان. عکس: رامین بشرویه.

اورلپ در ردیف اول میخ می‌شود. رج دوم با رعایت ۱/۲ پیوند نسبت به رج زیرین و پوشش اورلپ هم از جهت عمودی و هم از جهت افقی به‌اندازه ۵ تا ۱۰ سانتیمتر طوری میخ می‌شود که میخ از تخته لت زیرین عبور کرده و به ترکه متصل شود. پس از پوشش تخته‌های لت به شکل رج به رج تا ستیغ خرپا در چهار سطح به‌وسیله تخته در خطالرأس و خط شیب دو سطح هم‌جوار و با رعایت اورلپ پوشش می‌شود میخ از قطعات عبور کرده در تخته‌های زیر نشست می‌کند و به ترکه‌ها نیز متصل می‌شود.

سفالی خانه/سفال سر:

سفالی خانه اسمی عمومی است که برای انواع مختلفی از بناها به کار می‌رود به‌عبارتی‌دیگر عنوان سفالی خانه‌تنها به یک نوع بنا با کاربری مشخص اشاره نمی‌کند. در نگاهی کلی به ابنیه بومی گیلان می‌توان فضاهایی از خانه‌ها، مساجد، مقابر و حتی بناهای بازار را یافت که به آن‌ها سفالی خانه می‌گویند. ویژگی مشترک همه‌ی این فضاها، داشتن بامی شیب‌دار با سازه‌ی چوبی و پوشش سفالین است. این سفال‌ها که در قالب‌های چوبی و مقعر درست و سپس خشک و در کوره‌های مستطیلی شکل پخته می‌شوند، ازنظر شکل با سفال‌های نیمه استوانه‌ای که برای پوشش ساختمان‌های شهری گیلان به کار می‌رود، به‌کلی تفاوت دارند. بر روی سطح محدب این سفال‌ها که لبه‌های کاملاً باز دارند، دکمه‌ای تعبیه می‌شود که برای اتصال آن‌ها به توفال‌ها/لوله‌ها/اجارها/راکه‌ها بام به کار می‌رود یکی از لبه‌های سفال را بلندتر و کمانی شکل درست می‌کنند. شیارهای کناری که به‌این‌ترتیب حاصل می‌شود درون یکدیگر جا می‌افتند و سوار می‌شوند. آخرین حد جنوبی حوزه انتشار این شیوه اصیل بام سازی با سفال که در مناطق مختلفی از روسیه تا فنلاند به کار می‌رود، استان گیلان بوده است.

سیمکاخانه/حلب سر:

به‌طورکلی به بناهایی که پوشش سقف آن‌ها از ورق آهن سفید (ورق حلبی) است سیمکاخانه می‌گویند. در این نوع پوشش بام، ورق‌های آهن بر روی خرپاها میخ می‌شوند. این نوع پوشش جزو مصالح سنتی به شمار نمی‌آید ولی از جهت اینکه ابنیه جدید و بعضی از ابنیه سنتی منطقه شمال از این نوع پوشش بام استفاده می‌شود، به ذکر خصوصیات اقلیمی آن می‌پردازیم. روش اجرا همانند سایر نقاط کشور است و اغلب ورق آهن سفید بر روی سطح خرپا میخ می‌شود. از خصوصیات خوب این نوع پوشش بام، سبکی بار مرده و سهولت و سرعت اجرا است. ازلحاظ قیمت هم از بام سفالی ارزان‌تر و از گالی و تخته لت گران‌تر است. از نقاط ضعف آن می‌توان از انتقال حرارت و صدا به علت نازک بودن پوشش حلبی نام برد. در تابستان زیر این شیروانی‌ها بسیار گرم و در زمستان بسیار سرد است و همچنین هرگونه سروصدایی از خارج خصوصاً هنگام ریزش باران به داخل ساختمان انتقال می‌دهد. یکی از نشانه‌های آغازی بر پایان معماری سنتی بومی استفاده از همین ورق‌های حلبی است.

تصویر شماره ۴۰ : نمونه سیمکاخانه/ حلب سر.

کف سازی:

در سکونتگاه‌های گیلان کف بنا از زمین طبیعی متناسب با میزان رطوبت و بارندگی که به ارتفاع از سطح دریا و جغرافیای قرارگیری بنا مربوط است، از روی زمین تا حدود ۲ متر بلندتر ساخته می‌شود تا خطر نفوذ رطوبت از بین برود. سپس بر روی کف کرسی یا هر نوع پی کف سازی چوبی به دو روش انجام می‌گردد.

روش اول: به ارتفاع لازم روی کرسی چینی و یا ستون‌های چوبی با تیرهایی به قطر ۲۰ تا ۲۵ سانتیمتر نال کشی می‌شود قطور بودن این تیرها از کشسانی کف‌سازی پیشگیری می‌کند. از تیرهای گرد (گِردبینه) به قطر ۱۵ تا ۲۰ سانتیمتر که سطح آن‌ها به‌اندازه ۵ سانتیمتر نال برداشته می‌شود به فاصله ۴۰ تا ۵۰ سانتیمتر در حالت سروته به تیرهای نال کشی میخ می‌شود. از سرشاخه‌های یکنواخت و بدون زائده به قطر ۵ سانتیمتر و به فاصله آکس تیرها تهیه می‌شود و به آن‌ها میخ می‌گردد. جهت یکنواخت بودن کف و پیشگیری از حرکت سرشاخه روی آن‌ها به قطر ۴ تا ۵ سانتیمتر اندود کاه‌گل می‌شود.

روش دوم: در این حالت پس از استقرار تیرهای گردبینه بر روی نال کشی و هم‌سطح کردن آن‌ها به‌وسیله نال برداشتن از تخته‌های ۳ سانتیمتری با عرض‌های متفاوت در طول ۱،۵ و یا ۲ تا ۳ متر با رعایت ۴ میلی‌متر فاصله بر سطح گردبینه‌ها مفروش شده و میخ می‌گردد و کف‌پوشی مسطح و هموار به وجود می‌آید (احمدی،۱۳۹۳).

پیله/پیلکان/پاتیوله:

ارتباط بین تلار و ایوان به‌وسیله پله چوبی در شکل‌های مختلف صورت می‌گیرد اما به‌طورکلی محل پله طوری انتخاب می‌شود که با عملکرد کلی فضاها بخواند و درعین‌حال فضای کمی را نیز اشغال کند گاهی پله به دیوار اتاق‌ها چسبیده و گاهی پله در کنار نرده‌های ایوان قرارگرفته است؛ و همچنین حیاط و ایوآن‌هم می‌تواند توسط هرکدام از پله چوبی، خشتی، گلی و یا سنگی بنا شود. ارتباط و تفاوت بیرون و درون و تعریف مرز پاکیزگی توسط پله انجام می‌شود. اینجا ساختمان پله چوبی را بررسی خواهیم کرد.

برای ساخت پله دو چوب چهار تراش را به شکل مورب روی یک نال

تصاویر شماره ۴۱ و ۴۲ : نمونه کف سازی.

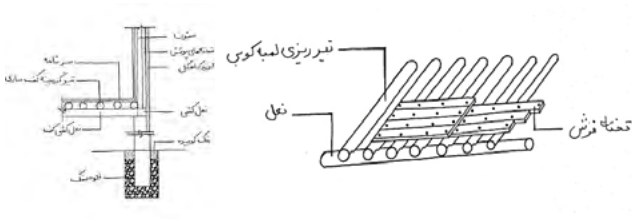

تصاویر شماره ۴۳ و ۴۴ : جزییات روش‌های کف سازی. مأخذ: احمدی،۱۳۹۳.

تصاویر شماره ۴۵ و ۴۶ : نمونه پله.

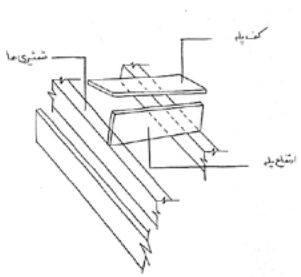

تصویر شماره ۴۷ : جزییات پله. مأخذ: احمدی،۱۳۹۳.

تصویر شماره ۴۸ : نمونه‌ای از در و پنجره.

تصویر شماره ۴۹ : نمونه‌ای زلفین/چفته.

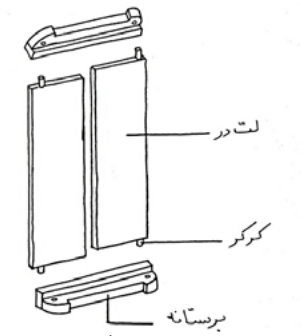

تصویر شماره ۵۰ : جزییات در. مأخذ: احمدی،۱۳۹۳.

تصاویر شماره ۵۱ و ۵۲ : ستون در بناهای استان گیلان .

قرار داده و سر چوب‌ها را به تیرهای کف تَلار (ایوان طبقه بالا) متصل می‌کردند بدین ترتیب پایه پله‌ها ساخته می‌شد برای ساختن پله‌ها به دو تخته چوبی پهن نیاز بود که یکی به‌عنوان پیشانی پله به‌صورت عمودی به تیرهای مورب میخ می‌شد و دومی به‌عنوان کف پله روی آن نصب می‌گردید بعدازآن در دو طرف شمشیری پله تخته‌های چوبی پهنی قرار داده و با میخ محکم می‌کردند در ساخت پله‌ها از چوب‌هایی نظیر ون (زبان‌گنجشک)، راش، اقاقیا استفاده می‌شده است (احمدی،۱۳۹۳).

در و پنجره‌های چوبی:

درهای چوبی دو لنگه و دریچه‌های آفتاب‌گیر و پنجره‌های دولنگه به ساده‌ترین اما کاراترین شکل به تردد، تهویه هوا و تأمین نور و روشنایی کمک می‌کنند.. عرض درهای ورودی معمولاً ۹۰ و در ارتفاع ۱,۸۰ است برای ساخت این درها که در اصطلاح محلی به آن‌ها بره گفته می‌شده از چوب درخت بلوط استفاده می‌کردند. در قسمت بالای در چفتی فلزی وجود دارد که با زنجیر به چهارچوب در متصل می‌شود و در اصطلاح محلی به آن زلفین/ چفته گفته می‌شود فاصله بین کف ایوان تا پائین لنگه‌ی درب را در گویش محلی برستانه/خاله می‌گویند. درهای اتاق‌ها و بقیه قسمت‌های خانه به‌جز در ورودی از چوب درخت آزاد ساخته می‌شده است. در خانه‌های روستائیان ساکن جلگه به‌ندرت پنجره‌های چوبی خورشیدی و

مشبک با جام شیشه‌های کوچک رنگارنگ مشاهده می‌شود.

ستون:

در همه بناهای گیلانی ستون یکی از اصلی‌ترین عناصر سازه‌ای و معماری است که در اسکلت و ساختار این بناها نقش مهمی دارد درعین‌حال که یک عنصر تزئینی است که دورتادور ایوان می‌توان آن‌ها را دید. در بسیاری از آن‌ها سرستون‌ها تزئین شده نیز به‌کاربرده شده است. یکی از دلایلی که ازنظر بصری بنا یک خانه متقارن به نظر می‌رسد وجود همین ستون‌ها و رعایت کردن فاصله دقیق آن‌هاست در کوچک‌ترین ایوان‌ها هم چند ردیف ستون در نما دیده می‌شود که زیبایی خاصی به وجود می‌آورند.

ستون‌ها علاوه بر ایجاد صفحه‌ای که سقف بر روی آن قرار دارد جداره متخلخل و نفوذپذیری برای ساختمان ایجاد می‌کنند که در اقلیم گیلان برای ایجاد جریان هوا مطلوب است. ریتم ستون‌های ایوان نه‌تنها تکیه‌گاه صفحه بالاسری است بلکه به کمک تیرهای «نال» قاب سازه‌ای سه‌بعدی را برای فضای معماری تشکیل می‌دهند. ستون‌ها را معمولاً با مقطع دایره‌ای می‌ساختند که جانورها نتوانند بالا بروند. به این ستون‌ها که در خانه‌های گیلانی کاربرد داشته اودار/اسکت گفته می‌شود. در ساخت ستون‌ها از چوب‌های بادوام و مقاوم در برابر رطوبت به‌خصوص درخت بلوط استفاده می‌شده و برای ساخت سرستون‌ها نیز همین چوب را به‌صورت اشکال مختلف تراش داده و به‌عنوان سرستون استفاده می‌کردند. ستون‌ها به سرستون‌ها از طریق اتصالات کام و زبانه اتصال پیدا می‌کنند (احمدی،۱۳۹۳).

مصالح:

مصالح ساختمانی خانه‌های روستایی و سنتی را از محیط پیرامون و از نزدیکی محل بنای خانه به دست می‌آورند و برای تبدیل این مصالح عموماً به رشته اعمال پیچیده فنی نیازی نبوده است.

چوب: که مهم‌ترین این مصالح است، سابقاً با بریدن آزادانه درختان از جنگل و بیشه‌های اطراف به دست می‌آمد؛ لیکن از زمان ملی شدن جنگل‌ها در سال ۱۳۴۲ تهیه الوار ساختمانی منوط به کسب مجوز از اداره‌های دولتی است. این محدودیت قانونی موجب شد که تجارت چوب بسیار گسترش پیدا کند و درختکاری (به‌ویژه کاشت درخت تبریزی) در محوطه‌های مسکونی یا در مجاورت آن‌ها توسعه یابد. چوب‌های سخت و مقاوم را به‌طور سنتی برای ساختن اجزای نگه‌دارنده ساختمان به کار می‌برند (تیرهای کلفت چوبی، تنه درخت برای پی‌سازی، تیر و تیرچه‌های حامل برای چوب‌بست دیوارها و بام و تیرهای عمودی که خرک بام روی آن‌ها سوار می‌شوند...) انواع این چوب‌ها عبارت‌اند از: چوب توت، خرنوب، بلوط و به‌خصوص چوب نارون سیبری (آزاد) که مطلوب‌ترین درخت در نظر بومیان است. این چوب هم به خاطر مقاومتش در برابر پوسیدگی در محیط نمناک موردپسند اهالی است و هم به علل باورهای بومیان، زیرا منزلت نمادی خاصی برای این درخت قائل‌اند: درختان و به‌خصوص درخت آزاد مورد اکرام اهالی ست. اینکه اسکلت خانه از ستون‌هایی است که از جنس این درخت متبرک است بی‌معنا نیست. برای آن دسته از اجزا که سوار می‌شوند و یا بارشان سبک است (مثل تیرچه‌های اتصال داربست بام و تخته‌های توفال و ...)، چوب‌های سبک‌تری به کار می‌برند که مقاومت کمتری در برابر فشار دارند و کار نجاری آن‌ها نیز ساده‌تر است. انواع این چوب‌ها عبارت‌اند از: تبریزی، توسکا، ممرز و حتی چوب درخت خرمالوی وحشی. از میان این چوب‌ها، چوب درخت تبریزی است که چون تنه‌های یک شکل و گرد دارد در اغلب موارد در ساختمان‌سازی به کار می‌رود و این‌یکی از روش‌های ساختمانی با تنه‌های گرد و الوار است که برای سوار کردن اسکلت دیوارها مورداستفاده قرار می‌گیرد. در مواردی که پوشش بام خانه‌ها از لت ساخته‌شده باشد (یعنی در منطقه کوهپایه که بر جلگه اشراف دارد)، نجاران تخته‌های لازم برای پوشش بام خانه‌ها را از تنه درخت زیزفون یا بلوط تهیه می‌کنند (برومژه،۱۳۷۰). بنابراین، برای ساختن خانه از بیش از چوب ده نوع درخت متفاوت که هر یک بر مبنای کیفیت، شکل‌پذیری، مقاومت در برابر رطوبت، تحمل بار، سختی و ... در مورد خاص خود استفاده می‌شود. روی این انواع مختلف چوب کار بخصوصی قبل از کاربرد آن‌ها انجام نمی‌دهند و این یکی از ویژگی‌های برجسته ساختمان‌سازی در گیلان است، در اغلب موارد به خشک‌کردن چوب طی چند هفته اکتفا می‌کنند و حتی درصورتی‌که در حین کار نیاز به چوب بیشتر داشته باشند بلافاصله پس از قطع درخت و به‌اصطلاح خیس از آن استفاده می‌کنند..

- در ساخت پی از چوب درختان سمد، بلوط، آزاد، توت، اقاقیا، زربین استفاده کرده‌اند.
- برای ساخت ستون‌ها از چوب درخت بلوط که چوب بسیار مقاوم و طول عمر طولانی دارد بهره برده‌اند.
- برای دیوارها از چوب درختان آزاد، توسکا، اوجا، بلوط، تبریزی استفاده می‌شده است.
- در ساخت بام از چوب درختان آزاد، لی، تبریزی، توسکا، کهل، شمشاد استفاده می‌شده است.
- عناصر معماری که در ساختمان‌ها وجود دارند عبارت‌اند از کف سازی، پله، نرده، در، پنجره که در آن‌ها از چوب‌های سبک‌تر و استقامت کمتر نسبت به عناصر سازه‌ای استفاده می‌شده نظیر چوب درختان لی، ون، صنوبر، آزاد، افرا و ...(احمدی،۱۳۹۳).

مواد گیاهی نرم: نقش الیاف گیاهی در مهار کردن قطعات چوب‌بست‌ها بسیار مهم است. در این موارد، طناب‌هایی (وریس/پریس) که از پوست درخت یا ساقه برنج می‌بافند، برای بستن و مهار کردن تخته‌های افقی به داربست بام و یا مهار سرکو به دَس و یا برای بستن دسته‌های پوشال پوشش بام به سازه بام به کار می‌برند.

این دسته یا از جنس گالی/لی هستند یا از ساقه‌های برنج (کُلُش/

تصاویر شماره ۵۳ تا ۵۷ : نمونه‌ای از مصالح مورداستفاده گیاهی و معدنی در خانه‌های بومی گیلان: از راست ملات فل و گل، نمونه پوشش کاه‌گل در نمای بیرونی، طناب الیاف طبیعی (پریس/ وریس)، دسته‌های گیاه گالی، دسته‌های کلوش.

کُلَش) هستند. حوزه جغرافیایی کاربرد گالی حتی تا دور از کرانه کاسپین و در ناحیه باتلاقی ساحلی، یعنی جاهایی که این مواد در آن به‌وفور یافت می‌شود، امتداد دارد. در حقیقت، کاربرد گالی ازنظر فنی و اقتصادی چندین مزیت دارد: اول آنکه، همچنان که اشاره کردیم، این مواد هم مقاوم‌تر و هم متجانس‌تر از کُلّش است؛ دوم آنکه اهالی ترجیح می‌دهند پوشال‌ها و ساقه‌های برنج را به کارهای دیگری اختصاص دهند، به‌خصوص که علوفه لازم و مناسبی برای گاوها در طی زمستان است. باری، برای پوشش بام یک‌خانه متوسط بیش از ۴۰۰۰ ساقه برنج لازم است که معادل برداشت محصول برنجزارهایی به مساحت ۳ تا ۵ هزار مترمربع است. همچنین، فرآورده‌های فرعی برنج را برای تهیه کاه‌گل روکش دیوارها و کف خانه‌ها به کار می‌برند. روی خاک غربال‌شده آب می‌پاشند و سپس آن را خوب لگدمال می‌کنند و با ساقه‌های خردشده یا پوشال برنج (کُلُش) یا با غلاف دانه برنج (فَل)، خار برنج (چُل پیل) یا سبوس برنج (کپک، سوف) مخلوط می‌کنند. این مواد مانع از رویش خزه می‌شود و استحکام لایه پوششی دیوارها را تأمین می‌کند. کُلُش گِل (کاه‌گلی که از مخلوط گل و کُلّش به دست کی آید) مخلوطی ست نسبتاً زمخت که از آن برای روکش دیوارها و جدارهای نازک و همه کارهای زیرسازی استفاده می‌شود. قسمت‌های ممتاز ساختمان مانند کف اتاق‌ها، دیوار داخلی و نمای بیرونی را با قشر نازک و متجانسی از کاه‌گل که از غلاف دانه‌های برنج و خار سبوس برنج تهیه می‌شود (فِل گِل، کپک گِل) اندود می‌کنند.

مواد معدنی: نقشی فرعی در ساختمان این خانه‌های داربستی و چوبی ایفا می‌کند. همچنان که اشاره کردیم کاه‌گل برای ساختن بدنه دیوارها و پوشش آن‌ها به کار می‌رود ولی در خشت سازی نیز از آن استفاده می‌کنند. کاربرد خشت خام که از مصالح اصلی روستایی در فلات ایران است، محدود و در برخی از نقاط گیلان معمول است. در این نقاط، خشت خام را گاهی برای پر کردن استخوان‌بندی دیوارها و به‌ندرت برای زیرسازی خانه به کار می‌برند. اما خشت پخته هیچ‌گاه در بناهای روستایی به کار نمی‌رود. یگانه مصالح سنتی که تهیه آن نیازمند یک رشته کارهای فنی پیچیده در خارج از محوطه کار ساختمانی است و منشأ غیر گیاهی دارد، سفال است که آن‌هم پایان قرن نوزدهم از روسیه اقتباس شده است و حوزه انتشار جغرافیایی آن به ناحیه شمال غربی استان گیلان محدود می‌شود.

ازجمله موادی دیگر که منشأ معدنی دارند و در کار ساختمانی به کار می‌روند باید به نمک که از آن برای پیشگیری از رشد خزه روی دیوار استفاده می‌شود و آهک اشاره‌کنیم. آهک را گاهی با کاه‌گل مخلوط می‌کنند تا میزان انسجام و مقاومت آن را بالا ببرد. همچنین از آهک به‌صورت دوغاب برای رشاب سطحی دیوارها استفاده می‌کنند و این کار را زنان با جاروی کوچکی در آستانه سال نو انجام می‌دهند. همچنین سنگ که از موارد کمیاب در جلگه عمدتاً گلین به شمار می‌آید، برای استحکام پی‌ریزی ساختمان‌ها و در برخی از ارتفاعات به‌عنوان سازه اصلی دیوارها یا نگه‌دارنده لت‌های پوشش بام بناهای کوهستانی به کار می‌رود (برومبرژه، ۱۳۷۰).

واحد اندازه‌گیری:

اَلِش یا اَرِش به فاصله آرنج تا نوک انگشتان دست گفته می‌شود واحد اندازه‌گیری فواصل در معماری بومی گیلان است. این فاصله که تقریباً برابر با نیم متر (پنجاه سانتی‌متر) است در همه مراحل ساخت بنا مورداستفاده است. فاصله ستون‌ها، ارتفاع پی‌ها، ابعاد دیوارها و در و پنجره بر مبنای همین واحد اندازه‌گیری انجام می‌شود.

بست‌ها:

در این نوع ساختمان‌ها که از پی تا سقف و تمام اجزای تشکیل‌دهنده و استخوان اصلی یک بنا از چوب است از بست‌های خاصی که عموماً در هنر خراطی شناخته‌شده‌اند برای قفل و بست شدن این چوب‌ها استفاده می‌شده که در اینجا چند نوع از آن‌ها نام‌برده می‌شود: کله به کله، کام و زبانه، نیم به نیم، گوه بندی، فاق و زین (احمدی،۱۳۹۳). وسایل اتصال قطعات چوبی نه‌تنها در بام سازی بلکه در کارهای نجاری دیگر مانند ساخت داربست دیوارها استفاده می‌شوند. حتی از خود شکل طبیعی قطعات (انتهای چنگک‌دار چوب‌ها) برای محکم کردن قطعات به

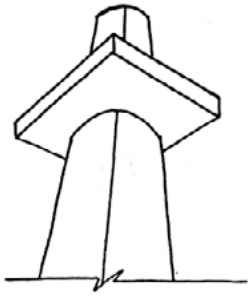

تصویر شماره ۵۸ : اتصال گوه بندی در کندوج. مأخذ: احمدی،۱۳۹۳.

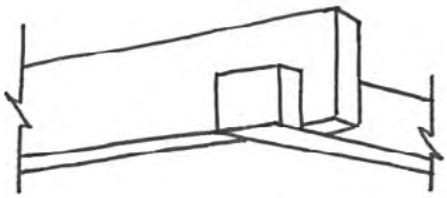

تصویر شماره ۵۹ : یکی از اتصالات نال‌ها به‌صورت فاق و زین. مأخذ: احمدی،۱۳۹۳.

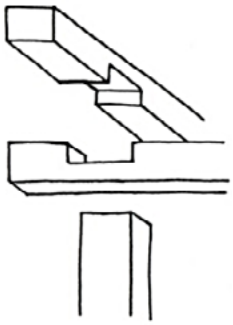

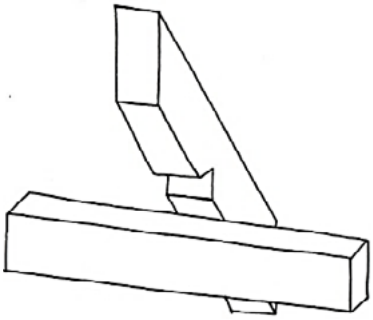

تصویر شماره ۶۰ : اتصال کام و زبانه در سقف‌های خرپا و سرستون‌ها. مأخذ: احمدی،۱۳۹۳.

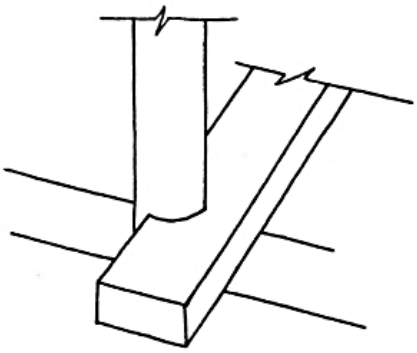

تصویر شماره ۶۱: نحوه اتصال کولک با زیر کولک. مأخذ: احمدی،۱۳۹۳.

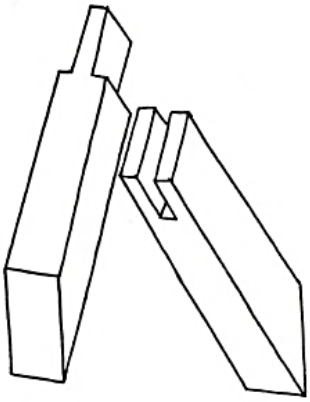

تصویر شماره ۶۲: بست‌های گیاهی با وریس/پریس. مأخذ: احمدی،۱۳۹۳.

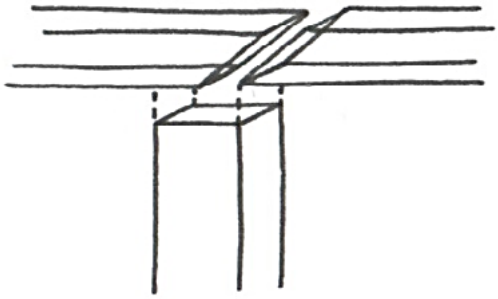

تصویر شماره ۶۳ : اتصال فارسی بر نال‌ها. احمدی،۱۳۹۳.

تصویر شماره ۶۴ : اتصال کام و زبانه خرپا.

هم استفاده می‌شود اما رایج‌تری، شاخص‌ترین و اصیل‌ترین بست، بست گیاهی با طنابی به نام وریس/پریس است که در ساخت دیوار تا بام از آن استفاده می‌شود.

منابع:

- احمدی، نوشین. تحلیل ساختاری و فضایی عنصر چوب در معماری بومی استان گیلان: پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان. ۱۳۹۳
- برومژه، کریستیان، گوشه‌گیر، علاءالدین (ترجمه)، مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان (مطالعات مردم‌شناسی). موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی با همکاری استانداری گیلان. تهران. چاپ اول.۱۳۷۰-
- پاشا زانوسی، حسن. فنون انتقال و مرمت آثار چوبی (خانه‌های روستایی بومی گیلان، کارگاه موزه میراث روستایی گیلان) رساله برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته: مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی. دانشگاه شهید بهشتی دانشکده‌ی معماری و شهرسازی. دی ۱۳۸۹
- طالقانی، محمود. خانه محتشم طلب: میراث معماری روستایی گیلان (۲): جلگه غرب. نشر فرهنگستان هنر.۱۳۸۹
- طیبی، محمد. ساختمان‌های مقاوم در برابر بلایای طبیعی. نشر زرین اندیشمند. ۱۳۹۹.

پایان بخش دوم

مطالعـــاتی پیـرامون درآیگـــاه‌های ابنیـــه شارکرمان

سلـمان ملک عبـــاسی

دکتری شهرسازی، مدرّس دانشگاه شهید باهنر کرمان.

مقدمه:

این پژوهش به موضوع و موضع «درآیگاه» در کرمان می‌پردازد. منظور از «درآیگاه»، مجموعه فضاهای تشکیل‌دهنده فعل ورود به بناهای کرمان و بالعکس است. «درآی» در زمان ساسانیان به زنگ‌های بناهای حکومتی اطلاق می‌شده که طنابی بدان آویزان بوده است. هر مراجعه‌کننده‌ای با تکان دادن طناب و به صدا درآوردن زنگ، به نگهبان حضور خود را اطلاع می‌داده است. «گاه» هم که پسوند مکان است.

در سده اخیر محلات سنتی و ابنیه آن، با درآمیختگی با خیابان‌کشی‌های افسارگسیخته و ورود خودرو؛ همچنین رشد افقی شهر عملاً ساختار فضایی خود را ازدست‌داده و دگرگون‌شده‌اند. در زمان حاضر بناهای سنتی و درآیگاه‌های آن نیز به سبب تغییراتی در زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی، زمانی (تاریخی)، تأثیرات عملکردهای جدید و ... دیگر مورد اقبال ساکنین و مردم شهر قرار نداشته و به سمت نابودی در حرکت هستند.

بنابراین تمایل و حرکت به سمت نوگرایی، ابتدا شهرسازی و سپس معماری مدرن را به کرمان آورده و این تجددطلبی و نو پردازی، موجب رویارویی ساختار فضایی کهن با ساختار فضایی نو در کرمان شده و این رویارویی به‌جای همسازی، به تقابل، مشکل یا مسئله تبدیل شده است.

اهداف اصلی این پژوهش به‌صورت ذیل آمده است:

- تهیه مجموعه‌ای از انواع ورودی‌های ارزشمند بناهای کرمان؛ به‌گونه‌ای که پس از تخریب‌های فراوان بتواند برای آیندگان مستندسازی گردد.
- مشخص شدن موقعیت هر یک از ورودی‌های ابنیه در شهر کرمان؛ به‌طوری‌که در سطح شهر بتوان موقعیت مکانی آن‌ها را پیدا نمود.
- مطالعه قواعد و نظام طرح درآیگاه‌های سنتی ابنیه در کرمان و دستیابی به چارچوبی درزمینه‌ی اجزای تشکیل‌دهنده فضاهای ورودی و عناصر متشکله هر یک از اجزاء.

اهداف تَبعی پژوهش چنین می‌تواند باشد:

- تهیه راهنمای طراحی برای ساخت و احداث ورودی‌های ابنیه جدید؛ خصوصاً در

تصویر شماره ۱ : شهر کرمان در عصر حاضر. مأخذ: نگارنده، برگرفته از سایت گوگل ارث.

بافت تاریخی شهر کرمان.

- دستیابی به الگوهای پیشنهادی طراحانه و اجرای نمای ابنیه در کرمان.

۱- عوامل متشکله شار کرمان از سنت تا امروز:

شهر کرمان به‌مانند سایر شهرهای سنتی و کویری ایران دارای اجزاء، عناصر و عوامل مشخصه ساختاری و عملکردی بوده که بعدها با رشد افقی شهر در دوره پهلوی دوم و جمهوری اسلامی، این فعالیت‌ها گسترش بیشتری می‌یابد (تصویر شماره ۱).

۲- اجزای تشکیل‌دهنده فضاهای ورودی (درآیگاه):

فضای ورودی، تنها شامل در یا درگاه نیست؛ بلکه شامل اجزاء کالبدی و مجموعه رفتارهایی است که عمل ورود یا خروج در آن رخ می‌دهد.

این روند، از «عرصه عمومی (فضای شهری؛ مانند معبر، میدان، فلکه و ...)» که ماهیت «عبور» دارد، آغازشده، تبدیل به «عرصه نیمه عمومی/ نیمه‌خصوصی (مکان شهری؛ مانند جلوخان)» که ماهیت «مکث» دارد، گشته و درنهایت به «عرصه خصوصی» بنا که ماهیتی «مقصدی و دسترسی» دارد، ختم می‌گردد و در خروج، این روند بالعکس رخ می‌دهد.

هر فضای ورودی از یک یا چند جزء تشکیل می‌شده است که هرکدام از آن‌ها دارای خصوصیات کارکردی و کالبدی کمابیش معینی بوده است. در این بخش هر یک از این اجزاء با عنوان فضا یا جزء- فضا مورداشاره قرارگرفته است (تصویر شماره ۲):

۱- ساباط، لنگه، تویزه[1]

۲- جلوخان، واشدگاه، پیش‌گاه، پیش پا

۳- پیش طاق، پیشخان، کُنه، (جلوخان)

۴- درگاه، آستان

۵- هشتی، هشت، کریاس

۶- دالان، راهرو، دهلیز

۷- ایوان، پیشانی

۸- رواق

۲-۱- ساباط:

غالباً بخشی از فضای معبر را که سرپوشیده و مسقف می‌شد، «ساباط» می‌نامیدند. سرپوشیده شدن معبر در شهرهای واقع در نواحی گرم ۱. موجب ایجاد سایه و پدید آمدن فضایی مطلوب برای حرکت یا توقف افراد می‌شد. در بالای بعضی از ساباط‌های واقع در معابرِ درون محله‌های مسکونی، ۲. فضایی نیز می‌ساختند که از آن برای اقامت کوتاه‌مدت یا بلندمدت استفاده می‌کردند.

علاوه بر این، ۳. برای اهمیت بخشیدن به بعضی از بناهای واقع در کنار معبر، قسمتی از معبر را که در جلوی فضای ورودی آن بناها قرار داشت، سرپوشیده می‌کردند. معمولاً ساباط در جلوی ورودی بناهایی ساخته می‌شد که فاقد یک جلوخان بزرگ بودند (سلطان‌زاده، فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران، ۸۱).

از کارکردهای دیگر ساباط[2]:

۴. استحکامی بود که برای بدنه‌های معبر به وجود می‌آورد؛ به‌گونه‌ای که مانند تیر افقی بر فراز معبر، نقش ایفا می‌کرد و مانع فروریختن دیواره معبر می‌گردید.

۱- در برخی درآیگاه‌ها در کنار ساباط، گاهی «رواق، دالان، هشتی بیرونی یا حتی چهارطاقی» نیز به چشم می‌خورد.

۲- به ساباط‌های منفرد که به‌صورت تَرکه‌ای و تنگ ساخته می‌شوند، اصطلاحاً در کرمان «لنگه یا تویزه» می‌گویند.

۵. همچنین باعث می‌شد از سرعت تندبادهایی که غالباً با گردوخاک همراه بود، کاسته شود.

۶. کارکرد دیگر ساباط این بود که اجازه نمی‌داد دشمنانی که سوار بر اسب هستند، از این معابر عبور کنند؛ چون با سر سوارکار برخورد می‌کردند. لذا از سرعت آنان کاسته و آن‌ها را مجبور به پیاده شدن از اسب می‌نمود (تصویر شماره ۳).

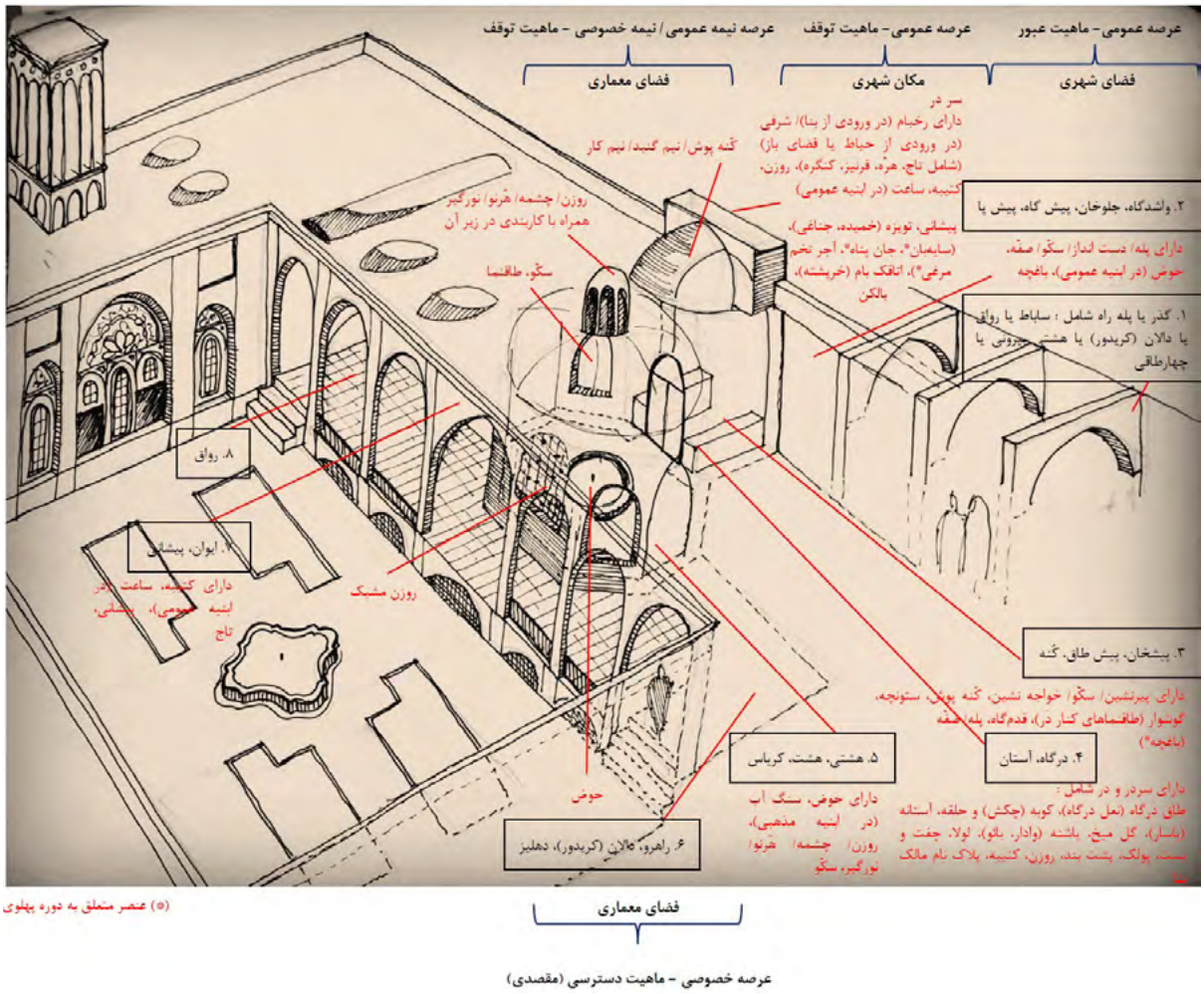

تصویر شماره ۲ : اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده فضاهای ورودی (درآیگاه) ابنیه مسکونی سنتی. مأخذ: نگارنده

تصویر شماره ۳ : برخی ساباط‌های کرمان.

تصویر شماره ۴ : ورودی‌های مسجد جامع مظفری که جلوخان آن‌ها دارای حوض آب بوده و با پلکان از معبر اصلی (خیابان شریعتی) جداشده است.

۲-۲- جلوخان، واشدگاه، پیش‌گاه، پیش پا:

«جلوخان» فضایی وسیع و بزرگ است که در جلوی «پیش طاق» بعضی از ابنیه مهم، طراحی و ساخته می‌شده است. یکی از اهداف احداث جلوخان، اهمیت بخشیدن به فضای ورودی بنا و تمایز بهتر آن از فضای معبر یا میدان بوده است. در برخی موارد تعدادی دکان در فضای جلوخان ساخته می‌شد. تجمع کوتاه‌مدت برخی از مردم و انجام بعضی از انواع تماس‌ها و مراودات اجتماعی و گاه اقتصادی در این فضا، موجب می‌گردید که جلوخان نقش یک [مکان] شهری را نیز ایفاء نماید. بدنه‌های جلوخان‌ها را معمولاً طراحی می‌کردند و به شکلی زیبا می‌آراستند. آن جبهه از بدنه جلوخان که فضای ورودی بنا در آن قرار داشت از بهترین طراحی و تزیین برخوردار می‌شد. در مواردی که جلوخان در کنار میدان یا معبر قرار داشت، جبهه چهارم (معمولاً سطح روبروی ورودی) گشوده و باز و فاقد دیوار بود. [این جبهه چهارم می‌تواند با ردیف طاق‌ها (مانند رواق) یا طاق نصرت آذین گردد].

در برخی موارد استقرار جلوخان در کنار یک میدان ممکن بود موجب شود که حد و قلمرو جلوخان از فضای میدان تأثیر پذیرد که در این صورت با طراحی و احداث یک عنصر معماری ازجمله «یک دست‌انداز یا سکو»، قلمرو جلوخان را از فضای میدان متمایز می‌کردند. به نظر می‌رسد که احداث «یک حوض» متناسب با ابعاد جلوخان نوعی الگوی رایج در طراحی و احداث بسیاری از جلوخان‌ها بوده است. معمولاً این حوض را در وسط صحن جلوخان و روبروی پیش طاق ورودی به‌گونه‌ای می‌ساختند که در امتداد محور تقارن پیش طاق و جلوخان قرار می‌گرفت (همان، ۶۹-۶۶) (تصویر شماره ۴).

در مطالعات ورودی‌های ابنیه کرمان، به «گشودگی‌های فضایی» مقابل برخی درگاه‌های ورودی برخورد می‌نماییم که ناشی از ۱. وجود بن‌بست یا ۲. عقب نشستگی و شکست‌های کوچه یا ۳. عقب‌نشینی بنا است و فضایی «واشده، پیش پا و پیش گاه» مناسبی برای درآیگاه به وجود آورده است.

۲-۳- پیش طاق، پیشخان، کُنه، (جلوخان):

«پیش طاق» فضایی سرپوشیده و نیمه‌باز مانند «ایوان» است که در جلوی «درگاه ورودی» طراحی و ساخته می‌شد و فضای دسترسی را از فضای معبر متمایز می‌کرد. بعضی‌اوقات و در برخی از شهرها، پیش طاق را «جلوخان یا پیشخان یا کُنه» نیز می‌نامیده‌اند.

توقف و انتظار برای ورود به بنا در همین فضا صورت می‌گرفته است. در بسیاری از موارد در کنار هر یک از دو بدنه پیش طاق، یک «سکو» می‌ساختند که در هنگام انتظار یا ملاقات و گفتگو یا گذران بخشی از اوقات فراغت از آن استفاده می‌کردند (همان، ۷۰).

سکو عنصری است که عموماً به‌صورت زوج در دو سوی پیش طاق بسیاری از نمونه‌های متعلق به هر یک از انواع بناهای سنتی ساخته می‌شده است. از این عنصر برای نشستن در جلوی یک بنا در هنگام انتظار برای شخصی یا برای رفع خستگی استفاده می‌کردند؛ همچنین بسیاری از افراد برای گذران بخشی از اوقات فراغت خود بر روی این سکوها می‌نشستند و به گفتگو مشغول می‌شدند.

سکوهای واقع در فضای ورودی واحدهای مسکونی بیش از سایر فضاهای ورودی از چنین کارکردی برخوردار بودند. در برخی از شهرها این سکوها را «خواجه‌نشین یا پیرنشین» می‌نامیده‌اند (تصویر شماره ۵).

علاوه بر این در پیرامون هشتی بعضی از فضاهای ورودی نیز سکوهایی وجود داشت که کمابیش دارای کارکردهای سکوهای پیش طاق ورودی بودند. جنس بیشتر سکوها به‌خصوص سکوهای فضاهای بزرگ و مهم از سنگ بود و تنها در برخی از بناهای کوچک و کم‌اهمیت و ازجمله در بعضی از خانه‌ها آجر به کار می‌رفت (همان، ۹۴).

۲-۴- درگاه، آستان:

فضای کوچکی که «درِ ورودی» در آن قرار می‌گیرد، «درگاه» خوانده‌شده است. ازلحاظ ساختمانی، درگاه فضایی است که در دو سوی آن دو جرز یا دیوار قرارگرفته است که چهارچوب درِ ورودی در آن نصب‌شده است.

تصویر شماره ۵ : فضای پیش طاق ورودی کاروانسرای گنجعلیخان (ایوان شرقی میدان گنجعلیخان) که دارای فضای انتظار؛ همراه با سکوی مرتفعی است. عرض دهنه پیش طاق، تقریباً دو برابر عمق آن است. طاق درگاه (نعل درگاه) به‌صورت قوسی بوده که با نیم گنبد (کُنه پوش) مقرنسی پوشیده شده است. سردر بلند درگاه از سه ایوان دیگر میدان بلندتر است.

طاق درگاه که آن را «نعل درگاه» می‌گویند، قوسی شکل[1] یا افقی است. [تویزه‌های] قوسی شکل معمولاً با آجر و [تویزه‌های] افقی غالباً با کمک تیر چوبی ساخته می‌شده‌اند. عمق درگاه در بسیاری از بناها در حدود نیم متر است؛ اما اندازه آن تا حدود ۱/۵ متر نیز می‌رسیده است. واژه درگاه [یا آستان] در متن‌های تاریخی به معانی دیگری ازجمله به معنی «فضای ورودی» به‌صورت عام و نیز به معنی «پیش طاق ورودی» نیز به‌کاررفته است (همان، ۷۴). لذا می‌توان این‌گونه عنوان کرد که پیش طاق جزئی از درگاه است. بدین ترتیب اجزای درگاه عبارت می‌شود از:

۱- کُنه، پیش طاق، پیشخان ورودی

۲- سردر ورودی

۳- درِ ورودی

بخشی از سطح فضای ورودی که در بالای درِ ورودی قرار داشت، «سردَر» نامیده می‌شود. این سطح را در انواع فضاهای ورودی به‌خصوص فضاهای ورودی بناهای نسبتاً بزرگ تزئین می‌کردند. کمابیش می‌توان گفت که معمولاً سطح سردر هر فضای ورودی مزین‌ترین سطح از نمای خارجی هر بنا بوده است. در تزئین این سطح از انواع آجرکاری، کاشی‌کاری، مقرنس و گچبری استفاده می‌کرده‌اند. در برخی موارد نام استاد معمار بنا را در کتیبه سردر می‌نوشتند (همان، ۹۵).

عموماً ارتفاع [سردر] از ارتفاع سایر سطوح و حجم‌های مجاور آن بیشتر گرفته می‌شد تا ضمن آن‌که نمایانگر اهمیت بنا باشد، نشانه‌ای از موقعیت آن نیز به شمار آید. در مواردی در مرتفع ساختن پیش طاق چنان اغراق می‌شد که ارتفاع آن به چند برابر سطوح مجاورش می‌رسید. در بسیاری از بناها پیش طاق ورودی را با کاشی مزین می‌کردند و غالباً «کتیبه» بنا را که شامل مطالبی درباره تاریخ احداث و بانی و آیاتی از قرآن کریم بود، در قسمتی از آن قرار می‌دادند (همان، ۷۱).

۲-۵- هشتی، هشت، کریاس:

«هشتی یا کریاس» فضایی است که در بسیاری از انواع فضاهای ورودی طراحی و ساخته می‌شده است. این فضا غالباً بلافاصله پس از «درگاه» قرار می‌گرفته است و یکی از کارکردهای آن ۱. تقسیم مسیر ورودی به دو یا چند جهت بوده است. در برخی از بناهای عمومی یا خانه‌ها دو یا چند راه از داخل هشتی منشعب می‌شده که هر یک از آن‌ها به فضایی خاص و ازجمله به فضای باز داخلی بنا منتهی می‌شده است.

در بناهایی که از هشتی آن‌ها تنها یک راه منشعب می‌شده، فضای هشتی کارکرد یک فضای تقسیم‌کننده را نداشته؛ بلکه به‌عنوان ۲. فضایی برای انتظار و باشکوه نمودن مسیر ورودی مورداستفاده قرار می‌گرفته است. از فضای هشتی برای ۳. تغییر جهت مسیر حرکت [و زاویه] نیز استفاده

۱- نعل درگاه‌های قوسی شکل معمولاً با «نیم گنبد یا کُنه پوش» پوشیده می‌شود که با مقرنس‌کاری، کاربندی یا پتگانه همراه بوده است.

تصویر شماره ۶ : هشتی با کاربندی و روزن و سکو- خانه نصیری، محله گلبازخان.

تصویر شماره ۷ : راهروی ورودی کاروانسرای گنجعلیخان. مأخذ: پیمان سلیمانی روزبهانی.

تصویر شماره ۸ : راهروی ورودی و سنگ آب مسجد ملک (امام خمینی).

می‌کرده‌اند.

هشتی‌ها دارای نقشه‌هایی به شکل هشت‌ضلعی، نیم هشت، مستطیل یا شکل‌های دیگر مشابه موارد فوق هستند. هشتی بیشتر خانه‌ها، دارای ارتفاعی کم و متناسب با فضای ورودی است؛ اما هشتی بناهای بزرگ و عظیم، مرتفع و مزین به کاشی، کاربندی یا سایر تزئینات هستند (تصویر شماره ۶). در بسیاری از بناهای عمومی مانند مساجد و مدرسه‌ها، در بخشی از دیوار هشتی که به ایوان مجاور آن متصل بود، «روزنی» به‌صورت مشبک یا ساده قرار می‌دادند تا ضمن تأمین نور برای هشتی، منظره‌ای ازآنجا به داخل بنا نیز دیده شود. در خانه‌های بزرگ، اتاق کارکنان خدماتی، انبار، طویله و برخی دیگر از فضاهای خدماتی در کنار هشتی قرار داشتند (همان، ۷۶-۷۵).

در فضای هشتی مساجد «سنگ آب و حوض» و در فضای هشتی خانه‌ها «حوض آب» می‌توانست وجود داشته باشد.

۲-۶- دالان، راهرو، دهلیز:

«دالان» ساده‌ترین جزء- فضای ورودی است که ۱. تأمین ارتباط و دسترسی بین دو مکان، مهم‌ترین کارکرد اصلی آن به شمار می‌آید. در برخی از انواع بناها مانند خانه‌ها، حمام‌ها و در مواردی مسجدها و مدرسه‌ها، ۲. تغییر امتداد و جهت مسیر عبور در دالان صورت می‌گرفته است. به‌این‌ترتیب مسئله محرمیت را توسط دالانی که در امتدادی غیرمستقیم به حیاط ختم می‌شد، حل می‌کردند. دالان ازلحاظ کالبدی فضایی باریک و کم‌عرض است؛ البته عرض دالان‌ها متناسب با کارکرد هر بنا و عدّه استفاده‌کنندگان از آن‌ها تعیین می‌شده است. عرض دالان‌های مساجد و مدارس بزرگ به‌طور متوسط بین ۲ تا ۳/۵ متر و عرض دالان خانه‌های کوچک به‌طور متوسط در حدود ۱ متر است (تصاویر شماره ۷ و ۸).

طول دالان‌ها بسیار متغیر است و به‌طور متوسط بین ۲ تا ۱۰ متر و در مواردی بیشتر است. در گذشته از واژه «دهلیز» نیز استفاده می‌کردند. دالان به‌عنوان یک فضای معماری به‌گونه‌ای است که ازلحاظ فضایی و ادراکی آن را می‌توان فضایی عبوری و حرکتی دانست (همان، ۷۸).

۲-۷- ایوان، پیشانی:

درروند توسعه و تکامل اجزاء و عناصر فضای [درآیگاه]، «ایوان» نیز به‌عنوان بخشی از فضای ورودی مورداستفاده قرار گرفت. از دوره ایلخانان نمونه‌هایی برجای‌مانده است که ایوان در آن‌ها به‌عنوان یکی از اجزای فضای ورودی مورداستفاده قرارگرفته است. در این نوع بناها، دالانی که در امتداد محور درگاه و پیش طاق ورودی قرار دارد، به وسط ایوان مجاور حیاط متصل شده است و به‌این‌ترتیب ایوان دارای کارکرد یک فضای ارتباطی شده است (تصویر شماره ۹).

البته در پی روند تکامل طراحی فضاهای ورودی، راه‌حلی ابداع شد که بر اساس آن ارتباط «هشتی» به حیاط توسط «دالان‌هایی» که در کنار ایوان قرار داشتند، صورت می‌گرفت. در این حالت ایوان به‌عنوان یک فضای اصلی کارکرد داشت (همان، ۷۹).

در دوره قاجاریه بر بالای ایوان برخی مدارس و مساجد جامع شهرهای بزرگ، ساعت بزرگی قرار گرفت که از فواصل دور قابل‌رؤیت بوده و در هر ساعت، به صدا درمی‌آمده است (تصویر شماره ۱۰). این ساعت‌ها از برج‌های کلیساها، ساختمان‌های شهرداری و تالارهای اروپایی به عاریت گرفته شد (تصویر شماره ۱۱).

همچنین عموماً بر بالای ایوان؛ خصوصاً ایوان‌های ابنیه عمومی، «کتیبه‌ای» از جنس کاشی، گچ، سنگ یا آجر نگاشته می‌شود.

۲-۸- رواق:

«رواق» ازلحاظ کالبدی فضایی سرپوشیده، نیمه‌باز و ممتد و از جنبه کارکردی، فضایی ارتباطی است که غالباً در پیرامون حیاط -در یک، دو، سه یا چهار جبهه از یک حیاط- یا در پیرامون یک فضای ساخته‌شده برونگرا احداث می‌شده است. در برخی از بناها، فضای ورودی توسط یکی از دهانه‌های رواق با حیاط ارتباط پیداکرده است (تصویر شماره ۱۲). طبعاً در این حالت، یکی از دهانه‌های رواق، نقش یک جزء- فضای ورودی را نیز ایفا می‌ماید. در چنین حالتی، این دهانه دو کارکرد یا نقش یافته است:

۱- از یکسو جزئی از رواق،

تصویر شماره ۹ : دو ایوان ورودی غربی و شمالی حیاط کاروانسرای گنجعلیخان.

تصویر شماره ۱۰ : ساعت مسجد جامع مظفری.

تصویر شماره ۱۱ : ساعت مدرسه ابراهیم‌خان ظهیرالدوله. مأخذ: محمدصادق ابراهیمی

تصویر شماره ۱۲ : رواق داخلی حیاط خانه خرم.

۲- و از سوی دیگر، مانند دالان یا ایوانی کوچک در کنار سایر عناصر ورودی است (همان، ۸۳-۸۲).

۳- عناصر تشکیل‌دهنده درهای ابنیه:

درهای ابنیه بزرگ و متوسط، دارای عناصر بسیار متعددی هستند که در این بخش به آن‌ها اشاره‌شده است:

- در
- کوبه و حلقه
- آستانه
- گل‌میخ
- پاشنه
- لولا
- چفت‌وبست
- پولک
- پشت‌بند

۳-۱- در:

درِ ورودی یکی از عناصر مهم فضای ورودی به شمار می‌آید که کارکرد اصلی آن کنترل ارتباط میان فضای درونی بنا و فضای بیرون از آن است. ابعاد و تناسبات درِ ورودی هر بنا با نوع و کارکرد آن بنا متناسب است. البته برخی از مساجد نخستین، در ابتدا فاقد درِ ورودی بودند و فضای ورودی در آن‌ها تنها شامل یک درگاه می‌شد (همان، ۹۰) و یا پارک‌ها و بوستان‌های

۱- این ویژگی در بوستان‌های عمومی موجب شده است که این فضاها تبدیل به «مکان شهری» شوند؛ به‌گونه‌ای که ورود و خروج ۲۴ ساعته در آن برای همگان آزاد شود و مردم در آن به تعامل اجتماعی بپردازند.

امروزی که درِ ورودی قدیم خود را ازدست‌داده‌اند و تنها دارای پرچین به‌جای دیواره و درِ ورودی هستند[1].

جنس درِ ورودی سنتی، عموماً از چوب و شکل بیشتر آن‌ها مستطیل بود. استفاده از درهایی که شکل آن‌ها مستطیل نبود، بیشتر از دوره قاجار معمول شد. اهمیت درِ ورودی بعضی از فضاهای مذهبی یا عمومی چنان زیاد بود که سطح روی آن‌ها را با گره‌سازی، منبت‌کاری، تذهیب، نقاشی، میناکاری یا کتیبه‌نگاری مزین می‌کردند و آثار هنری بسیار ارزشمند و زیبایی در این زمینه برجای‌مانده است. بعضی از کسانی که می‌خواستند اثر خیری از خود بر جای گذارند، یک در می‌ساختند و به مسجد یا سایر بناهای مذهبی و عمومی وقف می‌کردند و روی آن متنی می‌نوشتند که معمولاً در آن به نام بانی اشاره می‌شد. بر روی درِ برخی از بناهای مذهبی اشعار یا بخش‌هایی از متون مذهبی را می‌نوشتند. نوشتن کتیبه بر روی درِ ورودی بناهای مذهبی یا مهم، سنتی قدیمی است.

درِ ورودی بسیاری از خانه‌ها یا حتی برخی از بناهای عمومی یا بسیاری از بناهای مذهبی کوچک و متوسط و گاه بزرگ را باوجود فضای ورودی طراحی‌شده و مزین، تزیین نمی‌کردند. توصیف یکی از سفرای خارجی که در دوره قاجار (۱۳۰۲-۱۳۰۰ ه.ق) در ایران بود، جالب‌توجه است:

«مدخل خانه‌ها را اغلب به این وضع مزین می‌کنند؛ و در جلوخانه، نیم‌دایره‌ای از دیوار، تو برده، جلوخانی می‌سازند و طاقچه‌های قشنگ قرار می‌دهند و طاقی می‌زنند. در بالای آن، بالاخانه مزین از پرده‌ها و شیشه‌های الوان دیده می‌شود. خیلی غریب است که خودِ در را، خیلی پست و مربع و ساده می‌سازند و هیچ تزیینی برای آن قرار نمی‌دهند؛ جز چکشی از آهن یا برنج.» (همان، ۹۱-۹۰).

۳-۲- کوبه و حلقه:

کوبه‌هایی بر روی درها نصب می‌کردند که در ساده‌ترین شکل، کارکرد آن اطلاع‌رسانی بود. روی درِ ورودی خانه‌ها دو در کوب فلزی نصب می‌کردند. هر کوبه روی یک لته در قرار می‌گرفت. یکی از آن‌ها را «چکش» می‌نامیدند و صدای بَم تولید می‌کرد و دیگری را که معمولاً «حلقه» می‌نامیدند، صدای زیر ایجاد می‌کرد. چکش در مواردی مورداستفاده قرار می‌گرفت که مراجعه‌کننده «مرد» بود و در هنگامی‌که مراجعه‌کننده «زن» بود، از حلقه استفاده می‌کرد (تصویر شماره ۱۳). به‌این‌ترتیب ساکنان خانه از جنسیت مراجعه‌کننده مطلع می‌شدند و خود را آماده می‌کردند.

«کوبه» درِ ورودی بعضی از بناهای بزرگ و مهم، ازجمله خانه‌های بزرگ و اعیان‌نشین را با طرح‌های بسیار زیبا، متنوع و پرکار چنان می‌آراستند که بعضی از آن‌ها را می‌توان از آثار هنری این مرزوبوم به شمار آورد (تصویر شماره ۱۴).

در برخی از دوره‌ها و نیز در بعضی از شهرها، چکش را بر روی لنگه راست و حلقه را بر روی لنگه چپ درِ ورودی نصب می‌کردند و در مواردی نیز برعکس آن عمل می‌شد. در برخی از موارد، منحصراً از واژه کوبه برای نامیدن چکش استفاده می‌کرده‌اند (همان، ۹۲).

۳-۳- آستانه:

بخشی از چهارچوب در که در پایین چهارچوب قرار دارد، «آستانه» نامیده می‌شود. آستانه برخی از درها را اندکی بلند می‌ساختند تا تمایز بین دو فضا به بهترین شکل صورت پذیرد و افراد در هنگام انتقال از فضایی به فضای دیگر با تأنّی رفتار نمایند. در برخی از دوره‌ها آستانه معدودی از بناها از چنان اهمیتی برخوردار می‌شد که افراد در هنگام ورود سعی می‌کردند پای خود را روی آن نگذارند (همان، ۹۳).

۳-۴- گل‌میخ:

نوعی میخ آهنی با سر بزرگ و نیمکره‌ای شکل با شیارهای متحدالمرکزاست که علاوه بر اتصال قطعات چوبی، در زیبایی و ایجاد

تصویر شماره ۱۳ : نمونه‌ای از حلقه برای استفاده خانم‌ها. مأخذ: شفق توکّلی.

تصویر شماره ۱۴ : دو کوبه یا چکش بر در ورودی مدرسه پسرانه ابراهیم‌خان ظهیرالدوله.

ترکیب‌بندی متناسب در روی درها نیز نقش مهمی ایفا می‌کرد (ره نگاشت عمران، بانک اطلاعات درهای قدیم و جدید تهران، ۳).

۳-۵- پاشنه:

«پاشنه چوبی» که با تراشیدن بخشی از قسمت انتهایی و فوقانی لنگه در روی قطعه چوبی می‌چرخد و «پاشنه فلزی» که به گوشه پایینی و بالایی سمت کناری لته درها متصل می‌شود (همان‌جا).

۳-۶- لولا:

که از دو قسمت «حلقه و قلاب» تشکیل‌شده است. حلقه که به آن «زره» هم می‌گویند روی بخش ثابت یا چهارچوب و قلاب روی بخش متحرک یا لنگه در نصب می‌شود (همان‌جا).

۳-۷- چفت‌وبست:

«چفت» به زنجیر درِ خانه گفته می‌شود و «بست» حلقه‌ای است که

تصویر شماره ۱۵ : نمونه‌هایی از چفت‌وبست. مأخذ: معصومه قاسمی.

تصویر شماره ۱۶ : نمونه‌ایی از چفت‌وبست. مأخذ: معصومه قاسمی.

تصویر شماره ۱۷ : نمونه‌هایی از قفل و کلون. مأخذ: محمدصادق ابراهیمی.

مادگی چفت بر آن قرار می‌گیرد و اگر بخواهند در را قفل کنند، قفل را از حلقه آن عبور می‌دهند (همان‌جا).

۳-۸- پولک:

«پولک یا پلاک»، صفحه آهنی معمولاً مدوری است با سوراخی در وسط که معمولاً زیر کوبه‌ها، گل‌میخ دماغه و گل‌میخ‌های روی لنگه در و چفت‌وبست پیشانی به کار می‌رود (ره نگاشت عمران، بانک اطلاعات درهای قدیم و جدید تهران، ۴).

۳-۹- پشت‌بند:

«پشت‌بند یا پد پیل» نوعی کلون آهنی است که برای قفل‌کردن در از داخل بر روی لنگه در نصب می‌شود. باز و بسته کردن آن راحت‌تر از کلون است و معمولاً برای روز استفاده می‌گردیده است (همان‌جا).

در دوره پهلوی دستگیره، قفل، فضای نگه‌دارنده پاکت پستی (صندوق پست) و زنگ نیز به عناصر درِ ورودی اضافه گشت.

۴- گونه شناسی انواع ورودی‌های ابنیه کرمان:

گونه شناسی ورودی‌های ابنیه کرمان بر اساس حکومت‌هایی که در این یک سده در ایران و کرمان وجود داشته‌اند، به‌صورت زیر طبقه‌بندی‌شده است:

- دوره قاجاریه

۱- سنتی

- دوره پهلوی اول

۱- سنتی (در ادامه شیوه دوره قاجاریه)

۲- اقتدارگرا

۳- باستان گرا

۴- نوگرای اولیه

۵- التقاطی (ترکیبی)

- دوره پهلوی دوم

۱- اقتدارگرا

۲- باستان گرا (در ادامه شیوه دوره پهلوی اول)

۳- نوگرای متعالی

۴- فرا نوگرای اولیه

- دوره جمهوری اسلامی

۱- نوگرای متأخر

۲- فرا نوگرای متعالی

۳- فن مدار

۴- التقاطی (ترکیبی)

1-Classic & Traditional

2-Authoritarianist

3-Archaic

4-Early Modern

5-Eclectic

6-High Modern

7-Early Post Modern

8-Late Modern

9-High Post Modern

10-High Tech

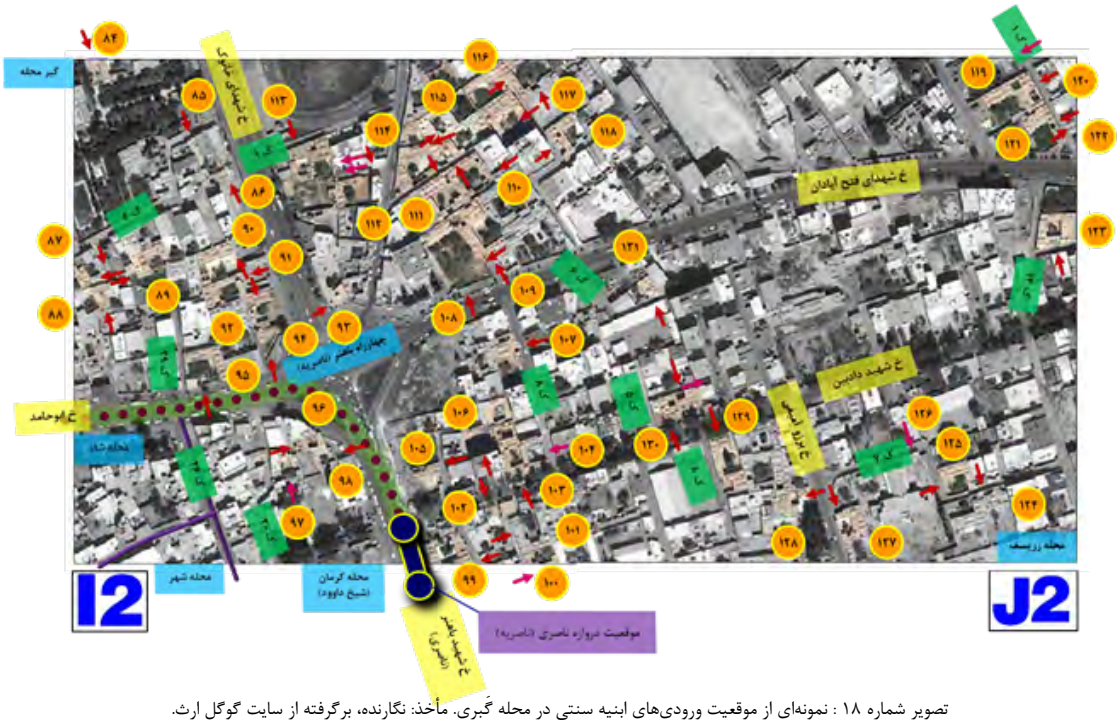

تصویر شماره ۱۸ : نمونه‌ای از موقعیت ورودی‌های ابنیه سنتی در محله گَبری. مأخذ: نگارنده، برگرفته از سایت گوگل ارث.

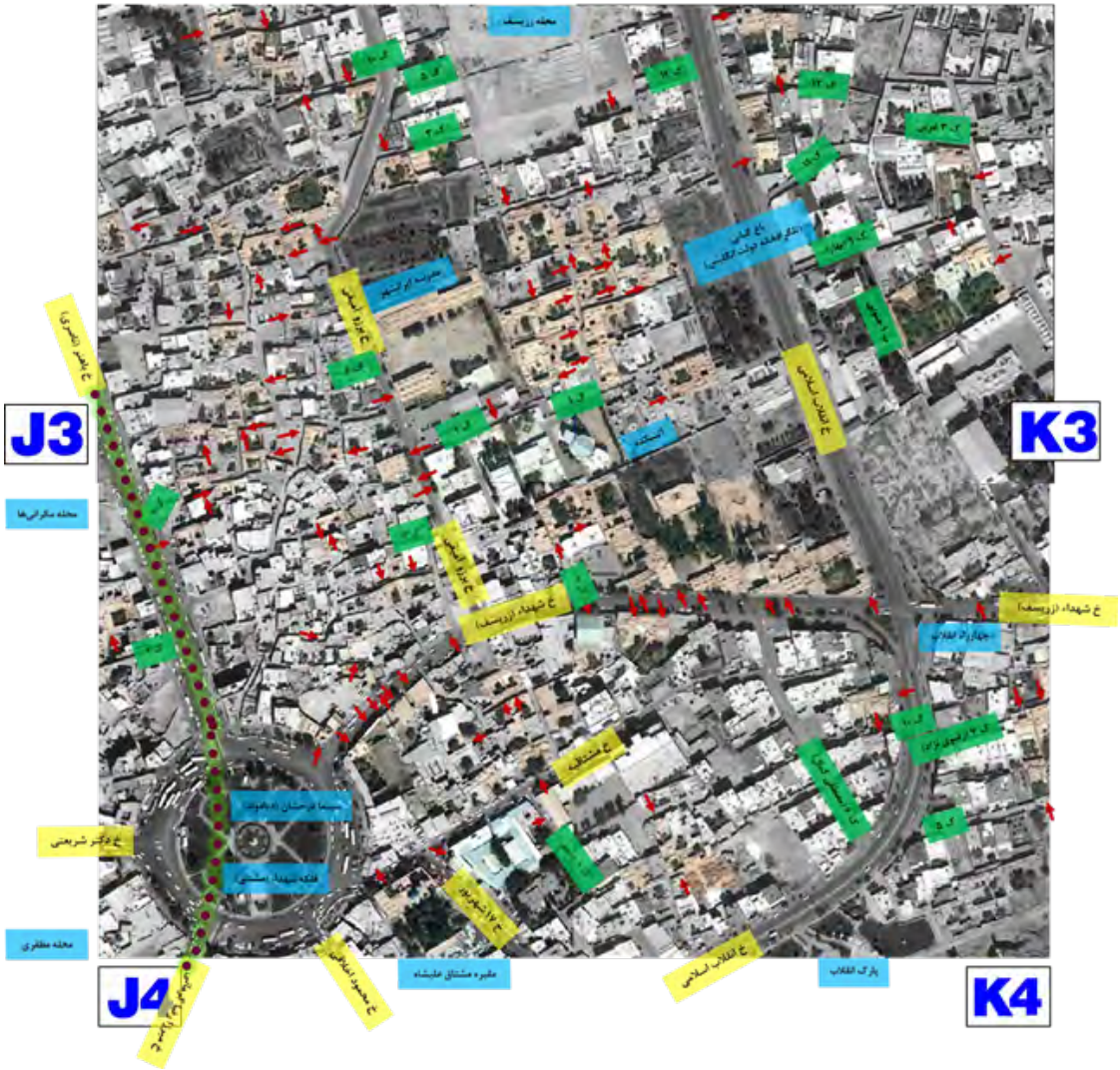

تصویر شماره ۱۹ : نمونه‌ای از موقعیت ورودی‌های ابنیه سنتی در محدوده محله زریسف (آتشکده). مأخذ: نگارنده، برگرفته از سایت گوگل ارث.

دوره	نوع گونه ورودی	متعلق به بنای عمومی/ خصوصی (سکونتی)	پهن و گستردگی ورودی/ معمولی رایج	مقیاس انسانی/ فرا انسانی ورودی	ورودی پیاده (انسان)/ سواره (خودرو)	ورودی متقارن/ نامتقارن	جنس در و روزن	نوع و جنس مصالح نما	رنگ مصالح نما
قاجاریه	سنتی	عمومی- خصوصی	پهن- معمولی	انسانی	پیاده	متقارن- نامتقارن	چوبی	کاه‌گل، خشت، گچ، کاشی	نخودی، سفید، آبی
پهلوی اول	سنتی	خصوصی	معمولی	انسانی	پیاده	متقارن- نامتقارن	چوبی	کاه‌گل، آجر، گچ، کاشی	نخودی، سفید، آبی
	اقتدارگرا	عمومی- خصوصی	پهن- معمولی	فرا انسانی	پیاده- سواره	متقارن	چوبی- فلزی	آجر، سنگ، سیمان، بتون	نخودی، طوسی، سفید
	باستان گرا	عمومی- خصوصی	معمولی	انسانی	پیاده- سواره	متقارن	چوبی- فلزی	آجر، سنگ	نخودی، طوسی
	نوگرای اولیه	عمومی- خصوصی	معمولی	انسانی	پیاده- سواره	متقارن	چوبی- فلزی	چوب، آجر، سنگ، گچ	نخودی، طوسی، سفید
	التقاطی (ترکیبی)	خصوصی	پهن- معمولی	انسانی- فرا انسانی	پیاده- سواره	متقارن- نامتقارن	چوبی- فلزی	آجر، سنگ، گچ، کاشی	نخودی، طوسی، سفید، فیروزه‌ای
پهلوی دوم	اقتدارگرا	عمومی	پهن- معمولی	فرا انسانی	پیاده- سواره	متقارن- نامتقارن	فلزی	آجر، سنگ، سیمان، بتون، فلز	نخودی، خاکستری، سفید
	باستان گرا	عمومی- خصوصی	معمولی	انسانی	پیاده- سواره	متقارن	چوبی- فلزی	آجر، سنگ، سیمان، فلز	نخودی، خاکستری، سفید
	نوگرای متعالی	عمومی- خصوصی	پهن- معمولی	انسانی- فرا انسانی	پیاده- سواره	متقارن- نامتقارن	روزن چوبی- درِ فلزی	موزاییک سیمانی بافت‌دار، بتون، سنگ، فلز، آجر، شیشه	زرد- صورتی- سبز، خاکستری، سفید، نخودی
	فرا نوگرای اولیه	عمومی- خصوصی	پهن- معمولی	انسانی- فرا انسانی	پیاده- سواره	متقارن- نامتقارن	چوبی- فلزی	آجر بهمنی، سنگ، فلز	ترکیب راه‌راه نخودی و قرمز، طوسی- سفید
جمهوری اسلامی	نوگرای متأخر	عمومی- خصوصی	پهن- معمولی	انسانی- فرا انسانی	پیاده- سواره	متقارن- نامتقارن	چوبی- فلزی- آلومینیومی	آجر سه سانت و پلاک، کنیتکس و رولکس، سنگ مرمر، سیمان	زرد، سفید، ابلق، خاکستری
	فرا نوگرای متعالی	عمومی- خصوصی	پهن- معمولی	انسانی- فرا انسانی	پیاده- سواره	متقارن- نامتقارن	چوبی- فلزی	آجرنسوز، آجر فشاری، سنگ تراورتن	قرمز، نخودی، سفید- گردویی- کرم
	فن مدار	عمومی- خصوصی	پهن- معمولی	انسانی- فرا انسانی	پیاده- سواره	متقارن- نامتقارن	چوبی- فلزی- یو.پی.وی. سی	آجرنسوز، آجر فشاری، سنگ تراورتن	قرمز، نخودی، سفید- گردویی- کرم
	التقاطی (ترکیبی)	عمومی- خصوصی	پهن- معمولی	انسانی	پیاده- سواره	متقارن- نامتقارن	چوبی- فلزی- یو پی‌وی‌سی	آجرنسوز، آجر فشاری، سنگ گرانیت، سنگ تراورتن، شیشه رفلکس، آلومینیوم و ...	قرمز، نخودی- زرد، مشکی، سفید-گردویی- کرم، آبی- سبز، خاکستری

تصویر شماره ۲۰ :گونه شناسی انواع ورودی‌های ابنیه کرمان.

منابع

- ابراهیمی، محمدصادق، ۱۳۹۹، آرشیو عکس‌های شخصی از کرمان قدیم.
- توکلی، شفق، ۱۳۹۸، آرشیو عکس‌های شخصی از کرمان قدیم
- ره نگاشت عمران، مهندسین مشاور، ۱۳۸۱، بانک اطلاعات درهای قدیم و جدید تهران
- سلطان‌زاده، حسین، ۱۳۹۰، فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران، تهران، چاپ سوم: دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- سلیمانی روزبهانی، پیمان، ۱۳۹۸، آرشیو عکس‌های شخصی از کرمان قدیم
- قاسمی، معصومه، ۱۳۹۸، آرشیو عکس‌های شخصی از کرمان قدیم
- www.googleearth.com, 2013.

مساجد گرگانی

(بخش اول)

فاطمه خورشیدی
کارشناسی ارشد، معماری/ مدیر داخلی
دفتر بهسازی و احیاء بافت تاریخی گرگان

مقدمه:

سال‌هاست که متون معماری ایرانی و رسانه‌ها، تعاریفی مشابه از «مسجد» ارائه می‌دهند که عمدتاً حاصل شناسایی شیوه معماری در فلات مرکزی ایران است. بدین ترتیب مساجد بخش‌های دیگر این سرزمین مورد کم‌توجهی بوده و برخی عناصر آن تقریباً ناشناخته باقی‌مانده‌اند. این امر سبب می‌شود تا طراحان و سازندگان مساجد در بخش‌های مختلف ایران علیرغم وجود جغرافیا و خرده- فرهنگ‌های متنوع، به یک منبع رجوع کرده و به تبعیت از شیوه معماری واحد بسنده کنند. یکی از نتایج این امر حضور گنبدها و گلدسته‌های طلایی و نامأنوسی ست که طی چند سال اخیر، بدون توجه به معماری اصیل و به‌صرف عمومیت داشتن، بر بنای اماکن مذهبی همچون امامزاده‌ها، بقاع متبرکه و خصوصاً مساجد - به‌ویژه در نوار شمالی کشور- نصب‌شده است تا این ابنیه هرچه بیشتر شبیه به سیمای رسمی مساجد فلات مرکزی گردد.

در پهنه شمالی ایران، توجه‌ها عمدتاً معطوف به شناسایی خانه‌های مسکونی بوده است. شهر گرگان نیز از این قاعده مستثنا نبوده و اطلاعات شیوه معماری در بافت تاریخی آن عمدتاً در باب شناسایی خانه‌ها و تکایا است. لکن با بررسی‌های بیشتر می‌توان دریافت، شهر گرگان دارای تعداد قابل‌توجهی از مساجد اصیل در دل بافت تاریخی خود است.

برخلاف قرائت رسمی، مسجد گرگانی بنایی ساده، بی‌آلایش، بدون عناصر شاخص همچون گنبد و مناره، هم‌تراز با یک خانه و اکثر اوقات هم‌اندازه با اتاقی از یک خانه است. درواقع معماری مسجد در گرگان به‌گونه‌ای است که وجوه درونی و معنوی در آن بسیار شاخص‌تر از جنبه‌های مادی یا کالبدی هستند. به همین علت ضرورت دارد «مسجد گرگانی» به‌درستی قرائت و تبیین گردد تا از نابودی تدریجی این شیوه معماری، جلوگیری شود.

در این معنا برای قرائت این شیوه از معماری مسجد باید هم وجوه مادی و هم وجوه معنوی آن را مدنظر قرار داد. مسجد گرگانی از دو جنبه کالبدی و غیر کالبدی قابل قرائت است. در یادداشت پیشِ رو، به توضیح چیستی و قرائت کالبدی مسجد گرگانی خواهیم پرداخت و در گفتارهای آینده، قرائت غیر کالبدی مسجد گرگانی را مدنظر قرار خواهیم داد.

مسجد در بستر گرگان:

مسجد در باور جامعه اسلامی، مهم‌ترین و ارزشمندترین نوع معماری است. ازاین‌جهت در باب شناسایی مسجد سخنان بسیاری ذکرشده است. ازجمله سید محمد بهشتی در کتاب مسجد ایرانی به شرح و بسط معنای حقیقی مسجد از دل عناصر و اجزاء ساختمانی و کالبدی همچون منار و جلوخان، صحن و ایوان و گنبد و گنبدخانه پرداخته است. (بهشتی، ۱۳۸۹: ۶۵) اما در مسجد گرگانی اغلب عناصر ذکرشده، آن‌طور که در الگوی عام بیان‌شده است، مهیا نیستند یا اصلاً وجود ندارند. درعین‌حال به گفته‌ی قدما هر پدیده‌ای در این عالم حائز دو بُعد ظاهری و باطنی است؛ بنابراین مسجد گرگانی نیز، هم دارای وجه کالبدی و ظاهری و هم بعد باطنی و روحانی در نهاد خود است؛ که با قرائت صحیح متن آن، قابل‌شناسایی خواهد شد.

بر این اساس بهتر است ابتدا برای فهم هرچه بیشتر چراییِ این تفاوت آشکار بین بنیان‌های فکری‌ای که از یک مسجد ایرانی در ذهن ما وجود دارد و واقعیتی که در شهر گرگان پدیدار گشته است؛ به شناخت بستر و ویژگی‌های فرهنگی برخاسته از آن بپردازیم.

آشنایی با بستر:

دشت گرگان از ابتدای گرایش بشر به کشاورزی و آغاز پدیده یکجانشینی، زیستگاه مردمان گوناگون بوده است. تحقیقات باستان- شناسان در برخی از این زیستگاه‌ها که به شمایل تپه‌های مصنوعی نه‌چندان بلند و متعددی به حالت پراکنده ایجادشده بودند (تورنگ تپه)، نشان می‌دهد سابقه‌ی زندگی در دشت گرگان به بیش از پنج هزار سال می‌رسد (رشتچیان، ۱۳۹۷: ۱۳).

«سرزمین‌های شمال رشته‌کوه البرز، از دیرباز پناهگاه کسانی بود که از ستم و آزار روزافزون کارگزاران سنی مذهب در خلافت اموی و عباسی می‌گریختند. بااین‌همه در زمان صفویان همانند با دیگر شهرهای منطقه، شمار سادات در میان شهروندان استارباد افزایش چشمگیر یافت.» در این زمان این سرزمین را دارالمؤمنین می‌نامیدند (همان، ۲۴).

کالبد بافت تاریخی شهر:

بافت تاریخی هر شهر، میراث ارزشمند و گران‌بهایی است که از گذشتگان، در این دوره از تاریخ به ودیعه سپرده‌شده است. بافت تاریخی گرگان ـ بانام تاریخی استرآباد ـ به‌عنوان دیرینه‌ترین بافت تاریخی ثبت‌شده در کشور، با مساحتی بالغبر ۱۵۰ هکتار وسیع‌ترین بافت تاریخی شمال ایران است که در ۲۴ شهریور سال ۱۳۱۰ خورشیدی به شماره ۴۱ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید و محدوده‌ی آن منطبق بر محدوده‌ی قاجاری شهر استرآباد است.

بافت قدیم گرگان مانند بسیاری از شهرهای تاریخی، پیکرهای درهم‌تنیده از معابر و گذرها و میدان‌های شهری است و محلات شهر

تصویر شماره ۱ : مسجد علائی در محله دوشنبه ای (از محلات فرعی محله میدان).

تصویر شماره ۲ : تصویر هوایی بافت تاریخی گرگان؛ مأخذ : دفتر بهسازی و احیاء بافت تاریخی گرگان.

همچون اعضای این پیکر، به‌هم‌پیوسته‌اند. هر محله عناصر شهری را تقریباً به‌طور کامل، در پیرامون مرکز محله‌ی خود، جهت تأمین خدمات و مایحتاج روزانه ساکنین محلات داشته است که در فاصله‌ای مناسب جهت دسترسی پیاده به آن‌ها در طول زمان و عمدتاً به‌صورت ارگانیک و همسو با نیازهای اهالی شکل‌گرفته است. کالبد شهر بر اساس رفت‌وآمد پیاده شکل‌گرفته بود و کاربری‌های خدماتی هر محله با حداکثر ۱۵ دقیقه پیاده‌روی در دسترس بود.

راه‌ها و گذرگاه‌ها:

بخش بزرگی از اندام‌های شکل‌دهنده‌ی ساختار شهر را، راه‌ها و گذرگاه‌های اصلی تشکیل می‌دهد که همچون استخوان‌بندی کالبد شهر، اندام‌های ساختار و مکان‌های همگانی شهر را به هم می‌پیوندد. در این میان شریانهای اتصال‌دهنده مراکز محلات، معابر دسترسی به واحدهای همسایگی در راسته‌های اصلی و کوچه‌های بُنبستِ منتهی به واحدهای مسکونی نیز نظام دسترسیهای داخلی را در بافت تعریف می‌کردند. بدین‌سان هم‌نشینی اندام‌های شهری به شکل‌گیری ساختاری می‌انجامد که در آن، گذرگاهْ دیگر تنها محلی برای عبور و رفتن به جایی دیگر نیست، بلکه موجد اتصال هسته‌ها و کانون‌های شهری است (رشتچیان، ۱۳۹۷: ۱۰۷).

نظام محله‌بندی:

بافت شهر گرگان نیز مانند بسیاری از شهرهای ایران مبتنی بر نظام محله‌ای بوده است. هسته مرکزی این شهر از محله مرکزی شهر و اتصال آن توسط راسته بازار به مراکز مذهبی (مسجد) مانند دیگر شهرهای اسلامی شکل‌گرفته و بعدها با توسعه محله‌های دیگر و شریانهای اتصالدهنده اصلی

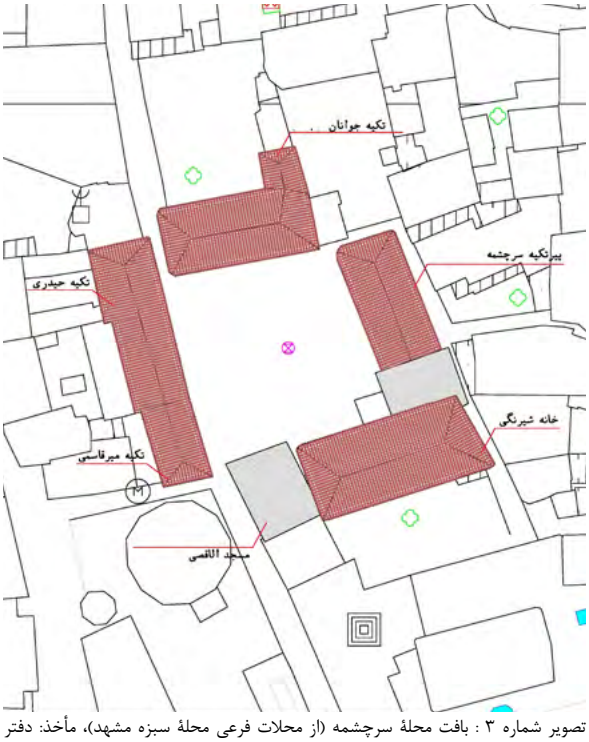

تصویر شماره ۳ : بافت محلهٔ سرچشمه (از محلات فرعی محلهٔ سبزه مشهد)، مأخذ: دفتر بهسازی و احیاء بافت تاریخی گرگان.

و فرعی گسترش‌یافته است. بر مبنای آگاهی‌های به‌دست‌آمده از متون مرتبط با تاریخ گرگان، این شهر از گذشته دارای سه محله اصلی بوده است؛ محله میدان، محله نَعلْبندان و محله سَبزه مشهد.

مسجد گرگانی:

تحقیقات میدانی و گفت‌وگو با فعالان حوزه تاریخ شفاهی بیانگر این مهم است که چهل‌وچهار پلاک با کاربری مذهبیِ مسجد در بافت تاریخی گرگان قرار داشته و به‌غیراز چند مورد، اکثر این مساجد همچنان پابرجا باقی‌مانده‌اند. بر این اساس، ابتدا تمامی این مساجد شناسایی و بازدید میدانی شده‌اند که موقعیت قرارگیری آن‌ها در شهر گرگان در تصویر شماره (۸) قابل‌مشاهده است. سپس بر مبنای اطلاعات اولیه از این ابنیه، جدول شماره (۱) به‌دست‌آمده است. این جدول حاوی داده‌هایی درباره‌ی موقعیت و کیفیت بنا در ساختار شهری، روند تغییرات و نکات شاخصِ مسجد گرگانی است. قدمت برخی مساجد همچون مسجد جامع (دوره سلجوقی)، ملااسماعیل (دوره زندیه)، دارالشفاء (دوره صفوی) و ملاحسن (دوره صفوی) به‌پیش از دوران قاجار برمی‌گردد. لکن اغلب مساجد در اواخر دوره قاجار و در طول دوران پهلوی اول و دوم بناشده‌اند.

با توجه به اطلاعات آمده در جدول شماره (۱)، ذکر چند نکته ضروری است؛

اول- مساجد در گرگان اغلب غیررسمی هستند و بیشتر آن‌ها محلی محسوب می‌شوند که در بخش حوزه نفوذ و موقعیت شهری به این معنا پرداخته می‌شود.

تصویر شماره ۴ : موقعیت درْمسجد (مسجد الأقصی) و خانه شیرنگی در جبهه جنوبی محلهٔ سرچشمه.

تصویر شماره ۶ : موقعیت تکیه جوانان در جبهه شمالی محله‌ی سرچشمه.

تصویر شماره ۵ : موقعیت پیرْتکیه در جبهه شرقی محلهٔ سرچشمه.

تصویر شماره ۷ : موقعیت تکیه حیدری و میرقاسمی در جبهه غربی محله‌ی سرچشمه.

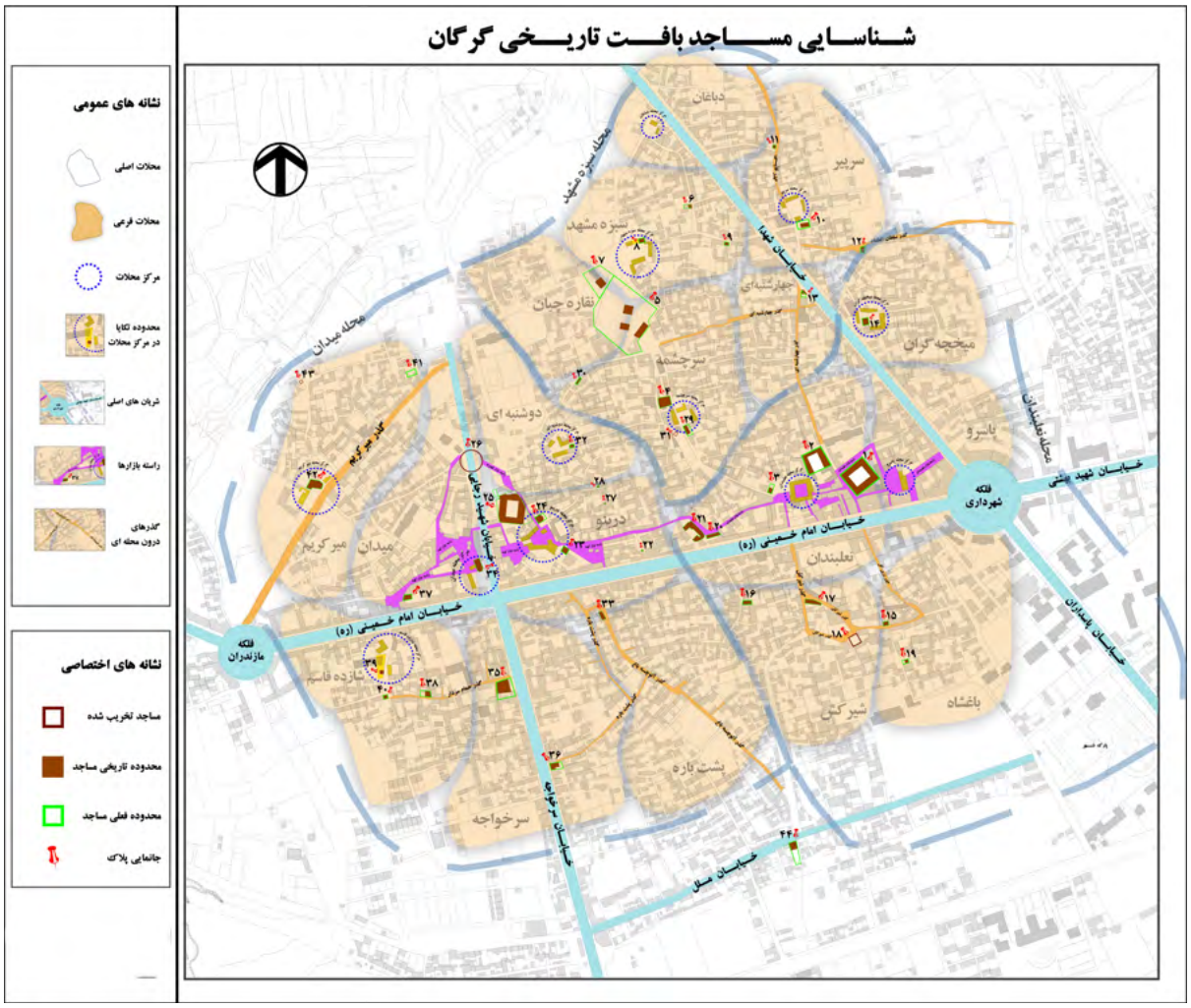

تصویر شماره ۸ : نقشه شناسایی مساجد بافت تاریخی گرگان.

ردیف	نام مسجد	حوزه نفوذ[1]					موقعیت شهری[2]	بانی، معمار، متولی	فضاهای کالبدی (وضع موجود)	نکات شاخص بنای اصیل (ویژگی‌های مسجد گرگانی)
		شهر	محله	زیر محله						
				مرکز محله	سرِکوچه محله	سرِکوچه مرکز محله				
۱	مسجد جامع[3]						محله نعلبندان	بانی: [احتمالاً] محمد بن خالد حنظلی رازی یا [احتمالاً] گوهرشاد خانم (همسر شاهرخ تیموری)	بدون گنبد و مناره- یک طبقه- دو ورودی- حیاط دار- حوض میانه‌ی حیاط- مأذنه- شبستان‌ها محیط بر حیاط مرکزی- دو گوشواره در طرفین هر ورودی (مجموعاً چهار گوشواره) با کاربری مقبره- کتابخانه	فاقد گنبد – ایوانی
۲	مسجد- مدرسه- بیمارستان دارالشفاء						محله نعلبندان	بانی: حاج مظفر پَتَک چی فردی ثروتمند که در دورانی، از افراد حکومتی نیز بوده است. وی در قرن دهم و در دوران تیموری و صفوی زندگی می‌کرد.	-	-

جدول شماره ۱ : راهنمای تصویر شماره ۸ و شناسایی خصوصیات کالبدی و تاریخی مساجد گرگانی.

۱- جزییات این عنوان در بخش قرائت کالبدی مسجد گرگانی، به‌تفصیل بیان خواهد شد.

۲- ذکر نام محلات در این بخش، برگرفته از الگوی پهنه‌بندی محلات شهر از رشتچیان در کتاب شهرشناسی استارباد است. لذا بر این اساس، ممکن است الگوی دیگری نیز وجود داشته باشد و موقعیت شهری مساجد در آن به‌گونه‌ای متفاوت شکل بگیرد، لکن نگارنده پهنه‌بندی مذکور را بر مبنای تحقیقات میدانی بر محلات و روش تحقیق پدیدارشناسی هرمنوتیک انتخاب نموده و اساس کار این پژوهش قرار داده است.

۳- قدمت «مسجد جامع گرگان» به دوران سلجوقی بازمی‌گردد و این بنا، تنها مسجدی است که ساختاری مشابه مساجد فلات مرکزی دارد. لذا دارای ۴ ایوان، منار، تزیینات و ... است. لکن در این مقاله ویژگی‌های مختص مساجد اصیل گرگانی مدنظر است و مسجد جامع نیز در این یادداشت، از این حیث بررسی خواهد شد.

ردیف	نام مسجد	حوزه نفوذ					موقعیت شهری	بانی، معمار، متولی	فضاهای کالبدی (وضع موجود)	نکات شاخصِ بنای اصیل (ویژگی‌های مسجد گرگانی)
		شهر	محله	زیر محله						
				مرکز محله	سرِکوچه محله	سرِکوچه مرکز محله				
۳	مسجد حاج علی تبریزی		✓				محله نعلبندان	بانی: حاج علی تبریزی	دوطبقه - دونبش- یک ورودی- نمازخانه آقایان و روشویی و پلکان روی کرسی چینی- نمازخانه بانوان در طبقه اول	فاقد گنبد و مناره- فاقد کاشی‌کاری و تزیینات- ایوانی
۴	مسجد ملاعلی				✓		سرچشمه	بانی: ملاعلی	دوطبقه- سه‌نبش- دو ورودی- حیاط دار- سرویس بهداشتی و آبخوری در حیاط- آشپزخانه، انبار، نمازخانه آقایان و بانوان در همکف- نمازخانه بانوان در طبقه اول	فاقد گنبد و مناره- فاقد تزیینات و کاشی‌کاری- جهت قبله به سمت حیاط و جانب درب ورودی به نمازخانه - ایوانی
۵	مصلی						بین محلات سرچشمه، نقاره‌چیان و سبزه مشهد	-	-	فاقد گنبد و مناره
۶	مسجد دباغان				✓		محله سبزه مشهد		دوطبقه-	فاقد گنبد و مناره- فاقد کاشی‌کاری و تزیینات- ایوانی- مساحت بسیار کم
۷	مسجد امام حسن عسگری (ع)				✓		بین محلات نقاره‌چیان و سبزه مشهد	-	یک طبقه- حیاط دار	فاقد گنبد و مناره- ایوانی
۸	مسجد قاجارها						محله سبزه مشهد	بانی: امام قلی خان قاجار (امام قلی خان قوانلو)	دوطبقه- دونبش- سکوی نشیمن- نمازخانه روی کرسی چینی	فاقد گنبد و مناره- ایوانی- سکوی نشیمن مانند تکایای مرکز محله
۹	مسجد سجادیه				✓		محله سبزه مشهد	متولی: محب حسینی	یک طبقه- دونبش- سکو- نمازخانه آقایان، سرویس بهداشتی و آشپزخانه روی کرسی چینی	فاقد گنبد و مناره- فاقد کاشی‌کاری- ایوانی- مساحت کم
۱۰	مسجد سرپیر				✓		محله سرپیر	بانی: سید احمد نسیم استرآبادی (سید احمد نصیر استرآبادی)	یک طبقه- روی کرسی چینی- سکو-	فاقد گنبد و مناره- ایوانی
۱۱	مسجد قاپّی				✓		محله سرپیر	بانی: امام قلی خان قاجار (امام قلی خان قوانلو)	یک طبقه- دونبش- سکو- نمازخانه روی کرسی چینی	فاقد گنبد و مناره- فاقد کاشی‌کاری و تزیینات- ایوانی- مساحت بسیار کم- سکوی نشیمن
۱۲	مسجد سلطان العلماء				✓		بین محله سرپیر و میخچه گران	بانی: محمدرضا دولّو قاجار متولی: آقایان کاوه و بُرقِعی	دوطبقه- سه‌نبش- دو ورودی- سکو- نمازخانه آقایان، آشپزخانه و انبار در همکف- نمازخانه بانوان طبقه اول	فاقد گنبد و مناره- فاقد کاشی‌کاری و تزیینات- سکوی نشیمن
۱۳	مسجد ملا حسن				✓		محله چهارشنبه‌ای	بانی: ملا ابوالحسن خطیب	یک طبقه- دونبش-	فاقد گنبد و مناره
۱۴	مسجد میخچه گران						محله میخچه گران	-	دوطبقه- میانی (چهار بَر)-	فاقد گنبد و مناره- فاقد کاشی‌کاری و تزیینات- ایوانی
۱۵	مسجد باغ شاه				✓		محله باغ شاه	بانی: خانواده نوروزخانی	یک طبقه- دونبش- روی کرسی چینی- نمازخانه	فاقد گنبد و مناره- ایوانی- مساحت بسیار کم
۱۶	مسجد نعل بیگی (نعلبکی)						محله شیرکش	متولی: خانواده کدخدایی	-	فاقد گنبد و مناره- ایوانی
۱۷	مسجد ابوذر						محله شیرکش	بانی: ساورشاه بنگشی	یک طبقه- دونبش- دارای مأذنه- حیاط دار- نمازخانه، محل زندگی خادم و سرویس بهداشتی در طبقه اول	فاقد گنبد و مناره- فاقد کاشی‌کاری و تزیینات- ایوانی
۱۸	مسجد-خانه اخوان				✓		محله شیرکش	بانی: خانواده اخوان	-	-
۱۹	مسجد کَرَمی‌ها						محله باغ شاه	-	دوطبقه- دونبش- نمازخانه و سرویس بهداشتی در طبقه همکف	فاقد گنبد و مناره- ایوانی- استفاده از چوب در پوشش نما
۲۰	مسجد سفید (امام موسی کاظم)						محله نعلبندان	-	یک طبقه- نمازخانه و سرویس بهداشتی در طبقه اول	فاقد گنبد و مناره- فاقد کاشی‌کاری و تزیینات- ایوانی
۲۱	مسجد- مدرسه محمدتقی خان هزارجریبی (امام صادق)						محله نعلبندان	-	-	-

جدول شماره ۱ : راهنمای تصویر شماره ۸ و شناسایی خصوصیات کالبدی و تاریخی مساجد گرگانی.

ردیف	نام مسجد	حوزه نفوذ					موقعیت شهری	بانی، معمار، متولی	فضاهای کالبدی (وضع موجود)	نکات شاخصِ بنای اصیل (ویژگی‌های مسجد گرگانی)
		شهر	محله	زیر محله						
				مرکز محله	سرِکوچه محله	سرِکوچه مرکز محله				
۲۲	مسجد کلانتری (بازار)				✓		محله درب نو	بانی: خانواده کلانتری	دوطبقه- دونبش- نمازخانه آقایان در طبقه همکف- نمازخانه بانوان در طبقه اول	فاقد گنبد و مناره- فاقد کاشی‌کاری و تزیینات
۲۳	مسجد رئیسی						محله درب نو	متولی: خانواده رئیسی و خانواده آقا محمدا	یک طبقه- دونبش- دو ورودی- - انبار و سرویس بهداشتی در حیاط پشتی- سکو- نمازخانه و آشپزخانه روی کرسی چینی	فاقد گنبد و مناره- فاقد کاشی‌کاری و تزیینات- ایوانی- مساحت بسیار کم- سکوی نشیمن مانند تکایای مرکز محله
۲۴	مسجد ملااسماعیل				✓		محله درب نو	بانی: ملااسماعیل سپهر استرآبادی	یک طبقه- دونبش- حیاط دار- سرویس بهداشتی و انبار در حیاط- سکو- نمازخانه روی کرسی چینی	فاقد گنبد و مناره- فاقد کاشی‌کاری- ایوانی-سکوی نشیمن مانند تکایای مرکز محله
۲۵	مسجد گلشن						محله درب نو	بانی: سید کاظم نورمفیدی	* بخش مذهبی: یک طبقه- دوکله- حیاط دار- چهار ورودی- کتابخانه، انبار، محراب، شبستان آقایان و بانوان، دفتر بسیج و فضاهای خدماتی محیط بر حیاط * اقامت گاه خادم: یک طبقه، یک ورودی، جانب شمالی دالان درب ورودی از راسته بازار مسجد * بخش اداری: سه‌طبقه، یک ورودی، جانبِ شمالِ درب ورودی از راسته بازار مسجد * سرویس بهداشتی: دوطبقه، جانبِ جنوبِ درب ورودی از راسته بازار مسجد * باشگاه ورزشی: دوطبقه، یک ورودی از جانبِ شمالِ درب ورودی گذر دربنو به دوشنبه‌ای	فاقد گنبد و مناره- فاقد کاشی‌کاری و تزیینات- ایوانی
۲۶	مسجد کتیبه						محله میدان	مولانا کاتبی ترشیزی	-	-
۲۷	مسجد نعلبکی				✓		محله دربنو	بانی و متولی: خانواده مناجاتی	یک طبقه- دونبش- نمازخانه روی کرسی چینی	فاقد گنبد و مناره- فاقد کاشی‌کاری و تزیینات- مساحت بسیار کم
۲۸	مسجد قائم (استکان)				✓		محله دربنو	متولی: ملا اسماعیل سپهر استرآبادی	یک طبقه- دونبش- نمازخانه روی کرسی چینی	فاقد گنبد و مناره- فاقد کاشی‌کاری و تزیینات- ایوانی- مساحت بسیار کم
۲۹	مسجد الأقصی (در مسجد/ مکتب علی)					✓	محله سرچشمه	-	دوطبقه- دونبش- سکو- نمازخانه آقایان و آبدارخانه روی کرسی چینی- نمازخانه بانوان و آبدارخانه در طبقه اول	فاقد گنبد و مناره- فاقد کاشی‌کاری و تزیینات- ایوانی- سکوی نشیمن مانند تکایای مرکز محله
۳۰	مسجد امام حسن				✓		محله سرچشمه	-	یک طبقه- دونبش- سکو- نمازخانه بر روی کرسی چینی	فاقد گنبد و مناره- فاقد کاشی‌کاری و تزیینات- ایوانی
۳۱	مسجد امامزاده نور						محله سرچشمه		یک طبقه- دونبش- نمازخانه	-
۳۲	مسجد علائی					✓	محله دوشنبه‌ای	بانی: شیخ علی علائی	یک طبقه- دونبش- نمازخانه روی کرسی چینی	فاقد گنبد و مناره- فاقد کاشی‌کاری و تزیینات- مساحت بسیار کم- ایوانی- سکوی نشیمن مانند تکایای مرکز محله
۳۳	مسجد نوروزخانی				✓		بین محله دربنو و پشت باره	بانی: خانواده نوروزخانی	دوطبقه- سه‌نبش- روی کرسی چینی- نمازخانه آقایان در طبقه اول- نمازخانه بانوان در طبقه دوم	فاقد گنبد و مناره- فاقد کاشی‌کاری و تزیینات
۳۴	مسجد حاج‌آقا کوچک						محله میدان	سازنده: میرمجیدی	دوطبقه- میانی (چهار بَر)- چهار ورودی- نمازخانه آقایان و وضوخانه در همکف- نمازخانه بانوان در طبقه اول	فاقد گنبد و مناره- فاقد کاشی‌کاری و تزیینات- ایوانی

جدول شماره ۱ : راهنمای تصویر شماره ۸ و شناسایی خصوصیات کالبدی و تاریخی مساجد گرگانی.

ردیف	نام مسجد	حوزه نفوذ					موقعیت شهری	بانی، معمار، متولی	فضاهای کالبدی (وضع موجود)	نکات شاخصِ بنای اصیل (ویژگی‌های مسجد گرگانی)
		شهر	محله	زیر محله						
				مرکز محله	سرِکوچه محله	سرکوچه مرکز محله				
۳۵	مسجد علوی						محله سرخواجه	متولی: ابوالقاسم مفیدی	دوطبقه- دونبش- سه ورودی- حیاط دار- سرویس بهداشتی آقایان و بانوان، آشپزخانه، نمازخانه آقایان و اتاق صوتی و تصویری در همکف، نمازخانه بانوان در طبقه اول، دفتر پایگاه بسیج و محل زندگی خادم در طبقه دوم	فاقد گنبد و مناره- فاقد کاشی‌کاری و تزیینات- ایوانی
۳۶	مسجد خمسه طیبه						محله سرخواجه	متولی: علی نژاد	دوطبقه- سه‌نبش- دو ورودی- حیاط دار- سرویس بهداشتی آقایان در زیرزمین- دفتر هیئت امناء، سرایداری، سرویس بهداشتی بانوان، آبخوری، آشپزخانه و نمازخانه آقایان و بانوان در همکف- نمازخانه بانوان در طبقه اول	فاقد گنبد و مناره- فاقد کاشی‌کاری و تزیینات- جهت قبله به سمت حیاط و جانب درب ورودی به نمازخانه- ایوانی-
۳۷	مسجد استاد کریم						محله میدان		یک طبقه- روی کرسی چینی- دو ورودی-	فاقد گنبد و مناره- فاقد کاشی‌کاری تزیینات- ایوانی
۳۸	مسجد گذر سردار				✓		محله شازده قاسم	-	یک طبقه- روی کرسی چینی-	فاقد گنبد و مناره- فاقد کاشی‌کاری و تزیینات- ایوانی
۳۹	مسجد شازده قاسم						محله شازده قاسم	-	-	فاقد گنبد و مناره- فاقد کاشی‌کاری و تزیینات
۴۰	مسجد محمدباقر خانی (شازده قاسم)				✓		محله شازده قاسم	بانی: محمدباقر خان کیاء	دوطبقه- دونبش- نمازخانه آقایان در طبقه اول- نمازخانه بانوان در طبقه دوم	فاقد گنبد و مناره- فاقد کاشی‌کاری و تزیینات- ایوانی
۴۱	مسجد حاج علی				✓		محله میرکریم	بانی: حاج علی میرکریم	یک طبقه- سه‌نبش- حیاط دار- روی کرسی چینی- سکو- نمازخانه	فاقد گنبد و مناره- فاقد کاشی‌کاری و تزیینات- ایوانی- سکوی نشیمن مانند تکایای مرکز محله
۴۲	مسجد یوسفیه (میرکریم)						محله میرکریم	-	دوطبقه- دونبش- حیاط دار- روی کرسی چینی- سکو- نمازخانه	فاقد گنبد و مناره- فاقد کاشی‌کاری- ایوانی
۴۳	مسجد قراضه						محله میرکریم	-	-	-
۴۴	مسجد ملل						خیابان ملل	-	تصویر (۱۳) : مسجد علائی؛ مأخذ: نگارنده تصویر (۱۶) : مسجد ملااسماعیل ؛ مأخذ: نگارنده تصویر (۱۴) : مسجد نوروزخانی؛ مأخذ: نگارنده تصویر (۱۵) : مسجد رئیسی؛ مأخذ: نگارنده دوطبقه- دونبش- حیاط دار- نمازخانه آقایان در طبقه اول- نمازخانه بانوان در طبقه دوم	فاقد گنبد - فاقد کاشی‌کاری و تزیینات- ایوانی

جدول شماره ۱ : راهنمای تصویر شماره ۸ و شناسایی خصوصیات کالبدی و تاریخی مساجد گرگانی.

تصویر شماره ۹ : مسجد سلطان العلماء.

تصویر شماره ۱۰ : مسجد رئیسی.

تصویر شماره ۱۱ : مسجد ملااسماعیل.

تصویر شماره ۱۲ : مسجد گذر سردار.

تصویر شماره ۱۳ : مسجد نعلبکی.

تصویر شماره ۱۴ : مسجد قائم (استکان).

دوم- «مساجدِ سرِکوچه[1]» به مساجدی غیررسمی و مردمی اطلاق می‌شود که بخشی (عموماً یک اتاق) از محل سکونت یک خانواده بوده و صاحب ملک از طریق وقف، آن بخش را به مسجد تبدیل می‌کرده است. شاخصه اصلی این‌گونه از مساجد پیوستگی با یک ملک مسکونی، کوچک و ساده بودن آن است[2]. قریب به نیمی از مساجد بافت تاریخی گرگان از گونه مساجد سرِکوچه هستند. این شکل از مساجد در تمام محلات بافت تاریخی گرگان قرار دارند و در هر مرکزمحله، گذر اصلی و بعضاً در کوچه و پس‌کوچه‌های محلات نیز یک مسجد سرکوچه به چشم می‌خورد.

سوم- مصالح به‌کاررفته در همگی این مساجد شامل چوب، خشت، آجر و گچ و سقف شیب‌دار سفال پوش است. این مصالح غالباً بومی و سازگار با محیط هستند.

۱- مسجد سرِ کوچه نوعی از مساجد گرگانی است که براثر تبدیل بخشی از یک خانه (اغلب فقط یک اتاق) به مسجد، پدید آمده است. ازآنجاکه افرادی غیر از ساکنین خانه نیز به این مکان مراجعه می‌کردند باید از سمت معبر دسترسی می‌داشت و اصطلاحاً محل قرارگیری آن سرِ کوچه بود.

۲- در گفتارهای آتی به‌تفصیل به شرح گونه مساجد سرِکوچه در بافت تاریخی گرگان خواهیم پرداخت.

قرائت کالبدی مسجد گرگانی:

حوزه نفوذ و موقعیت شهری:

الف- مساجد شهری: این گروه از مساجد که تعدادشان در شهر بسیار کم است بناهایی با مساحت زیاد و دارای مخاطب از کل شهر هستند. برای مثال می‌توان به «مسجد جامع» اشاره کرد که مسجد مرکزی شهر و دارای قدمت دوران سلجوقی است. مساجد شهری عموماً با نظر و مدیریت دولتی اداره می‌شوند، از این حیث مردم - حتی آنان که همسایگان این بنا محسوب می‌شوند- صرفاً نقش نمازگزار را دارند.

مساجد شهری گاه در راسته بازارها و گاه در نقطه‌ای دیگر از محله بناشده‌اند. برای مثال «مسجد جامع» در راسته بازار نعلبندان و «مسجد گلشن» در نزدیکی مرکز محله دربنو قرار دارد. این گروه از مساجد در لایه‌های زیرین خود دارای اصالت معماری بومی هستند لکن در اثر مدیریت رسمی، به‌قاعده کلی و کشوری بازسازی یا بهسازی می‌شوند که دخل و تصرفاتی مانند کاشی‌کاری بیرونی و درونی و افزودن تزیینات نامتجانس محصول اقدامات دهه‌های اخیر است. از ویژگی‌های دیگر این مساجد مجموعه‌ای بودن است، به این معنا که مساجد شهری تنها شبستان یا نمازخانه‌ای جهت انجام اعمال عبادی نیستند بلکه دارای کاربری‌های دیگری همچون فضاهای خدماتی، فرهنگی، اداری و آموزشی نیز هستند.

ب- مساجد محله‌ای: این گروه تعداد بیشتری نسبت به مساجد شهری دارند و در این معنا هر محله در شهر دارای حداقل یک مسجد است. این مساجد بنا بر موقعیت قرارگیری دارای مخاطبینی از همان محله هستند و بالطّبع مساحت کمتری نیز دارند. مساجد محله‌ای اغلب توسط بانیان آن، خانواده‌های آن‌ها، بزرگان محله یا هیئت امناء -که عموماً از معتمدان همان محله هستند- اداره می‌شود. از این حیث، مدیریت این ابنیه مردمی و غیررسمی است و در این راستا اصالت بنا بیشتر حفظ‌شده و دستخوش تغییرات کمتری می‌شود.

ج- مساجد گذر (زیرْ محله‌ای): این مساجد دارای حوزه نفوذی به‌قدر بخشی از یک محله فرعی هستند.

- گاه بنا، «مسجدِ مرکزمحله» است، یعنی مسجدی که در محدوده اصلی مرکز محله و بین تکیه‌ها احداث می‌شود. حوزه نفوذ «مسجد مرکزمحله»، به‌قدر استفاده ساکنین همان نقطه و احیاناً چند کوچه در اطراف آن است. برای مثال می‌توان به «مسجد قاجارها» در محله‌ی سبزه مشهد اشاره کرد. مدیریت مردمی باعث شده تا این بنا جزو معدود مساجدی باشد که شکل ایوانی منحصربه‌فرد آن که دارای «طاق و کُلمبو» هست حفظ شود.

۲- گاه این مسجدِ مرکزمحله، مسجد سرِکوچه است، یعنی موقوفه از منزل شخصی است و در این حالت ازآنجاکه منازل مسکونی قدری از محدوده اصلیِ مرکزمحله فاصله دارند؛ بنابراین این مسجد، «سرِکوچه‌ی مرکزمحله» نامیده می‌شود که حوزه نفوذ آن‌قدری کمتر و به‌اندازه چند کوچه است؛ مانند «مسجد ملا اسماعیل» در حاشیه‌ی مرکزمحله‌ی دربنو و «مسجد رئیسی» در بخش اصلی مرکزمحله‌ی دربنو. این مساجد هر دو در یک مرکز محله واقع‌شده‌اند اما مسجد ملااسماعیل قدری از مرکز فاصله دارد و مورد استفاده‌ی همسایگان و گذرهای اطراف است.

۳- اگر در مرکزمحله ای یک مسجد وجود داشته باشد، چه در محدوده اصلی و چه در حاشیه، حوزه‌ی نفوذ بیشتری خواهد داشت؛ مانند «مسجد سرکوچه‌ی علائی» در مرکزمحله‌ی دوشنبه‌ای.

۴- در مواردی نیز مسجدِ سرِکوچه در گذری اصلی، کوچه فرعی یا حتی انتهای کوچه‌ای باریک و بن‌بست قرار دارد. این مساجد، در دسته‌ی «مسجد سرِکوچه‌ی محله» قرار دارند. مخاطبین این اماکن مذهبی بسیار محدود و مساحت ابنیه نیز به همین ترتیب اندک است. برای مثال «مسجد قاپّی» در گذر قاپی محله‌ی سَرپیر، «مسجد محمدباقرخانی» در کوچه‌ای نزدیک گذر سردار واقع در محله‌ی شازده- قاسم و «مسجد نَعلبِکی» در کوچه‌ای بن‌بست به فاصله‌ای کوتاه از مرکزمحله دربنو، همگی مساجد سر کوچه‌ای هستند که دارای مساحتی اندک به‌قدر یک یا دو اتاق و استفاده‌کنندگانی اندک از همسایگان هستند.

به میزانی که حوزه نفوذ مساجد کاهش می‌یابد از میزان تزیینات و توجه به‌ظاهر بنا نیز کاسته می‌شود. از این حیث اغلب مساجد گرگان به‌واسطه‌ی قرارگیری در رده‌ی مساجد محله‌ای و گذر، دارای ظاهری ساده و بی‌آلایش و همچنین مساحتی اندک و صرفاً به‌قدر نیاز هستند.

جمع‌بندی:

اجزاء و عناصر اصلی معماری:

الف- جهت قبله: اغلب مساجد گرگانی همانند دیگر بناهای بافت تاریخی گرگان، دارای نوعی جهت‌گیری شمال شرقی - جنوب غربی هستند که همسو با جهت قبله نیز هست؛ اما این نوع جهت‌گیری در بسیاری از مساجد که تحت تأثیر مسیر حرکت معبر قرار داشته‌اند تغییر کرده است؛ و در تعدادی از مساجد مشاهده‌شده که جهت قبله در ساخت بنا رعایت نشده است. جهت قبله، عنصری تأثیرگذار در ساختار مسجد گرگانی نیست.

ب- ایوان: مساجد گرگانی دارای نوعی از ایوان هستند که کاملاً در مقیاس انسانی شکل‌گرفته و در راستای خط آسمانِ کل بنا است. بااین‌حال این ایوان شامل تمام فضای عبادیِ یک مسجد نیز است. این ایوان، مَفصل بنای مسجد با جداره‌ی نیمه‌باز است که بخش‌های بسته آن با آجر پوشیده می‌شده است. این نوع از ایوان را نبایست با ایوان در معماری فلات مرکزی اشتباه گرفت. در بخش هندسه و تقسیمات فضایی جزییات این عنصر تشریح خواهد شد.

پ- منار (مناره): تنها مسجد گرگانی دارای منار اصیل، «مسجد جامع» است. این بنا، جزو مساجد شهری است و قدیمی‌ترین مسجد گرگان

تصویر شماره ۱۵: ایوان مسجد ملا اسماعیل.

تصویر شماره ۱۶ : منار مسجد جامع.

تصویر شماره ۱۷ : گلدسته های الحاقی و نامأنوس مسجد حاج آقا کوچک.

تصویر شماره ۱۸ : سکوی مسجد قاجارها در مجاورت فضای عمومی.

تصویر شماره ۱۹ : کرسی مسجد میرکریم.

تصویر شماره ۲۰ : مسجد امام حسن بدون فضای خدماتی.

و خطه شمال کشور نیز به‌حساب می‌آید؛ بنابراین با توجه به اینکه منار فقط در این مسجد دیده‌شده و در هیچ مسجد شهریِ دیگری هم وجود ندارد، لذا منار یکی از عناصر ثابت معماری مسجد گرگانی نیست.

ت- گلدسته: این عنصر، با منار متفاوت است. منار عنصری منفرد است و در فلات مرکزی ایران عموماً در کنار ورودی قرار می‌گیرد. لکن گلدسته خصوصاً در منطقه شمال ایران جفتی و اکثراً در کنار ایوان قبله یا روی آن جای دارد.

چند مورد وجود گلدسته در مساجد گرگانی، مانند «مسجد گلشن» مشاهده‌شده است. مناره‌های الحاقی این مساجد از مشتقات ساخته‌های کارگاه‌های «گنبد و گلدسته سازی» و ازلحاظ شکلی کاملاً شبیه به آن‌هاست. علت وجود این کارگاه‌ها، فقدان عنصر گنبد، مناره یا گلدسته در اغلب مساجد شمال کشور است و مردم منطقه به دلیل تصور شناسایی هر مسجد با گنبد و گلدسته آن -هرچند به شکل نمادین- اقدام به ایجاد کارگاه‌هایی برای ساخت گنبد و گلدسته‌های آماده و قابلیت نصب بر روی هر نوع مسجدی را کرده‌اند. از این حیث گلدسته‌های مستقر بر محراب مسجد گلشن، بر اساس همین تفکر نادرست بنا گردیده و فاقد اصالت است؛ بنابراین گلدسته عنصری اصیل در معماری بومی مساجد گرگانی نیست.

ث- سَکو: اکثر مساجد گرگانی و تقریباً تمام بناهای اصیل در گرگان دارای «سَکو» هستند. این عنصر در مساجدی که فاقد حیاط هستند در مرتبه‌ی دسترسی عمومی قرار دارد، مانند «مسجد رئیسی» در مرکزمحله‌ی دربنو.

ج- فضای عمومی: برخی از مساجد گرگانی مانند «مسجد رئیسی» و «دَرْ مسجد» و بسیاری دیگر از مساجد فاقد حیاط هستند. بخشی از معبر عمومی که در پیرامون بنا قرار دارد به‌منزله‌ی بخشی از مسجد و به‌عنوان حیاط استفاده می‌گردد. برای مثال هنوز در مقابل سَکوی مسجد رئیسی و در فضای معبر عمومی آتش پخت نذری محرم و صفر برپا می‌شود؛ بنابراین حیاط جزو عناصر اصلی مسجد گرگانی نیست.

چ- رعایت مباحث اقلیمی: به سبب کم‌توجهی گرگانی‌ها به چون‌وچراها و قواعد ساخت بنا، آسان گرفتن احداث مسجد و میل زیاد به میسر شدن برپایی مکانی برای اقامه نماز، به عوامل اقلیمی مانند نور کاملاً مناسب، تهویه و غیره به‌عنوان اولویت اول، توجه چندانی ندارند. از سوی دیگر بسیاری از مساجد گرگانی بخشی از یک خانه مسکونی بوده‌اند که صاحب‌خانه ناگزیر بود اتاقی را انتخاب نماید که ورود و خروج مستقل از معبر عمومی مهیا باشد، به همین منظور لاجرم از برخی ویژگی‌های اقلیمی صرف‌نظر می‌شد. اگرچه استفاده از مصالح بوم آورد و تبعیت از سنت معماری بومی، ساخت مسجد را دارای ویژگی‌های اقلیمی نیز می‌کند.

ح- کرسی چینی: مساجد گرگانی به دلیل شرایط اقلیمی و بسترِ مرطوب، همگی دارای کرسی چینی هستند حتی اگر این کرسی به‌قدر ارتفاع یک پله باشد. همین ویژگی اقلیمی متقابلاً با ایجاد زیرزمین در مساجد متناقض است؛ اما در حال حاضر تعداد اندکی از مساجد زیرزمین را در خلال تغییرات، به‌عنوان فضای پشتیبان، به مسجد اضافه کرده‌اند.

خ- سقف شیب‌دار: از دیگر ویژگی‌های این منطقه پرباران بودن آن است که باعث می‌شده تمامی بناها با سقف شیب‌دار پوشانده شوند. گرچه امروزه روش‌های کنترل رطوبت، سازندگان معاصر را به سمت استفاده از پوشش بام مسطح و بهره‌برداری از مساحت بام سوق داده است؛ لکن تاکنون استفاده از سقف‌های شیب‌دار رواج دارد.

د- گنبد (گنبدخانه): اساس شکل‌گیری گنبد در معماری ایران منطبق بر راهکاری جهت پوشش سقف با دهانه‌های بزرگ است. از این حیث، به سبب آنکه مسجد گرگانی عموماً فضایی چندان بزرگ ندارد و نیز به دلیل وجود چوب بسیار در این اقلیم، نیازی به پوشش سقف با گنبد نبوده و گنبدخانه‌ای نیز در زیر آن تشکیل نمی‌شده است؛ بنابراین گنبد عنصری اصیل در معماری مساجد گرگانی نیست.

ذ- مصالح بوم آورد: استفاده از مصالح بومی به‌خصوص چوب و آجر در گرگان بسیار مرسوم بوده است. آجر در جداره‌ها و نماسازی و حتی برخی اوقات در تزیینات و نازک‌کاری به‌کاررفته و چوب در بخش‌های سازه‌ای نظیر ستون‌ها و تیرهای سقف کاربرد داشته است. عناصر عمودی عموماً از چوب درخت «سرخدار» و عناصر افقی از چوب ازدار، راش، بلوط و ... بودند.

ر- کاربری‌های خدماتی: مساجد گرگانی اغلب به‌واسطه جدا شدن از یک خانه و محدود بودن مساحت، یا به دلیل روحیه تساهل و تسامح گرگانی‌ها، فضایی پیش‌بینی‌شده با کاربری خدماتی نداشته‌اند؛ یعنی مساجد آن‌قدر بزرگ نبودند که بخشی از آن‌ها به کاربری‌هایی همچون سرویس بهداشتی، آشپزخانه و انبار اختصاص داده شود و درعین‌حال گرگانی‌ها به سبب نزدیکی اغلب مساجد به منازل خود نیازی به الحاق کاربری خدماتی به فضای اصلی نمازخانه را احساس نمی‌کردند و اندک نیاز خود مانند وضوگیری و یا احیاناً آماده‌سازی غذایی مختصر را در منزل انجام می‌دادند. در سال‌های اخیر در برخی مساجد فضاهای خدماتی اندکی اضافه‌شده است.

هندسه و تقسیمات فضایی:

الف- دستگاه ورودی: دستگاه ورودی مسجد گرگانی برخلاف مساجد فلات مرکزی، بسیار مختصر است. برای مثال ایوان که یکی از عناصر تشکیل‌دهنده ورودی بنا به شمار می‌رود؛ در مساجد گرگانی شامل جداره‌ای نیمه‌باز بوده و بخش‌هایی از آن با جرزهای آجری پوشانده می‌شده است. بخش‌های باز آن را نیز در برخی اوقات با عناصر موقت همچون پرده می‌پوشاندند. بعدها جهت حفظ محرمیت، بخش‌های باز به‌وسیله بازشوهای ثابت چوبی بسته شد. ویژگی دیگر این ایوان‌ها، وجود یک ردیف ستون در طول ایوان و به فاصله کمتر از یک‌قدم از جداره است. این فاصله عموماً نقش «کفش کن» را داشت.

در حقیقت مقیاس و سلسله‌مراتب دستگاه ورودی در مساجد گرگانی بسیار ساده و انسان‌واراست. این امر از رهرو تفوق طبیعت بر شیوه معماری انسان گرگانی می‌گذرد چراکه آدمی برای گذر از بُعد مادی و خاکی خود و ورود به عالم معنوی نیاز به مقدمه‌های متعدد و آماده‌سازی روح خویش دارد؛ و اتفاقاً در این منطقه انسان چنان غرق در زیبایی و نعمت است که فی‌نفسه گویی در بهشت برین و عالم معنا زیست می‌کند و تنها به‌سادگی و خلوصی برای بالفعل کردن توانایی‌های معنوی روح خود نیاز دارد.

ب- ستون و طاق: دهانه‌های بسیار کم، مساحت کم و عموماً تک غرفه‌ای بودن بنا و همچنین وفور چوب در منطقه و استفاده از این مصالح به‌عنوان تیر چوبی، مساجد را بی‌نیاز از اجرای ستون و طاق‌های میانی کرده است.

تزیینات و عناصر وابسته:

الف- تفوق و غلبه طبیعت بر انسان: مردم گرگان همواره در قلب طبیعت و نعمت‌های فراوان آن زیسته‌اند. در چشم‌انداز شهر تا چشم کار می‌کند جنگل و کوهستان و دریا و رودخانه و دشت دیده می‌شود. برای مثال تمام شهر خاکی‌رنگ نیست که گنبد و منار فیروزه فام آن از سواد شهر نیز به نظر آید و بدرخشد، اتفاقاً انبوه درختان چنار شهر، رنگ سبز پخته و یکدستی را در نظر می‌آورد. یا شهر، آبادی دورافتاده‌ای در میانه بیابانی خشک و وسیع نیست که ساکنان شهر در طلب دیدن زیور و زینت فراوان باشند. چراکه گرگان پر از سرسبزی و نشاط است و در هر

گذری که قدم گذاری، انبوه درختان نارنج و چنار توجه را جلب می‌کند. از این حیث به‌اصطلاح عامیانه چشم مردمان از دیدن این حجم از زینت و زیور خدادادی و طبیعی سیر است. به همین دلیل مردم هیچ‌گاه به دنبال تزییناتی مانند کاشی‌کاری، گچبری، مقرنس و ... به‌مانند مردمان فلات مرکزی، نیستند.

ب- استفاده از مصالح و مواد بومی: ساخت مساجد گرگانی صرفاً با مصالح بومی همانند آجر و چوب بوده و این مصالح تا جایی که از حوزه کاربردی خارج نشود، دارای تزیینات بسیار اندک است.

پ- پرهیز از جلوه گری: مسجد در میان مردم گرگان بهانه‌ای برای نمایش قدرت و ثروت یا خودنمایی نیست. تزیینات بنای مساجد صرفاً در راستای ساختار کالبدی است و عنصری خارج از حوزه کاربرد در بنا وجود ندارد. برای مثال پنجره‌ها با گره چینی تکمیل و جرزهای آجری بندکشی می‌شدند که نمای چشم‌نوازتری داشته باشد. فرع بودن ظواهر و تزیینات در اصل و اساس مساجد نیز رعایت می‌شده است.

ت- عدم استفاده از تزیینات غیربومی: ازآنجایی‌که تمام تزیینات مسجد در محدوده عناصر ساختاری پدید آمده است و در پی بوم آورد بودن مصالح تشکیل‌دهنده ساختار مساجد، تزیینات نیز کاملاً بومی و برگرفته از قابلیت مصالح است. البته در دهه‌های اخیر مداخلاتی صورت گرفته که مایل به تقلید از تزیینات رایج بوده است.

منابع

- اخوان مهدوی، محمود. ۱۳۹۶. مصاحبه تاریخ شفاهی.
- بهشتی، سید محمد. ۱۳۸۹. مسجد ایرانی؛ مکان معراج مؤمنین. تهران، انتشارات روزنه.
- رشتچیان، یعقوب. ۱۳۹۷. شهرشناسی استارباد؛ پژوهشی در فرایند دگرگونی‌های بافت شهری گرگان. تهران، شرکت بازآفرینی شهری ایران.
- ستوده، منوچهر. بی تا. از آستارا تا استارباد (۷ جلد). تهران، انجمن آثار ملی.
- سهمی، حمزه بن یوسف. ۱۳۶۶. تاریخ جرجان. بیروت، انتشارات عالم الکتب.
- کتولی، حسین. ۱۳۹۵. حفاظت معماری با اتکاء بر حفاظت از سنت زندگی، پایان‌نامه دکتری معماری، دانشگاه هنر اصفهان، دانشکده حفاظت و مرمت.
- نصر، سید حسین. ۱۳۵۷. ایران پل فیروزه، متن و گزیده‌های ادبی حسین نصر. با همکاری مظفر بختیار. تهران، وزارت اطلاعات و جهانگردی.
- نوایی، کامبیز. ۱۳۷۸. مجموعه مقالات همایش معماری مسجد: گذشته، حال، آینده. تهران، انتشارات دانشگاه هنر.

پایان بخش اول

معمـــــاری بـــومی روستای دینه‌رود

سمیـــــــه مـــــراقی
کارشناسی ارشد، مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشگاه هنر اصفهان.

چکیده:

دینه‌رود آبادی خوش‌منظری در دامنه‌ی جنوبی رشته‌کوه‌های البرز مرکزی است که در جوار یکی از قلعه‌های نگهبانی اسماعیلیه (خول خوبه چال) واقع‌شده است. به دلیل موقعیت قرارگیری در منطقه‌ی کوهستانی و محدودیت‌های توسعه تا سال‌های اخیر رشد چندانی را تجربه نکرده و حتی فاقد راه دسترسی سواره بود. این پژوهش به معرفی الگوی خانه‌های روستا می‌پردازد.

واژگان کلیدی: الموت، روستای دینه‌رود، معماری بومی.

مقدمه:

روستای دینه‌رود یکی از روستاهای استان قزوین، بخش رودبارالموت شرقی، دهستان الموت پایین است. این روستا در امتداد راه دسترسی تاریخی الموت- پیچ‌بُن- به استان مازندران است. روستای کوهستانی دینه‌رود در کنار قلعه‌ی خول خوبه چال - یکی از قلاع نگهبانی اسماعیلیه الموت- واقع‌شده است و جمعیت آن ۱۸ خانوار و ۳۷ تن است. الگوی ساخت خانه‌های روستا به‌تبع عوامل محیطی شباهت بسیاری به الگوی خانه‌های منطقه‌ی شمال کشور دارد. معماری بناهای مسکونی، شیوه‌ی ساخت زگالی و استفاده از چوب و کاه‌گل بر مبنای نیازها و هماهنگ با عوامل محیطی بوده است. اطلاعات گردآوری‌شده از روستا توسط مشاهده‌ی الگوی بناها و جزییات اجرایی آن‌ها حاصل‌شده است.

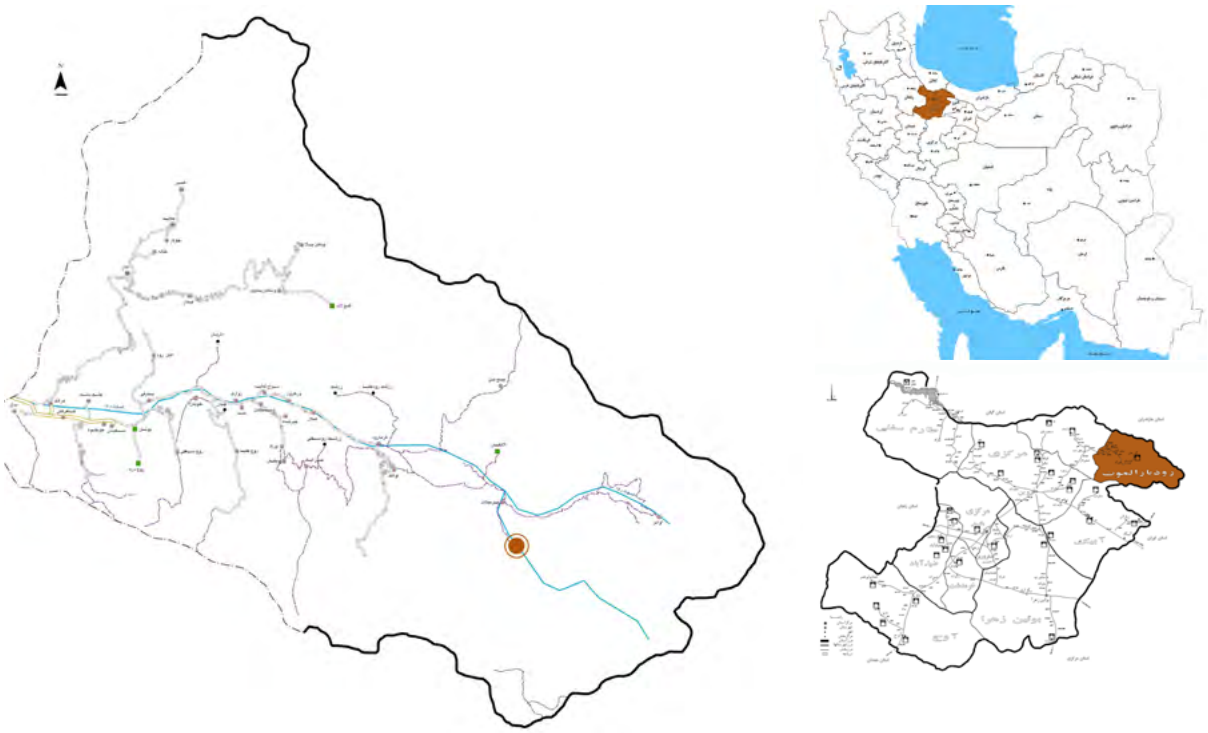

تصویر شماره ۱ : موقعیت روستای دینه‌رود در نقشه دهستان الموت پایین. مأخذ: سایت مرکز آمار ایران.

تصویر شماره ۲ : نحوه‌ی جایگیری بافت مسکونی و اراضی کشاورزی در روستا. مأخذ: گوگل ارث.

ویژگی‌های کالبدی- کارکردی روستا:

روستای دینه‌رود DINEH RUD در بخش رودبارالموت، شهرستان قزوین، استان قزوین واقع‌شده است. دره‌ای سرد و نیمه مرطوب، در ۳۷ کیلومتری جنوب خاوری شهر معلم‌کلایه، با ارتفاع ۲۲۵۰ متر از سطح دریا در ۳۶ درجه و ۲۱ دقیقه و ۵۸ ثانیه عرض شمالی و ۵۰ درجه و ۴۸ دقیقه و ۲۰ ثانیه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ.

این روستا در زونS ۳۹ از سیستم تصویر جهانی مرکاتور (UTM) واقع‌شده است که با مختصات ۴۸۰۵۲۰۶۱ متر از عرض شرقی و ۴۰۲۲۶۳۷۰۳۴ متر طول شمالی قرار دارد.

روستا از شمال به روستای نرمیلات از شرق به روستای اواتر محدود می‌شود.

ازنظر تیپولوژی روستای دینه‌رود دارای موقعیت کوهستانی و از نوع دامنه‌ای است.

شناخت هسته اولیه شکل‌گیری روستا و بررسی سیر تحول و توسعه کالبدی روستا در دوره‌های مختلف:

در رابطه با تاریخچه‌ی روستا هیچ‌گونه منبع مکتوبی یافت نگردیده است. با توجه به اظهارنظر ریش‌سفیدان روستا، حدود ۴۰۰ سال پیش چند طایفه از مازندران به این منطقه کوچ کردند و به‌واسطه‌ی رودخانه‌ی پرآبی که در جنب این روستا قرار دارد، در این منطقه ساکن شده‌اند.

بدون شک قلعه‌ی اسماعیلی (خول خوبه چال) در فاصله‌ی اندکی از موقعیت کنونی روستا در شکل‌گیری روستا بدون تأثیر نبوده است و احتمال آن می‌رود که ساکنان اولیه‌ی روستا تعدادی از ساکنان قلعه‌ی مذکور بوده باشند. به‌طورکلی می‌توان دو دوره‌ی شکل‌گیری برای این روستا متصور بود. در گام نخست و در پی یافتن علل شکل‌گیری روستا آنچه از بررسی‌ها و برداشت‌های میدانی به دست می‌آید و با نگاهی به ویژگی‌های بستر روستا این فرضیه قوت می‌گیرد که: سکونت اولیه‌ی این بخش در قلعه‌ی نزدیک روستا (در فاصله اندکی از باغ‌های جبهه جنوبی روستا) شکل‌گرفته است. در دوره‌های بعدی به دلیل ایجاد امنیت نسبی، رفته‌رفته ساکنان قلعه در زمین‌های هموار حاشیه رودخانه مستقرشده و شروع به خانه‌سازی کرده‌اند. این بافت به‌صورت منسجم و فشرده در حاشیه‌ی جنوبی روستا قابل‌تشخیص است. از دهه‌ی ۴۰ خورشیدی روند ساخت‌وساز در بطن هسته‌ی اولیه روستا کم‌رنگ شد و بناهای ساخته‌شده

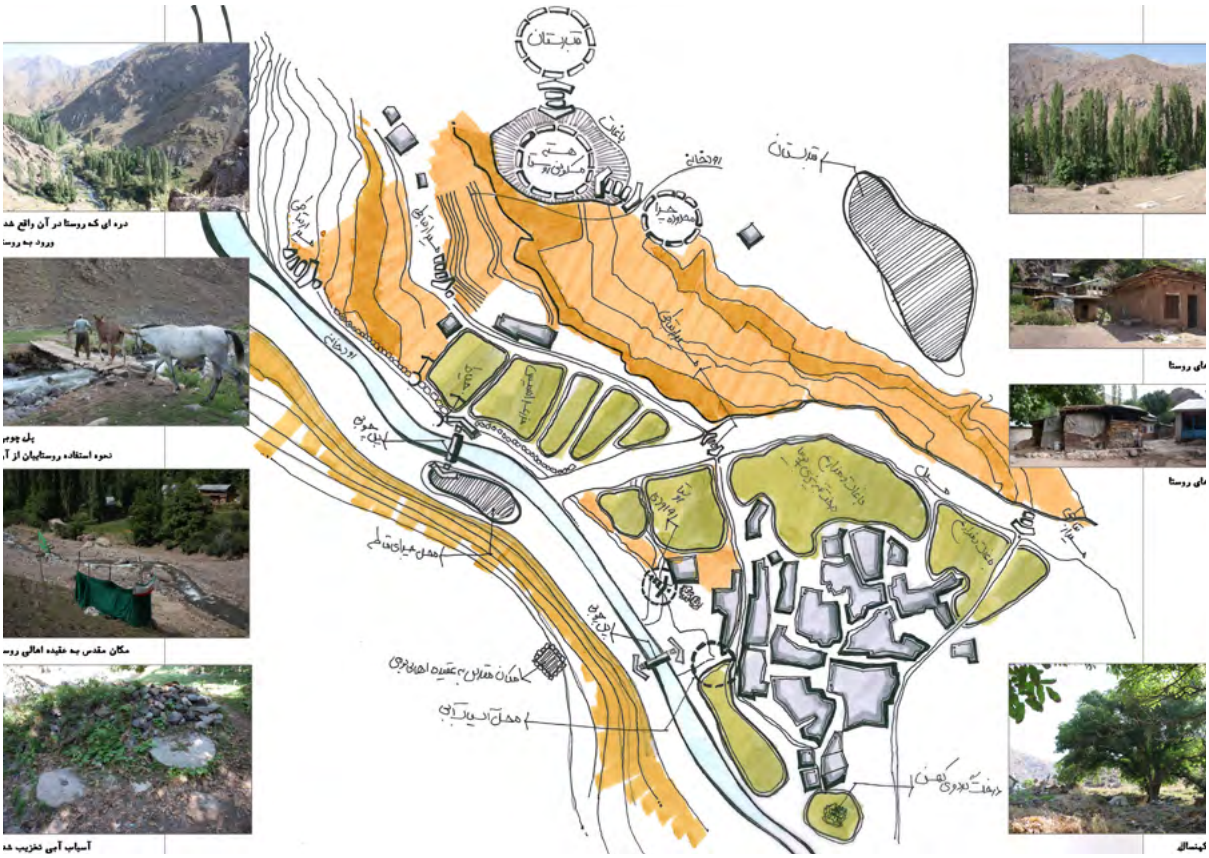

تصویر شماره ۳ : سازمان فضایی روستا.

در این دوره در حاشیه بافت اولیه و به‌صورت پراکنده دیده می‌شوند.

در حال حاضر نیز این روند ادامه داشته و با تخریب‌های صورت گرفته در بافت برخی از ساخت‌وسازها بر روی بقایای بافت تاریخی صورت می‌گیرد و تعدادی دیگر از بناها نیز در درون باغ‌ها و مزارع به‌صورت خانه- باغ ساخته می‌شوند.

مراحل گسترش روستا در دوران مختلف درونی بوده و تغییر محسوسی در مکان آن صورت نگرفته است و به دلیل محدودیت و موانع توسعه در اطراف آن (رودخانه، باغ و زمین‌های زراعی) گسترش چندانی نداشته است. لازم به ذکر است که ساخت‌وسازهای صورت گرفته در سال‌های اخیر بیشتر بافاصله از مرکز روستا و در دامنه و شیب کوه‌ها ساخته‌شده‌اند.

به‌طورکلی روند پیدایش و توسعه این روستا را می‌توان به شرح زیر عنوان کرد:

- سکونت در بالای پرتگاه (قلعه اسماعیلیه)
- مهاجرت و تعویض مکان سکونت به پائین‌دست کوه (حاشیه رودخانه)
- توسعه به سمت شمال و غرب (محدودیت‌های کوهستانی باوجود کوه‌های غیرقابل‌دسترس و بهمن‌گیر بودن منطقه و نیز در معرض خطر سیل قرار داشتن، بناهای نوساز در پای کوه‌ها ساخته‌شده‌اند).

الگوی ساخت، تراکم ساختمانی، سطح اشتغال، تعداد طبقه:

نوع کار تولیدی در روستا نیازمند فضاهای خاص برای انبار محصول و یا کار روی همان محصول است. مقیاس فضای خانه‌ها نیز، تحت تأثیر فعالیت‌های تولیدی است و ارتباط تنگاتنگی با نوع معیشت ساکنین دارد.

هم‌اکنون عمده فعالیت تمامی اهالی روستا کشاورزی است و فضاهای گوناگونی نیز در خانه‌ها مشاهده می‌شود که ویژه‌ی عمل‌آوری و نگهداری محصولات کشاورزی است (در دهه‌های گذشته اکثر اهالی دامدار نیز بوده‌اند).

فضاها و جزء فضاهای معماری روستا:

انواع فضاهای قابل‌تشخیص در معماری بناهای موجود در بافت را می‌توان به‌صورت زیر عنوان کرد:

۱. محل استراحت شبانه اهل خانه (تابستانی و زمستانی)؛
۲. محل استراحت روزانه اهل خانه (تابستانی و زمستانی)؛
۳. جایگاه مهمان؛
۴. محل قرار دادن لوازم منزل؛
۵. محل پخت‌وپز؛
۶. محل شستشوی ظرف و لباس؛
۷. محل ذخیره غذا؛
۸. محل پخت نان؛
۹. محل حمام؛
۱۰. مستراح و محل هیزم‌شکنی؛
۱۱. محل نگهداری میش‌ها، بره‌ها، بزها و... گاوهای ماده و گوساله‌ها و...؛
۱۲. محل انبار کردن علوفه (کاه، یونجه، شبدر و...)، خشک‌کردن و خرد کردن علوفه و...؛
۱۳. محل انبار کردن آرد مصرفی خانوار؛
۱۴. محل خشک‌کردن میوه‌جات و...؛
۱۵. محل انبار کردن سوخت‌های زمستانی (فضولات خشک‌شده حیوانی، هیزم و...)؛
۱۶. محل نگهداری مرغ و خروس؛
۱۷. محل خشک‌کردن رخت‌ها و...؛
۱۸. محل شیردوشی، کره‌گیری؛
۱۹. محل نگهداری ابزارها و وسایل کشاورزی، دامداری و باغبانی و...؛
۲۰. محل آب دادن به دام‌ها؛
۲۱. محل انبار کردن تولیدات زراعی و دامی مازاد بر مصرف خانوار برای عرضه‌ی به‌موقع آن؛
۲۲. تولیدات خاص مثل گرفتن شیره از میوه‌ها، پختن رب و...؛
۲۳. فضاهای چندمنظوره؛
۲۴. در خانه‌هایی که مشترک بین انسان و دام هستند، فضاهای ورودی متناسب با عبور دام طراحی‌شده‌اند و معمولاً عریض‌اند.

به‌طورکلی الگوهای ویژه‌ی زیر را می‌توان در بناهای روستا مشاهده کرد:

الگوی شماره ۱

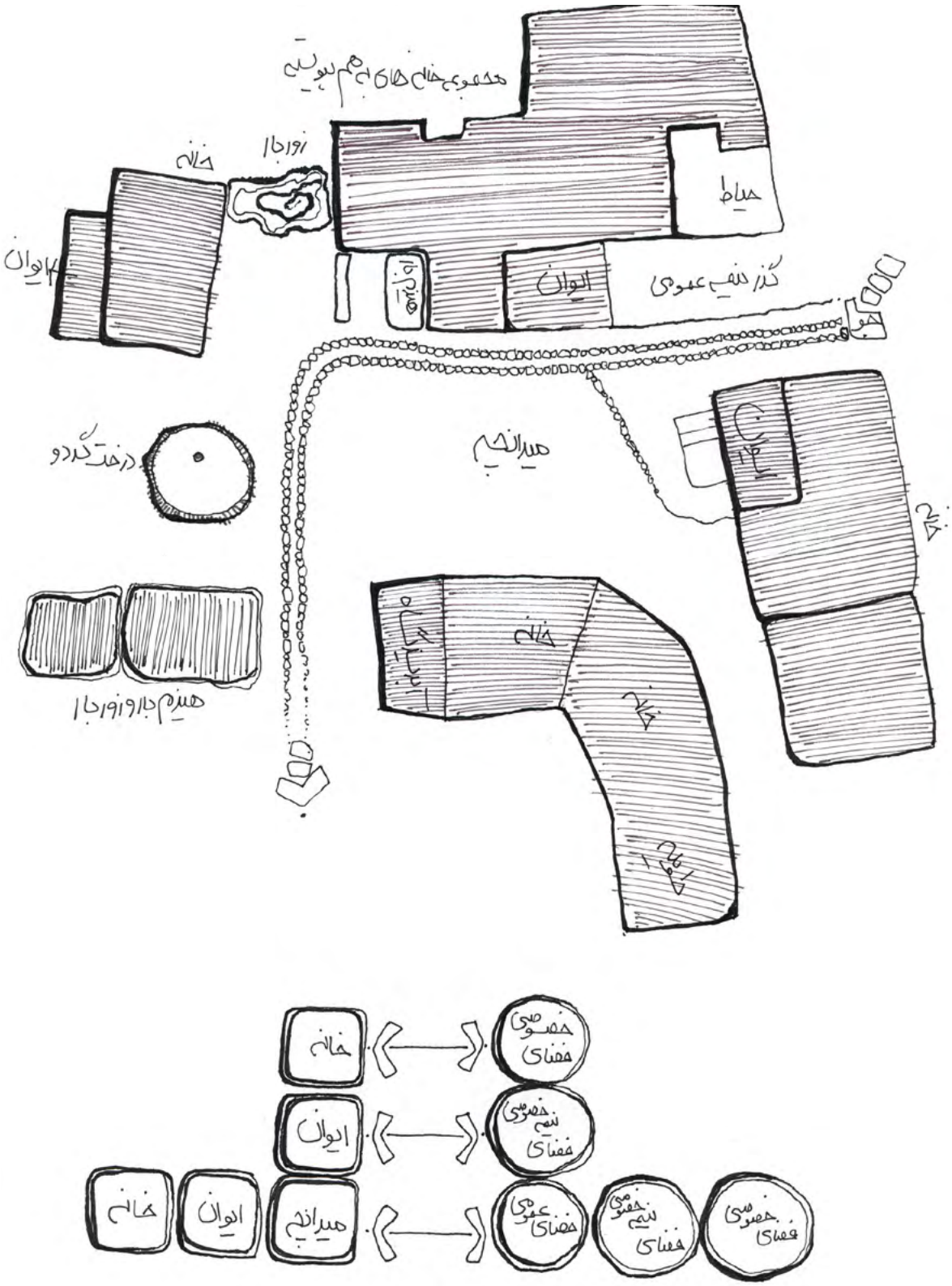

تصویر شماره ۴ : الگوی مسکونی شماره یک.

الگوی شماره ۲

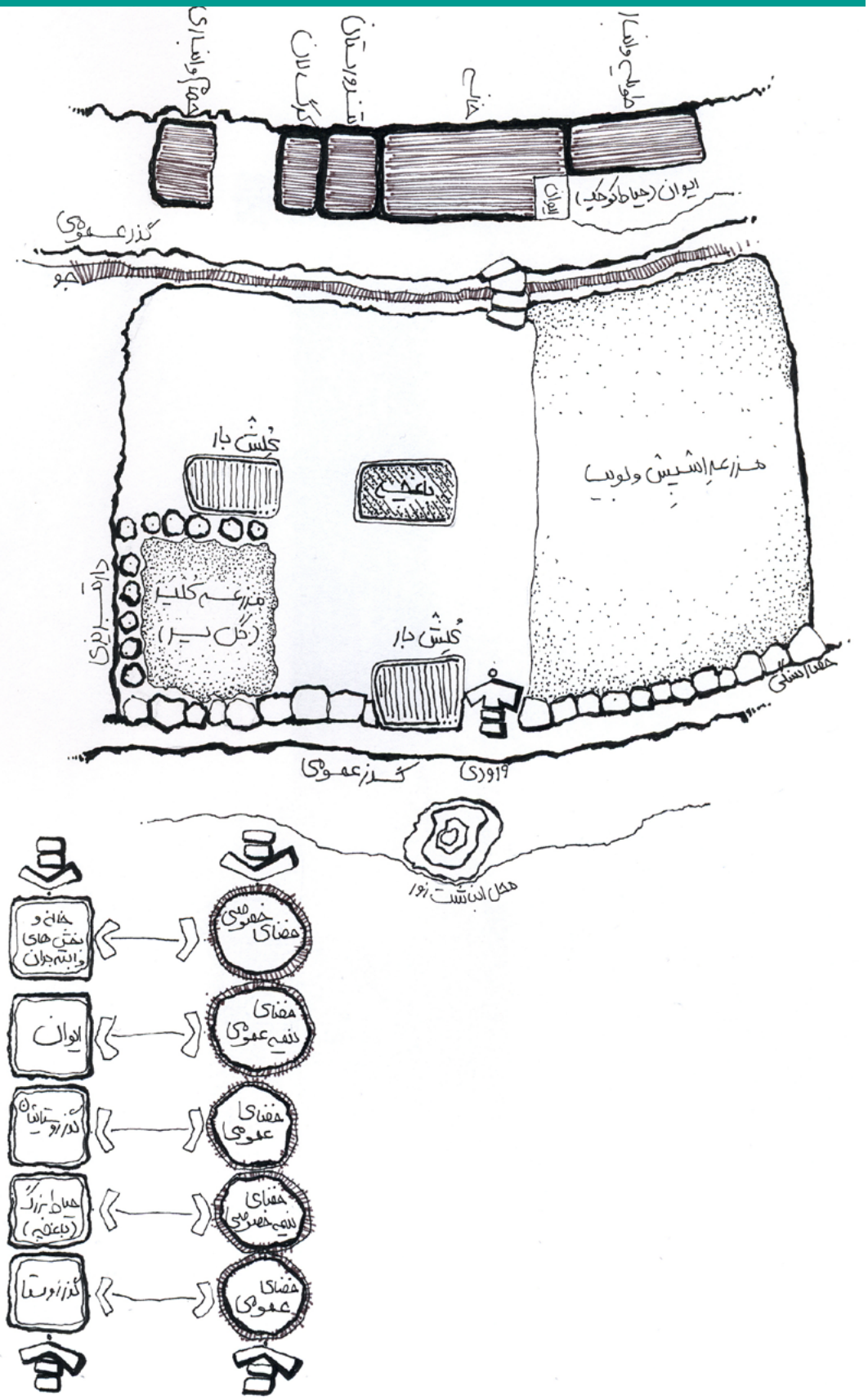

تصویر شماره ۵ : الگوی مسکونی شماره دو.

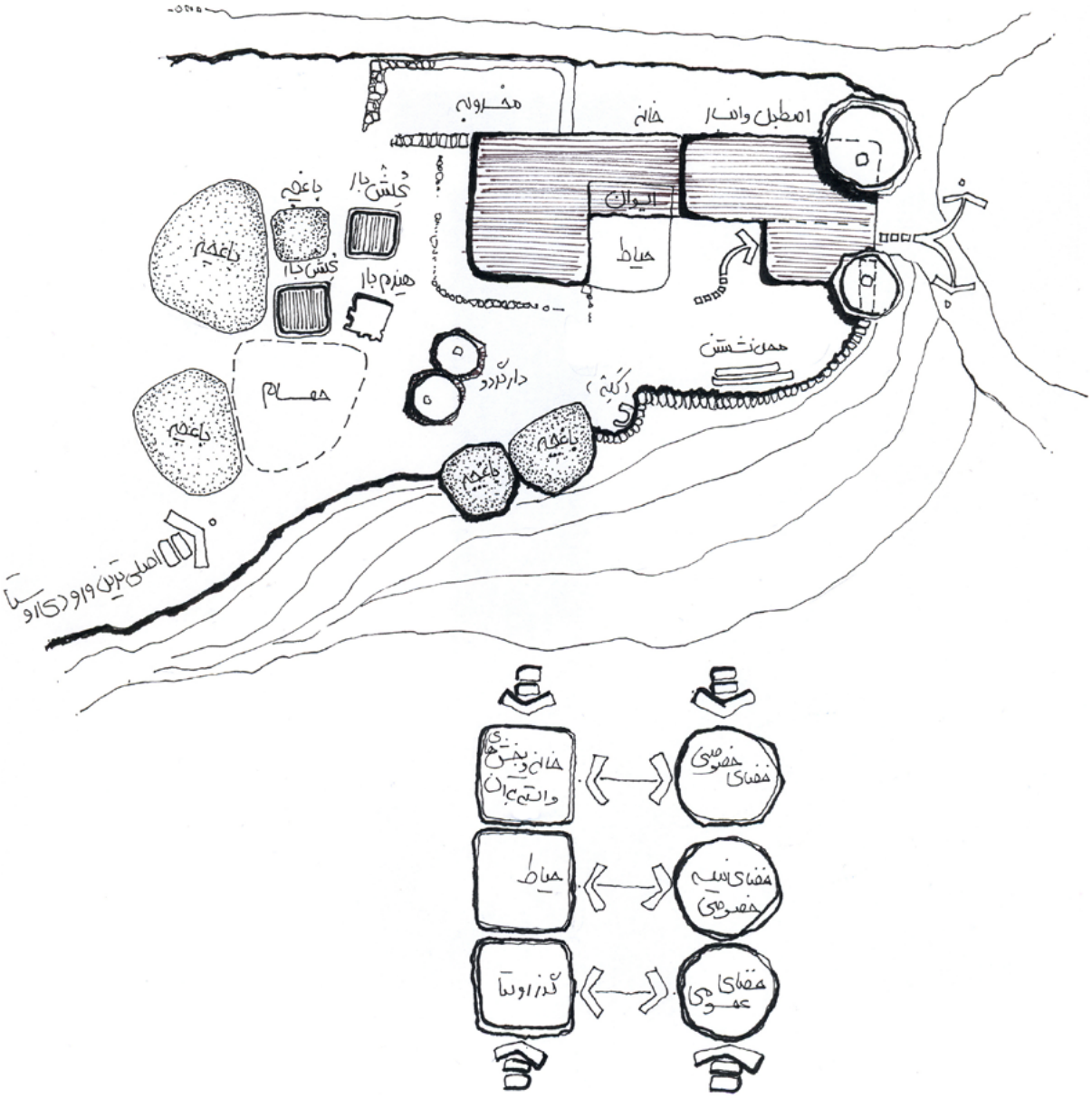

تصویر شماره ۶ : الگوی مسکونی شماره سه.

خانه نوروزعلی غلامی

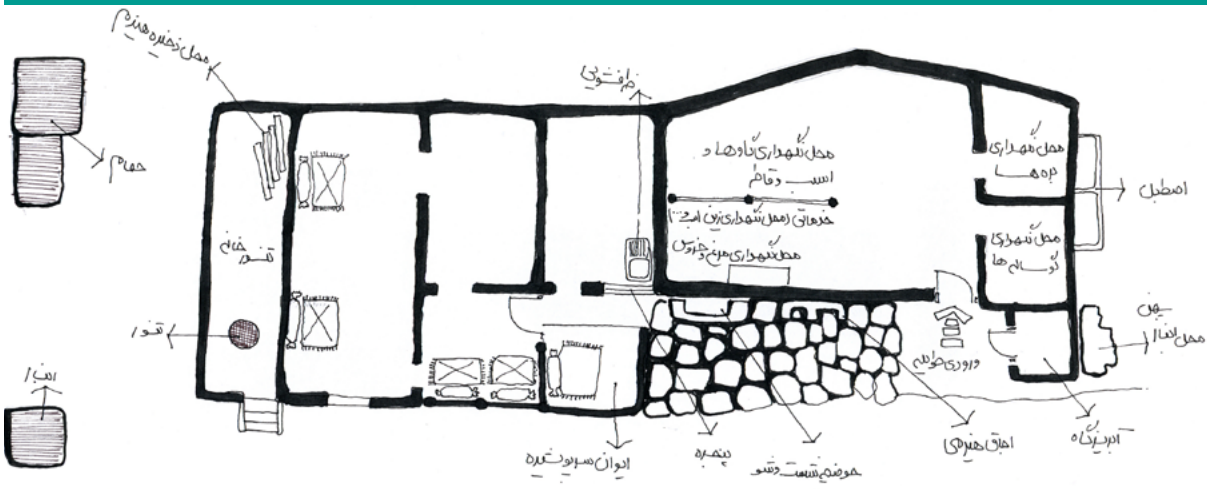

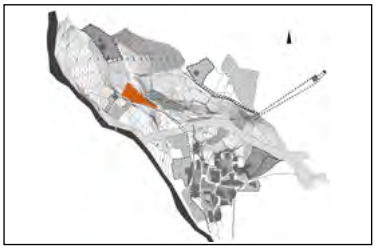

شناسنامه بنا	
قدمت	۶۰ سال
پوشش سقف	شیروانی
مصالح به‌کاررفته در سازه	سنگ+ چوب
مصالح نما	اندود کاه‌گل

تصویر شماره ۷ : الگوی خانه نوروزعلی غلامی.

خانه سیدحسن عظیمی

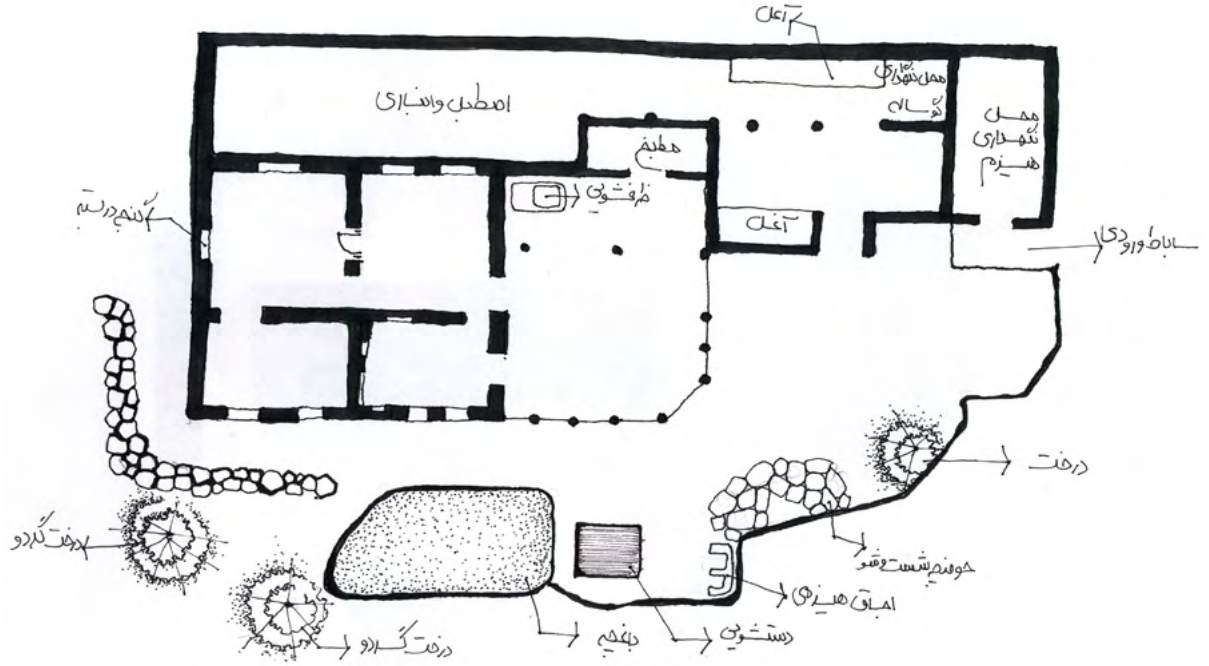

شناسنامه بنا	
قدمت	۸۰ سال
پوشش سقف	تخت
مصالح به‌کاررفته در سازه	سنگ+ چوب
مصالح نما	اندود کاه‌گل

تصویر شماره ۸ : الگوی خانه حسن عظیمی.

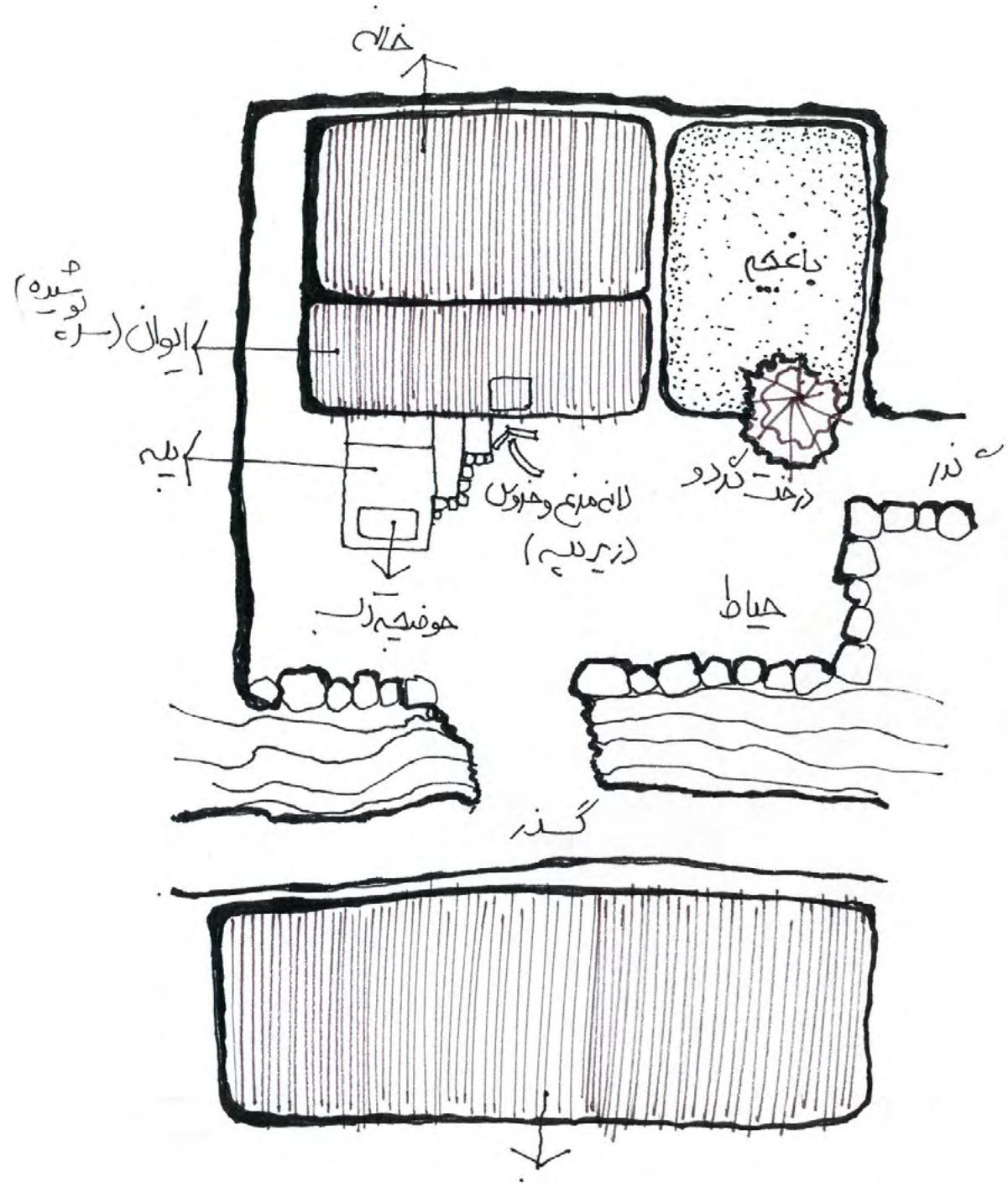

شناسنامه بنا	
قدمت	۶۰ سال
پوشش سقف	شیروانی
مصالح به‌کاررفته در سازه	سنگ+ چوب
مصالح نما	اندود کاه‌گل

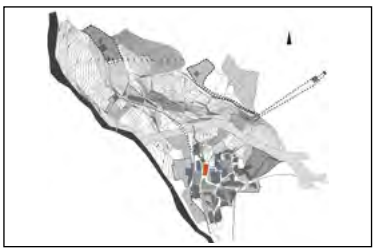

تصویر شماره ۹ : الگوی خانه جلیل غلامی.

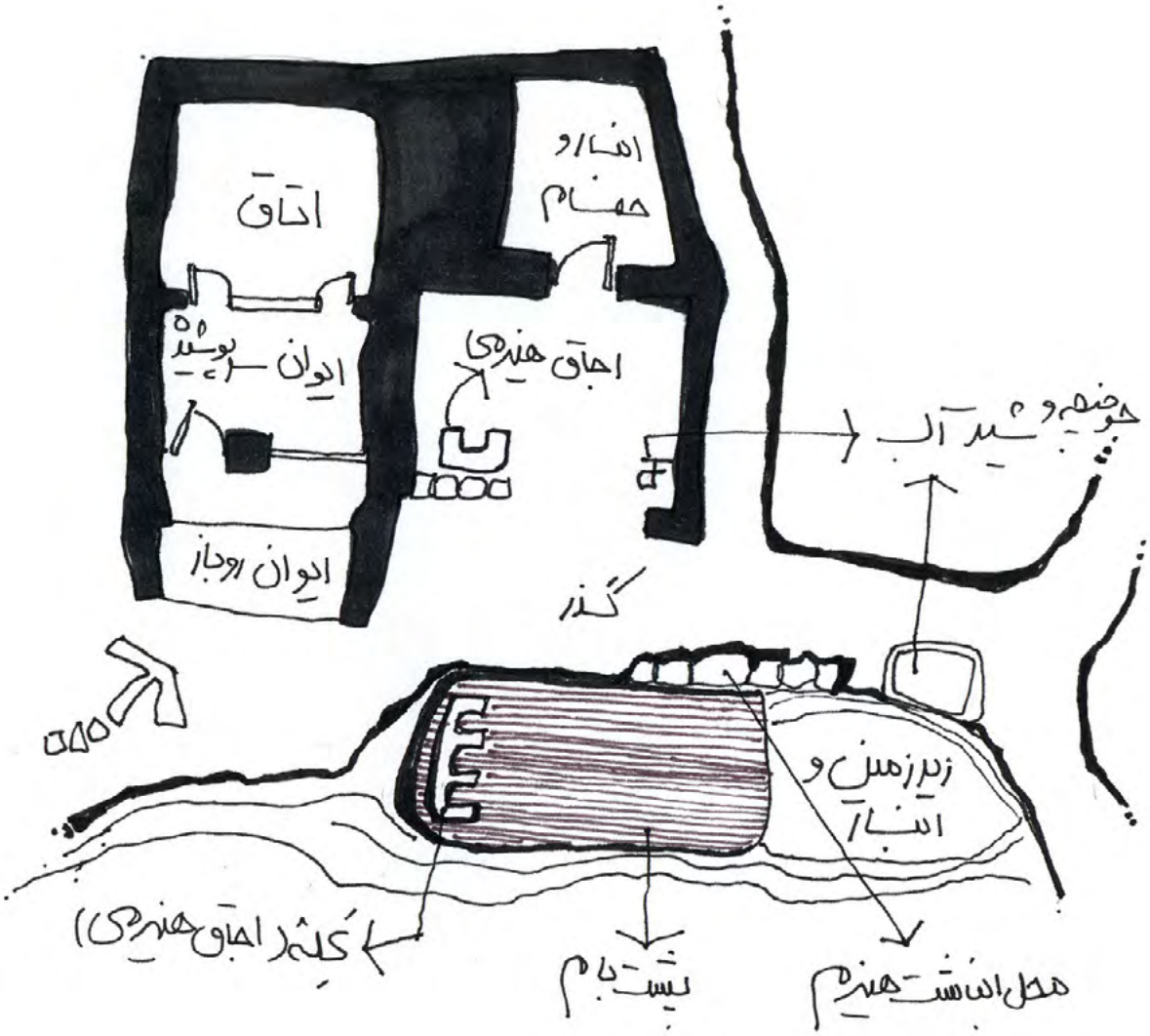

شناسنامه بنا	
قدمت	۴۰ سال
پوشش سقف	تخت
مصالح به‌کاررفته در سازه	سنگ+ چوب
مصالح نما	اندود کاه‌گل

تصویر شماره ۱۰ : الگوی خانه ابوالقاسم کاظمی.

خانه کریم‌ا... غلامی

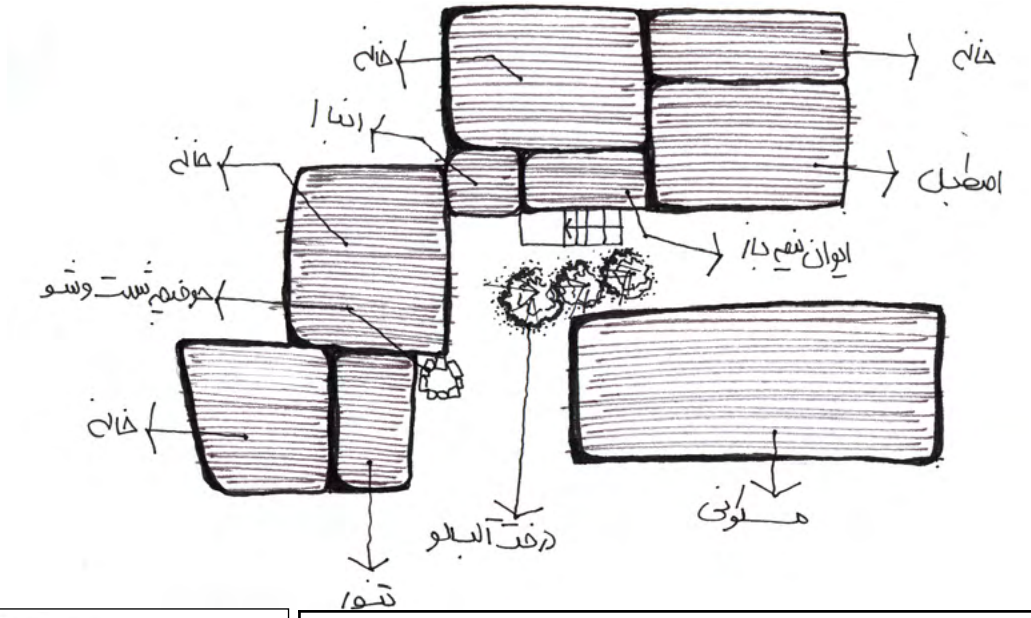

شناسنامه بنا	
قدمت	۲ سال
پوشش سقف	شیروانی
مصالح به‌کاررفته در سازه	سنگ+ چوب (زگالی)
مصالح نما	اندود سیمان سفید

تصویر شماره ۱۱ : الگوی خانه کریم‌ا... غلامی.

خانه حمزه‌علی فلاح

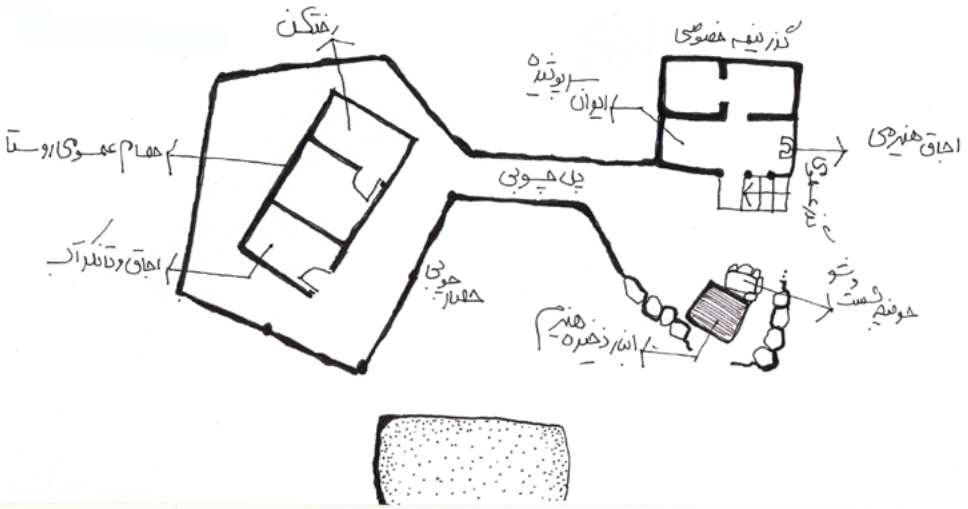

شناسنامه بنا	
قدمت	۸ سال
پوشش سقف	شیروانی
مصالح به‌کاررفته در سازه	سنگ+ چوب (زگالی)
مصالح نما	اندود ماسه و سیمان

تصویر شماره ۱۲ : الگوی خانه حمزه‌علی فلاح.

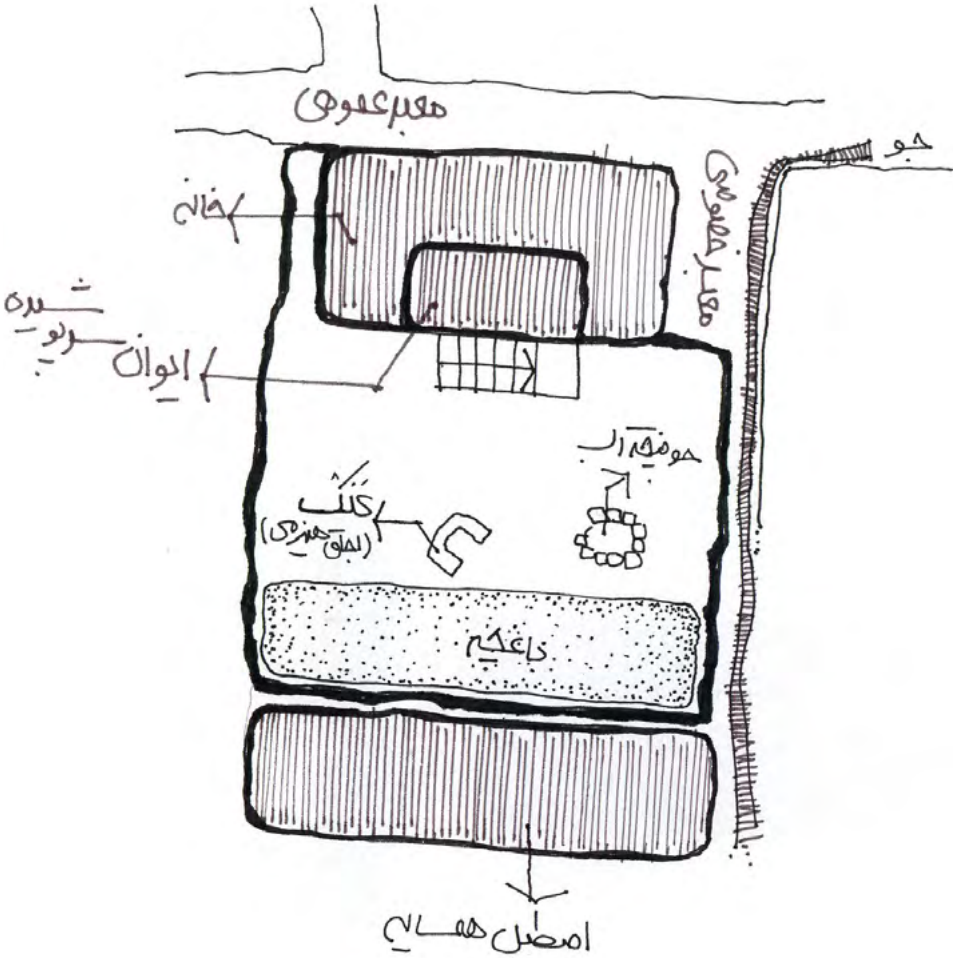

شناسنامه بنا	
قدمت	۴ سال
پوشش سقف	شیروانی
مصالح به‌کاررفته در سازه	سنگ+ چوب (زگالی)
مصالح نما	اندود سیمان سفید

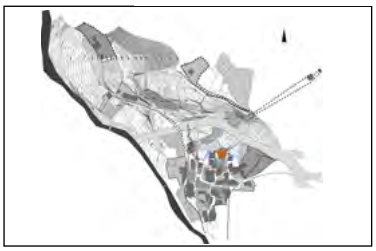

تصویر شماره ۱۳ : الگوی خانه حیدرعلی کشتکار.

شکل هندسی بناها نقش مهمی در پایداری آن‌ها دارد. بناهای با پلان هندسی مربع یا مستطیل یا با اشکال متقارن مقاومت بهتری در برابر زلزله دارند. هم‌چنین استفاده از پشت‌واره باعث جلوگیری از رانش آن‌ها می‌شود.

اجاق هیزمی (کَلِیک):

به دلیل نوع سوخت مصرفی در روستا که عمدتاً از چوب است، ساخت اجاق هیزمی در خانه‌های تاریخی و نوساز بسیار رایج بوده و به‌منظور گرمایش، پخت غذا و... از آن بهره‌ی فراوان گرفته می‌شود.

اجاق‌ها جایگیری مکانی خاصی در فضای خانه‌ها ندارند. اجاق‌هایی که به‌منظور گرمایش و پخت‌وپز از آن‌ها بهره گرفته می‌شود، اغلب در ایوان ساخته می‌شوند و سازوکار آن‌ها همانند شومینه عمل می‌کند. ولی اجاق‌های مخصوص پخت غذا در بخشی از حیاط و عمدتاً در جوار ایوان و به‌صورت سرپوشیده ساخته‌شده و عبارت‌اند از: پله‌هایی برآمده از سطح زمین با مصالح اغلب سنگی که به‌صورت موازی و بافاصله‌ی مناسبی کنار هم قرارگرفته‌اند که بتوان ظروف غذا پزی را روی آن قرار داد. (گاهی به‌منظور استفاده‌ی آسان‌تر از هیزم و کاربرد ظروف بزرگ، اجاق‌ها را در اندازه‌های بزرگ‌تر می‌سازند و برای تثبیت ظروف کوچک‌تر بر روی آن از وسیله‌ای آهنی به نام «دیزندان»[1] استفاده می‌کنند.)

مصالح مورداستفاده در ساخت این اجاق‌ها عمدتاً سنگ به همراه ملات گل و یا گچ‌وخاک است.

1-Dizendân

تصویر شماره ۱۴ : اجاق‌های هیزمی برای گرمایش و پخت‌وپز.

خانه عنایت کشتکار و میدانگاهی جلوی آن

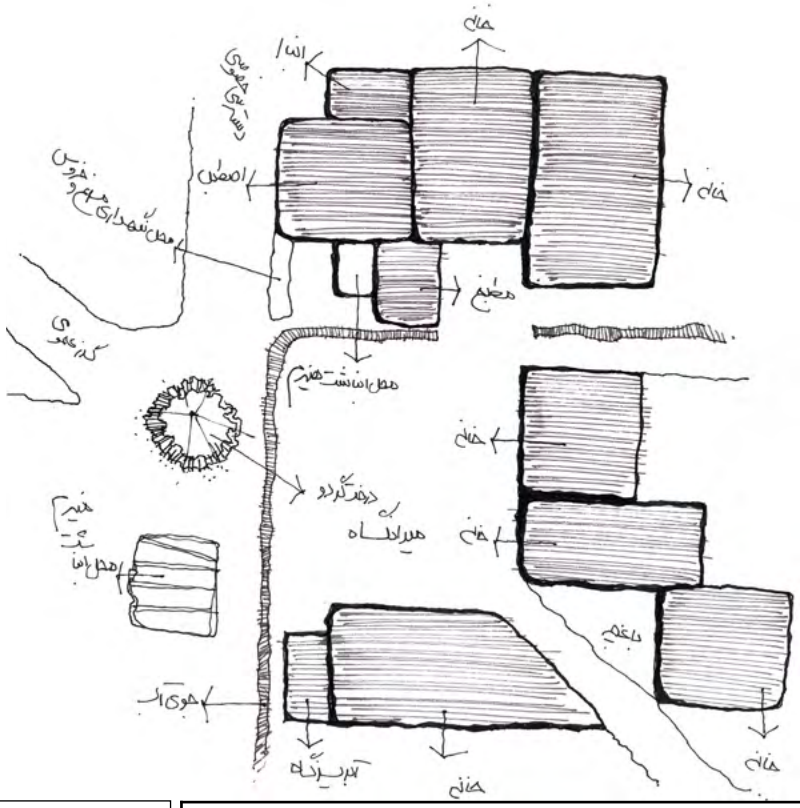

شناسنامه بنا	
قدمت	۸۰ سال
پوشش سقف	تخت
مصالح به‌کاررفته در سازه	سنگ+ چوب
مصالح نما	اندود کاه‌گل

تصویر شماره ۱۵ : الگوی خانه عنایت کشتکار.

خانه ولی‌ا... عباسی

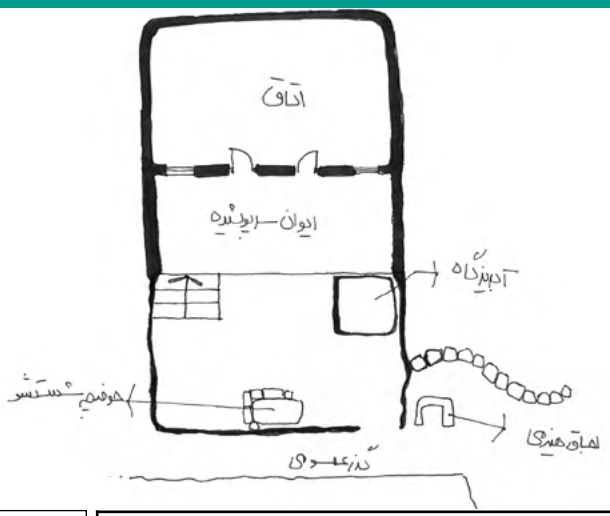

شناسنامه بنا	
قدمت	۸۰ سال
پوشش سقف	تخت
مصالح به‌کاررفته در سازه	سنگ+ چوب
مصالح نما	اندود کاه‌گل

تصویر شماره ۱۶ : الگوی خانه ولی‌ا... عباسی.

خانه وجی‌ا... شاه‌محمدی دینه‌رودی

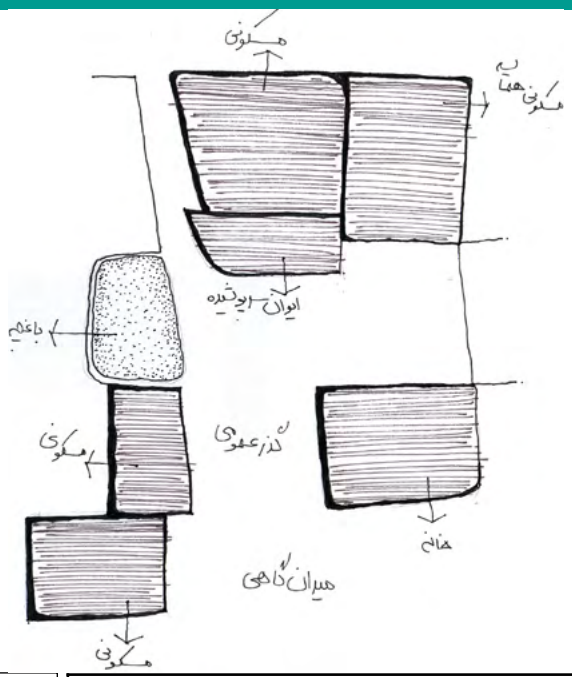

شناسنامه بنا	
قدمت	۲ سال
پوشش سقف	شیروانی
مصالح به‌کاررفته در سازه	سنگ+ چوب (زگالی)
مصالح نما	اندود ماسه و سیمان

تصویر شماره ۱۷ : الگوی خانه وجی‌ا... شاه‌محمدی.

خانه موسی غلامی

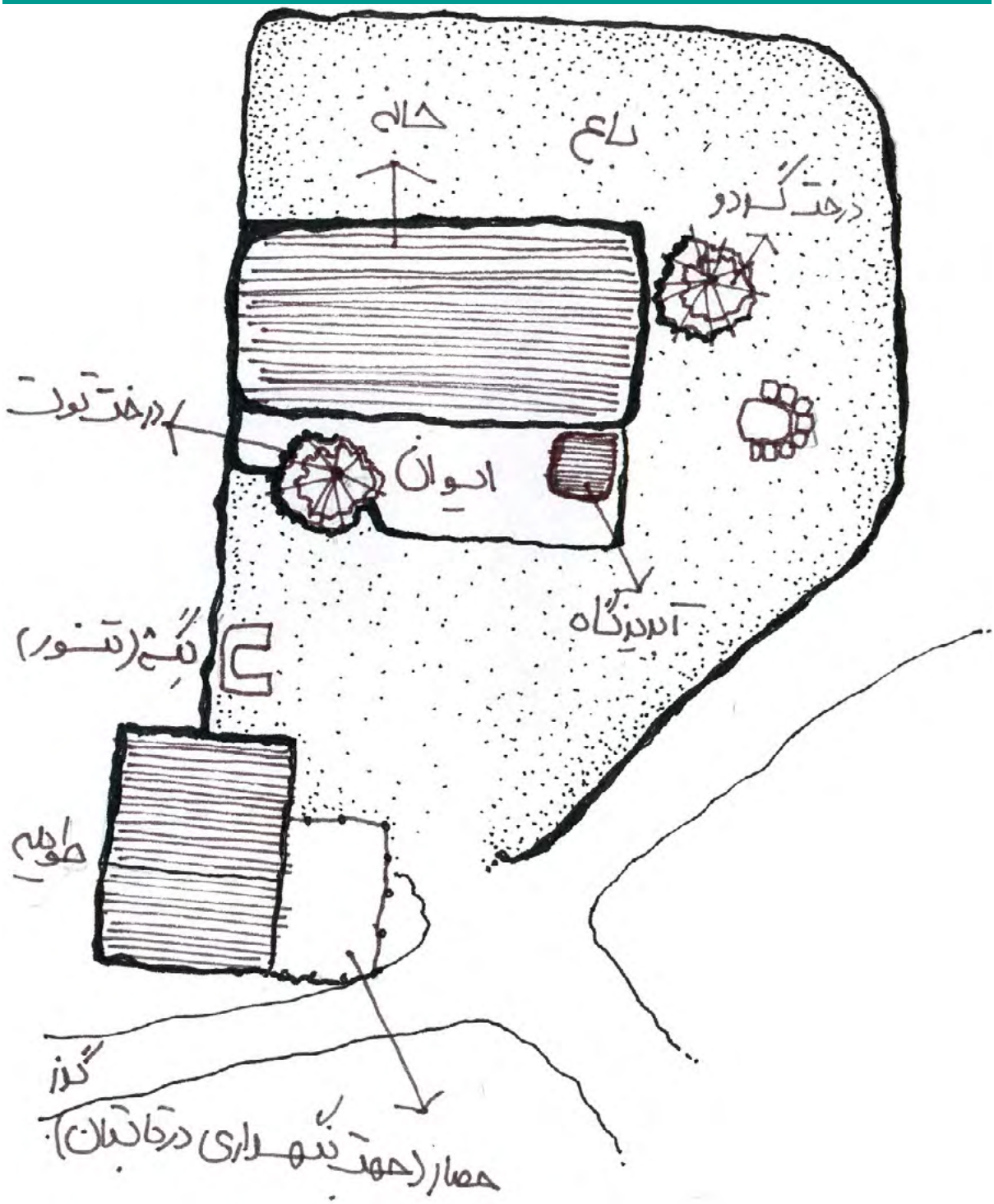

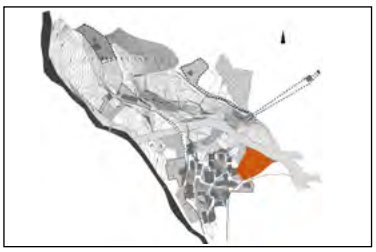

شناسنامه بنا	
قدمت	۱۰ سال
پوشش سقف	شیروانی
مصالح به‌کاررفته در سازه	سنگ+ چوب (زگالی)
مصالح نما	اندود کاه‌گل

تصویر شماره ۱۸ : الگوی خانه موسی غلامی.

پله‌های واقع در گذرهای عمومی بافت:

در برخی از گذرهای شیب‌دار واقع در حاشیه‌ی بافت روستا که دسترسی به باغ‌ها و مزارع پیرامونی را بر عهده دارند، پله‌هایی از چوب و سنگ به‌منظور دسترسی آسان به‌خصوص در فصول بارندگی ساخته‌شده‌اند.

حصار پیرامون باغ‌ها و مزارع:

این الگو به‌منظور حصار و دیوار در اطراف تعدادی از باغ‌های روستا دیده می‌شود. در تعدادی دیگر از مزارع و باغ‌ها شاهد محدود کردن حریم باغ به کمک چپر هستیم ولی در اکثر این باغ‌ها و مزارع حریم حفاظتی ویژه‌ای دیده نمی‌شود.

فن‌آوری ساخت:

ساخت بناهای قدیمی (با استفاده از مصالح بومی همچون سنگ، چوب و گل)

مواد اولیه و مصالح یافت شده در محیط نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل کلی مسکن روستاها دارند.

الف- سنگ: استحکام این ماده ساختمانی و نیز دوام آن از ویژگی‌های بارزی است که همراه با ماده ساختمانی ثانویه‌ای (در روستا گل و گچ) ایجاد می‌شود.

به کار بردن الوارهای چوبی که به‌صورت افقی درون دیوارها قرار داده می‌شوند، آسیب وارده در برابر زلزله را کم‌تر می‌کنند (آبادی، شماره ۶۰: ص ۴۸).

ب- چوب: ماده ساختمانی ثانویه‌ای که در این روستا بیشتر به‌عنوان ماده اولیه به کار گرفته‌شده است. این ماده تزئینی و نیز گران‌قیمت است.

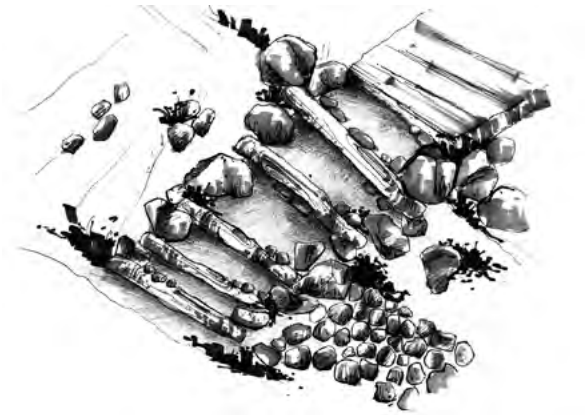

تصویر شماره ۱۹ : پله‌های اجراشده در برخی از گذرهای عمومی روستا.

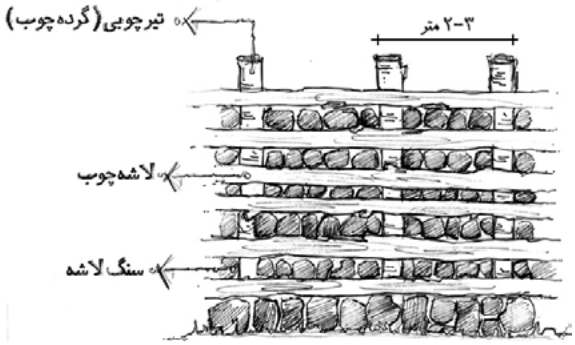

تصویر شماره ۲۰ : الگوی ویژه‌ی حریم حفاظتی از باغ.

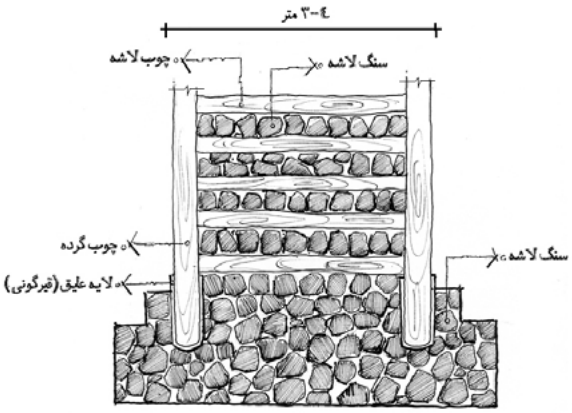

تصویر شماره ۲۱ : نحوه‌ی جاگذاری ستون در الگوهای بومی.

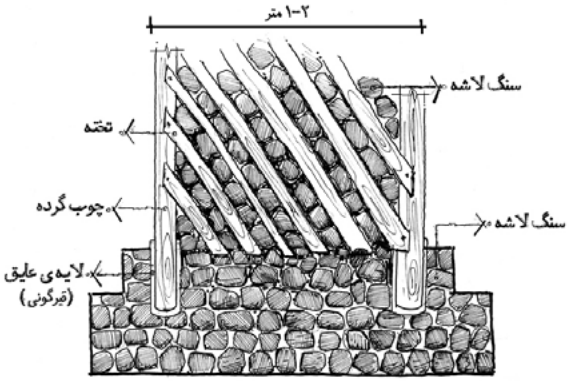

تصویر شماره ۲۲: نحوه جاگذاری ستون‌های چوبی در پی و دیوارچینی زگالی.

به‌کارگیری این مصالح در بناها به‌عنوان مصالح اصلی علاوه بر خطرات سیل و زلزله، خطرات ناشی از کم‌توجهی ساکنین و عمر کوتاه مسکن و نیز آتش‌سوزی از عمر بنا می‌کاهد و ساکنان را از ایمنی کامل دور می‌سازد.

نقشه بناهای قدیمی ساخته‌شده کاملاً ذهنی بوده و معمار با توجه به خواسته‌ی مالک که بستگی به تمکن مالی او نیز داشت (تعداد و ابعاد اتاق‌ها، نشیمن و...) بنا را می‌ساخته است.

در ادوار گذشته که در روستا چوب درخت تبریزی نبوده است، از چوب درختان سرو کوهی موجود در منطقه که در اصطلاح محلی به آن «هوروس» می‌گویند، استفاده می‌کردند؛ اما از سال‌ها قبل یعنی از حدود ۶۰ تا ۷۰ سال قبل که کاشت درختان تبریزی در روستا رایج می‌شود تا به اکنون، از چوب این درخت در ساخت بنا بهره‌گیری می‌شود.

شیوه ساخت تمامی بناهای موجود در این روستا زگالی است.

طریقه‌ی ساخت بناهای قدیم (سنگ و چوب):

پس از حفر پی با ابعاد موردنیاز داخل آن را با ملات شفته تا ارتفاع نیم متری از سطح زمین پر می‌کردند، در داخل این ملات و در گوشه‌های پلان تعدادی چوب گرده را که انتهای آن‌ها به ارتفاع یک متر قیراندود می‌شد را به‌عنوان ستون‌های اصلی قرار داده و کلاف می‌کردند. سپس به این طریق که بعد از ۴ تا ۳ رج سنگ‌چینی یک الوار چوبی (چوب درخت تبریزی) که به‌صورت طولی برش خورده را روی رج دیوار قرار می‌دادند و سپس مجدداً یک رج دیوار سنگ‌چین اجرا می‌گردد و کار به همین منوال تا ارتفاع موردنیاز ادامه می‌یافت.

طریقه کاه‌گل نمودن دیوارها:

کاه‌گل دیوارها که در اصطلاح محلی به آن «گِل‌کار»[1] می‌گویند سالیانه یک‌بار (در هر بهار) تجدید می‌شود.

طریقه تولید آن نیز به این صورت است که پس از حمل گِل از محل‌های مخصوص در اطراف روستا، آن را الک کرده با پهن حیوانات ترکیب می‌کنند. در گام بعدی آن را آخوره کرده و در حدود ۱۰ ساعت می‌گذارند تا آب کاملاً به خورد ملات برود و نهایتاً پس از گذشت زمان مشخص‌شده آن را خوب به هم می‌زنند تا ملات کاملاً یکدست شود، سپس آن را مورداستفاده قرار می‌دهند.

نحوه‌ی اجرای پوشش بام‌های تخت:

این الگو با تفاوتی جزئی در پوشش میانی (تخته‌کوبی به جای لایه‌ی شاخه بریده) در کلیه بام‌های تخت و با مصالح بومی اجراشده است. رویه‌ی نهایی بام از کاه‌گل است که هرساله تجدید می‌شود تا در فصول بارندگی بنا از آسیب‌های ناشی از برف و باران در امان بماند.

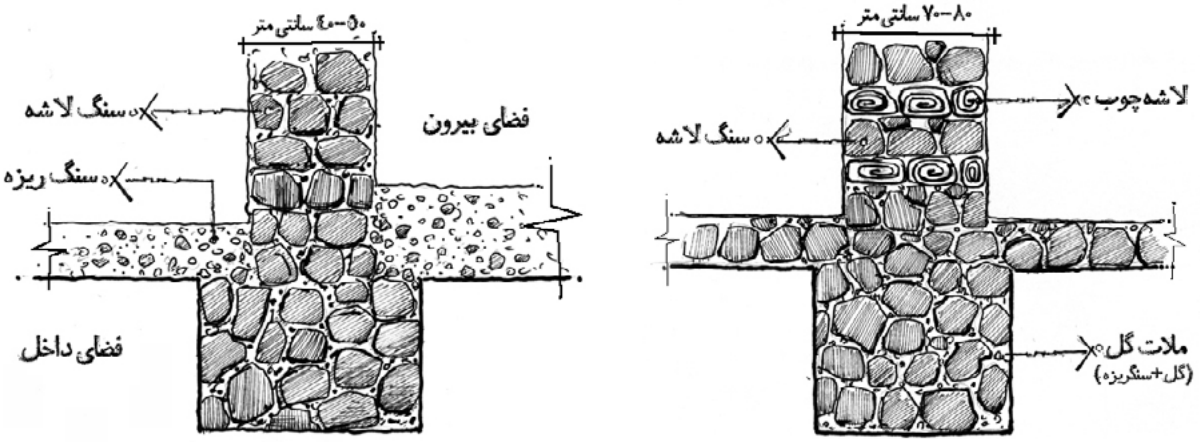

تصویر شماره ۲۳: دو الگوی رایج در پی و دیوارچینی.

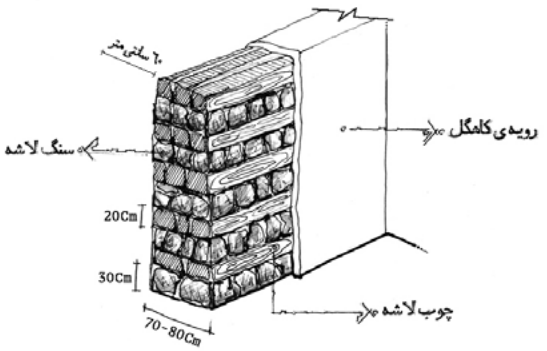

تصویر شماره ۲۴: نحوه‌ی اجرای دیوار سنگی.

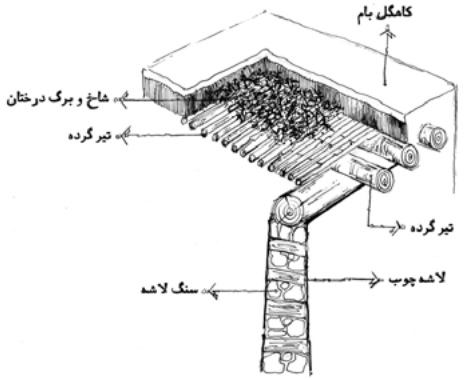

تصویر شماره ۲۵ : جزییات اجرایی بام‌های تخت.

1-Gel kâr

طریقه ساخت بناهای جدید (چوب):

بناهای نوساز روستا در پلان وفادار به الگوهای گذشته بوده و عمده تفاوت ساختمان‌های قدیمی با ساختمان‌های نوساز در به‌کارگیری نوع مصالح است. عدم استفاده از تیر چوبی نیم‌گرد در ساخت دیوارها، به‌کارگیری سیمان در نمای خارجی ساختمان به‌جای کاه‌گل، گچ کاری نماهای داخلی به‌جای نماهای سیم‌گل و کاه‌گل و استفاده از سقف‌های شیروانی (حلبی) به‌جای بام‌های تخت و کاه‌گلی ازجمله این موارد است.

طریقه ساخت بناهای نوساز به این شکل است که در ابتدا پی را تا ابعاد موردنیاز کنده و سپس تا ارتفاع نیم متر بالاتر از سطح زمین آن را با ملات شفته پر می‌کنند. در داخل این ملات چوب‌های چهارتراش آغشته شده به قیر را به‌صورت ستون و در فاصله‌های برابر قرار داده و کلاف می‌کنند. در مرحله بعدی اطراف ستون‌ها را زگال زده و فضای خالی داخل این زگال‌ها را با سنگ پر می‌کنند، درنهایت رویه‌ی دیوارها را با اندود سیمان می‌پوشانند.

نتیجه‌گیری:

مسکن در مناطق مختلف به‌تبع شرایط محیطی و نیازهای منطقه با مصالح و الگوهای متنوعی شکل‌گرفته است. فرم‌های معماری روستای دینه‌رود با استفاده از مفاهیم ذهنی معماری سنتی و نیازهای ساکنان آن شکل‌گرفته است. تعبیه‌ی انواع فضاهای کارکردی مطابق با نوع معیشت- کشاورزی و دامداری- با عملکردهای چندگانه در این معماری شاخص است. سنگ، چوب و کاه‌گل اصلی‌ترین مصالح به‌کاررفته در ساخت خانه‌های روستای دینه‌رود است که با کمک روش‌های ساخت توانسته‌اند شرایط مناسبی برای سکونت خود فراهم سازند.

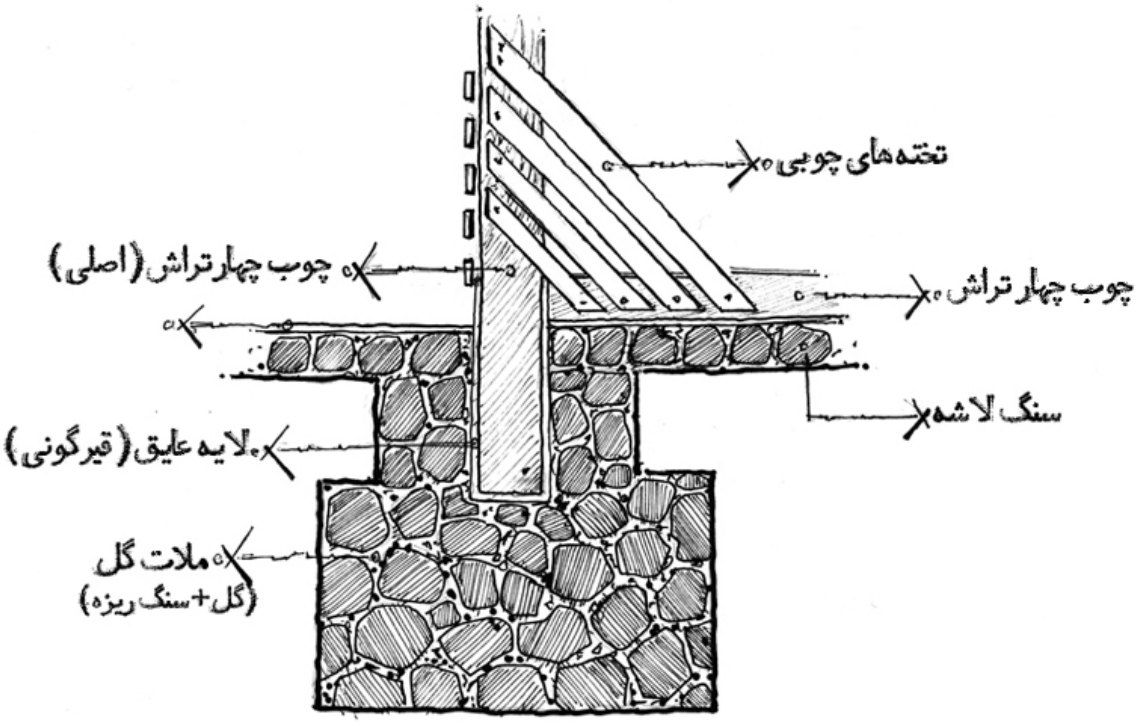

تصویر شماره ۲۶ : نحوه‌ی جاگذاری ستون و کلاف‌بندی در بناهای نوساز.

کارگـــاه بین‌المللی حفاظـــت میـــراث معماری خشتـی شهر میـــراث جهانی یزد

سید محمد امین طباطبایی
کارشناسی ارشد، مرمت و احیای ابنیه و بافت‌های تاریـخی، دانشـــگاه تهران

گـــزارش

کارگاه بین‌المللی حفاظت میراث معماری خشتی شهر میراث جهانی یزد در تاریخ اول تا ششم شهریور ۱۴۰۰ با حضور بیش از صد نفر شرکت‌کننده از ایران، فرانسه و امارات متحده عربی توسط پایگاه میراث جهانی شهر تاریخی یزد، پژوهشکده معماری بومی دانشگاه یزد و مرکز معماری خاک کراتر فرانسه برگزار شد. محسن عباسی هرفته عضو هیئت‌علمی دانشگاه یزد و مدیر پایگاه میراث جهانی شهر تاریخی یزد، دبیر کارگاه، سید محمدامین طباطبایی دبیر علمی و سمیه شهری دبیر اجرایی این کارگاه بوده‌اند.

این کارگاه با هدف آموزش و هم‌اندیشی پیرامون مفاهیم میراث معماری خشتی و شیوه‌های فنی و صحیح مداخله و مرمت بناهای خشتی برگزار شد. برگزاری چنین کارگاه‌هایی برای کارشناسان نهادهای مرتبط در حوزه مدیریت شهر تاریخی امری ضروری است که در پرونده مدیریت میراث جهانی یزد نیز به آن اشاره شده است؛ بنابراین به جهت نیل به این مقصود و افزایش آشنایی و مهارت دستگاه‌های تأثیرگذار در مدیریت شهر تاریخی با مکاتبه و فراخوان‌های متعدد از نیروهای اداری، پیمانکاران و مشاورین مرتبط برای شرکت در دوره دعوت به عمل آمد.

برنامه‌ریزی روند کارگاه و تدوین سرفصل‌های آموزشی دوره با همفکری نمایندگانی از نهادهای برگزارکننده انجام شد و با توجه به اهمیت تمرین‌های عملی، این کارگاه در دو بخش نظری و عملی طرح‌ریزی‌شده بود که متأسفانه با توجه به شرایط حاد پاندمی کووید ۱۹ در زمان از پیش تعیین‌شده برای این کارگاه، امکان برگزاری حضوری و کارگاه‌های عملی دوره میسر نشد و این کارگاه طبق روال مرسوم دوران پاندمی به‌صورت مجازی و برخط برگزار شد. البته این محدودیت، فرصتی شد تا علاقه‌مندان و صاحب‌نظران از نقاط مختلف کشور و حتی خارج از کشور امکان حضور در کارگاه را داشته باشند. لازم به ذکر است با توجه به حضور کارشناسان خارج از کشور ترجمه هم‌زمان انگلیسی نیز در طول کارگاه برقرار بوده است.

مباحث آموزشی این دوره توسط اساتید دانشگاه یزد و کارشناسان موسسه کراتر فرانسه و متخصصین مدعو طی ۶ روز برای شرکت‌کنندگان ارائه شد. همچنین اساتید برجسته

حوزه میراث فرهنگی، دکتر مهدی حجت، مهندس سید محمد بهشتی، دکتر محمدرضا اولیاء و دکتر محمدحسن طالبیان در این دوره به‌عنوان سخنرانان میهمان در مراسم افتتاحیه و اختتامیه کارگاه حضور داشتند.

در پایان کارگاه و با هم‌اندیشی و همکاری اساتید و شرکت‌کنندگان دوره موارد حائز اهمیت در حفاظت از میراث معماری خشتی کشور به‌عنوان بیانیه کارگاه یزد تدوین و منتشر شد که در ادامه‌ی این گزارش ارائه می‌گردد.

امید است با توجه به ارزش و اهمیت حفاظت و تداوم میراث معماری خشتی این سرزمین و با توجه به استقبال خوب شرکت‌کنندگان این دوره، نشست‌های تخصصی و کارگاه‌های اجرایی این حوزه با مشارکت نهادهای مرتبط ادامه داشته باشد و مؤثر واقع شود.

تصویر پوستر کارگاه.

بیانیه یزد– ۱۴۰۰

کارگاه بین‌المللی حفاظت معماری خشتی در شهر میراث جهانی یزد

اول تا ششم شهریور ۱۴۰۰ ورشیدی

یزد از سال‌ها پیش به‌عنوان یکی از معتبرترین شهرهای تاریخی با معماری خشتی در جهان مطرح بوده است؛ با برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی مطالعه و حفاظت معماری خشتی در سال‌های ۱۳۵۱، ۱۳۵۵، ۱۳۸۲ و ۱۳۹۷ با حضور نمایندگان ایکوموس، یونسکو و شخصیت‌های برجسته و پژوهشگران این حوزه در یزد، بر تشکیل مرکز بین‌المللی تحقیقات خشت در این شهر و ضرورت حفاظت، پژوهش، آموزش میراث معماری خشتی یزد و ترویج و تسری حداکثری فرهنگ حفاظت یزد تأکید شده است؛

در اوان پنجمین سال پس از ثبت شهر تاریخی یزد در فهرست میراث جهانی، پژوهشکده معماری بومی دانشگاه یزد و پایگاه میراث جهانی شهر تاریخی یزد با همکاری مرکز معماری خاک کراتر دانشگاه گرونوبل فرانسه با دعوت از متخصصان، پژوهشگران و فعالان معماری خشتی اقدام به برگزاری کارگاه بین‌المللی حفاظت معماری خشتی در شهر میراث جهانی یزد نمودند.

مقدمه:

در زمانه‌ای که پیامدهای فاجعه‌بار صنعت ساختمان، زیست‌بوم بشر را با مخاطرات جدی مواجه ساخته و ادامه حیات نسل‌های آینده را با نگرانی مواجه ساخته است، معماری نجیب خشتی که در هم آهنگی با نظام طبیعت، شیوه‌ای از معماری پایدار و پایه‌دار را به تصویر می‌کشد دوباره در کانون توجه و تأمل قرارگرفته است. از این منظر، میراث معماری شهر تاریخی یزد، همچون چراغی است که راه آینده را نشان می‌دهد و حفاظت از این میراث به‌مثابه روشن نگاه‌داشتن این چراغ است.

با ثبت جهانی و اشعار بیشتر به مزایای بی‌نظیر خشت به‌عنوان ساخت مایه اصلی میراث معماری یزد، از قبیل در دسترس بودن، ارزان بودن، کم آبخواه بودن، بازگشت‌پذیری به طبیعت، تاب‌آوری حرارتی بالا، میزان اندک انرژی تولید و بهره‌برداری و ... میراث معماری خشتی یزد موردتوجه بیش‌ازپیش قرار گرفت. اینک مهم‌ترین اقدام در مسیر احیای آن، ایجاد اعتماد و باور عمومی و همین‌طور جامعه تخصصی به خشت به‌عنوان یک مصالح بی‌رقیب و بی‌بدیل است. به نظر می‌رسد مهم‌ترین کار برای احیاء اعتماد و باور ازدست‌رفته دوباره ساختن و البته روزآمد ساختن با خشت است تا مردم کیفیات آن را دوباره به قضاوت بنشینند. این امر مستلزم احیاء مهارت‌های بومی تولید مصالح و شیوه‌های ساخت، تحقیق برای روزآمد کردن و افزایش کارآمدی با توجه به شیوه زندگی امروزی و تماس دائم با جامعه محلی برای شنیدن نظراتشان و یادآوری دوباره این معماری به ایشان است.

اصول و توصیه‌های حفاظتی:

- همچنان که مردم در سایه عقل جمعی و خرد تاریخی این معماری اصیل را شکل داده‌اند، حفاظت آن‌هم در پرتو مشارکت اجتماعی یک اصل است. در این راستا، انتفاع عمومی و فهم مفید بودن آن توسط جامعه امروز شرط اصلی حیات این میراث ارزشمند است.
- توسعه نگاه همه‌جانبه، چندوجهی و بین‌رشته‌ای به فرآیند حفاظت میراث معماری خشتی
- بهره‌مندی روش‌های حفاظت علمی بر مدار حفظ اصالت بناهای خشتی
- تأکید بر لزوم تبعیت از اصول ساخت‌وساز اصیل و مبتنی بر دانش بومی و تأکید بر استفاده از «خشت» در مرمت بناهای خشتی
- آموزه‌های معماری اصیل یزد، مبدأ و مبنای تدوین دستورالعمل‌ها، آیین‌نامه‌ها و ضوابط حفاظت میراث معماری خشتی
- پرهیز از سطحی‌نگری، شتاب‌زدگی، جعل تاریخ، بزک کاری و مداخلات بدون مرجع و پشتوانه اصیل و اصولی به نام مرمت

مهارت‌ها و آموزه‌های معماری بومی:

- تداوم معماری خشتی در گرو تداوم مهارت‌های بومی مشخصاً نحوه تولید مصالح و اجرای فنون بومی است؛ تربیت استادکاران ماهر از طریق برقراری زنجیره استاد و شاگردی در این امر اهمیت به سزایی دارد.
- ایجاد شبکه استادکاران، متخصصان و دست‌اندرکاران مرمت و تقویت زمینه‌های هم‌افزایی و تعاون در بین آن‌ها ضروری است.
- در حال حاضر، فقدان مهارت لازم در تولید معماری خشتی، این نگرانی جدی را ایجاد کرده که ناکارآمدی احتمالی معماری خشتی

جدید؛ بی‌بهره از مهارت‌های لازم، به پای ضعف ذاتی این معماری نوشته شود.

مقاوم‌سازی بناهای خشتی در برابر زلزله:

- به نظر می‌رسد، مهم‌ترین اشکالی که بر معماری خشتی وارد می‌کنند، عدم مقاومت لازم در برابر نیروهای جانبی است، که دلیل اصلی این تصور ضعف کارهای علمی و پژوهشی در اقناع جامعه تخصصی است و الا آثار ماندگار در سرزمین زلزله‌خیز ایران شاهدی بر رد این اشکال است.

- تدوین، ارتقاء و پیشبرد ضوابط و آیین‌نامه‌های ساخت‌وساز معماری خشتی جدید مورد تأکید است.

- تشویق و حمایت پژوهشگران برای انجام مطالعاتظ علمی و فعالیت‌های آزمایشگاهی بر روی ساختارهای خشتی، نحوه مقاوم‌سازی سازه‌های موجود و روش‌های مقاوم ساختن سازه‌های جدید مبتنی بر دانش بومی ضروری است.

- در ارزیابی روش‌های مقاوم‌سازی و مقاوم ساختن، توجه به معیارهایی چون رعایت اصول مرمتی، سازگاری با معماری بومی، باورپذیری اجتماعی، سهولت در اجرا و داشتن صرفه اقتصادی حائز اهمیت می‌باشد.

تداوم زندگی و سکونت در بافت تاریخی یزد:

- زندگی و تداوم سکونت در بافت تاریخی ازجمله معیارهای اصلی اصالت و یکپارچگی شهر تاریخی یزد می‌باشد که در فرآیند ثبت جهانی، پلان مدیریت ارائه‌شده و برنامه‌های پایش، بر آن تأکید شده است.

- ازآنجاکه معماری خشتی مردمی‌ترین معماری در جهان است. ضروری است در سیاست‌گذاری‌ها به‌گونه‌ای اقدام شود که حفاظت در شهر تاریخی یزد، ویژگی مردمی بودن خود را حفظ نماید و به امری خاص، پیچیده و پرهزینه تبدیل نشود.

- ضمن اذعان به اهمیت مقوله گردشگری و احیاء بناها از طریق تغییر کاربری، غالب شدن لجام‌گسیخته این رویکرد و آفت سوداگری در بافت نه‌تنها منجر به حفاظت معماری خشتی نمی‌شود که می‌تواند آسیب‌های جدی را در پی داشته باشد.

- در کنار بهبود شرایط عمومی بافت، روزآمدسازی خانه‌های تاریخی و رسیدن به الگوهایی برای سکونت مجدد در آن‌ها مشروط به رعایت ارزش‌های اصالتی، اصلی‌ترین راهکار در جهت تداوم زندگی در بافت تاریخی است.

نگاهی به آینده:

- بی‌شک نوع بشر راهی جز نابودی یا کشف دوباره آهنگ طبیعت و همراهی و هم آهنگی با آن ندارد. در این راستا، معماری خاک، معماری آینده در بسیاری از نقاط جهان خواهد بود. امید آن می‌رود پیشگامان این معماری ارجمند با تکیه بر سنت‌های سرزمینی، پژوهش‌های گسترده‌ای را در جهت روزآمدی و کارآمدی هر بیشتر این معماری متناسب با نیازهای منطقی زندگی امروز به انجام رسانند. باورمندی و اعتماد افزایی عمومی از مسیر آگاهی بخشی، آموزش و ساخت الگوهای مناسب در اقبال عمومی دوباره به این معماری نقش شایانی خواهد داشت.

بیانیه یزد - ۱۴۰۰

کارگاه بین‌المللی حفاظت معماری خشتی در شهر میراث جهانی یزد

اول تا ششم شهریور ۱۴۰۰ خورشیدی

بوم‌کن*؛ گونـــــه‌ای از معــماری دست‌کند

با نگرشی بر ساختار فیزیکی قنات در ایران

پیمان سلیمانی روزبهانی
کارشناسی ارشد، مرمت و احیاء ابنیه و بافت‌های تاریخی/ دبیر کارگروه معماری بومی شرق فلات مرکزی (کرمان، یزد)

مقاله

چکیده:

آثار معماری به‌جای مانده از گذشته، مبنای شکل‌گیری هویت و شخصیت فرهنگی - اجتماعی و اعتقادی اقوام و نیاکان ما بوده و دربرگیرنده جنبه‌هایی ظریف و هنرمندانه از زندگی مردمی خلاق و زیباپسند می‌باشند که در طول تاریخ حیات خود و درگذر از فراز و نشیب‌های زندگی، بر اساس تنوع سنن و روابط قومی و معیشتی خویش، مفهومی برتر از یک ساخت مادی را پدید آورده‌اند. این آثار ارزشمند معماری، در کنار یکدیگر بافت‌های مسکونی را تشکیل می‌دهند، چه به شکل زیستگاه‌های ابتدایی و یا به شکل شهرهای امروزی، که در هر دو صورت لازمه پیدایش آن‌ها، وجود آب برای بقای حیات انسان است.

بشر نیز همواره در مسیر تکامل خود کوشیده تا با بهره‌گیری از امکانات پیرامون محیط‌زیست خود در جهت رفع نیازهای روزمره و سازگاری هرچه بهتر با محیط طبیعی بکوشد. به‌عنوان‌مثال دستیابی به فناوری انتقال آب از سرچشمه آن به‌وسیله قنات در اقلیم‌های گرم و خشک کویری که امکان بهره‌مندی از منابع غنی و سرشار آب موجود در طبیعت برای ساکنین آن‌ها فراهم نبوده مصداق بارز این سازگاری است. این فناوری نیز به اقسام و بخش‌های مختلفی تقسیم می‌گردد که در این میان نقش و ضرورت بوم‌کن‌ها، به‌عنوان گونه‌ای از معماری دست‌کند و نمودی از تلاش آمیخته با هنر ایرانی برای ایجاد نوعی سکونتگاه انسانی به‌منظور تأمین رفاه و آسایش مقنیان، طی مدت‌زمان احداث قنات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده که این تحقیق به بررسی آن خواهد پرداخت.

واژگان کلیدی: قنات، ساختار فیزیکی، سکونتگاه انسانی، بوم‌کن، معماری دست‌کند.

* در لغت به معنی فضای کنده‌شده در زمین. مرکب از «بوم : زمین» و «کن : ریشه‌کندن» است.

۱- مقدمه

سکونتگاه‌های انسانی به‌واسطه عوامل مختلفی چون شرایط اقلیمی، تأمین امنیت و خوراک و از همه مهم‌تر دستگاه‌های آب‌رسانی به‌عنوان شرط اصلی برای بقای حیات انسان شکل می‌گیرند. پس از آب، دومین عنصر مهم در شکل‌گیری جوامع انسانی وجود سرپناهی به‌منظور تأمین امنیت جانی و آسایش محیطی است که در قالب پدیده‌ای به نام معماری شکل می‌گیرد. معماری دامنه‌ای وسیع از فرم‌های طبیعی موجود در طبیعت تا ساختمان‌های نوین امروزی را شامل می‌شود؛ بنابراین همگی این فرم‌ها ارزشی نهفته در خود دارند که بیانگر تلاش‌ها، پیشرفت‌ها و ناکامی‌های بشر در رسیدن به سازگاری هر چه بهتر با طبیعت هستند.

معماری دست‌کند که گونه‌ای از معماری بومی مناطق مختلف کشور است به شیوه‌ای ساده، بی‌آلایش و زیبا بر تارک تاریخ معماری رخ‌نمایی می‌کند و ترکیبی هنرمندانه از حجم، فضا و ماده را در کنار تناسبات انسانی و مناسب با نوع کاربری موردنظر به نمایش می‌گذارد. این نوع معماری پیشینه‌ای چندین هزارساله در جوامع بشری دنیا و بخصوص سابقه‌ای همسنگ با تاریخ و تمدن کهن ایران دارد که نمونه‌هایی از آن به شکل‌ها و کاربردهای مختلف در گوشه‌هایی از این کشور پهناور به‌عنوان ضرورتی جدایی‌ناپذیر از زندگی بشر بر روی زمین به‌جای مانده است.

در برهه‌ای از تاریخ، معماری دست‌کند و بهره‌گیری از آن در بخش‌های مختلف زندگی انسان نقش و تأثیر بسزایی داشته است. هدف ما، معرفی گونه‌ای از آن در قالب سیستم و فنّاوری آب‌رسانی است؛ که نمونه اصیل و بارز این فنّاوری، قنات است که خود نیز از بخش‌های مختلف با کاربردهای متفاوتی تشکیل‌شده است. لذا با توجه به موضوع این گفتار پس از معرفی اجمالی معماری دست‌کند و ساختار قنات به بررسی بوم‌کن، ساختار فیزیکی، نقش و اهمیت آن خواهیم پرداخت.

۲- معماری دست‌کند

معماری دست‌کند (دست‌کن) در نقاط مختلف جهان و به صورت‌های متنوعی قابل‌مشاهده است. در نگاه نخست ساده‌ترین نوع آن‌که در ذهن تصور می‌شود، فضاهایی ابتدایی و ایجادشده در طبیعت است که به‌منظور سرپناه موقت یا دائم انسان و دام به کار می‌رفته. برخی از گونه‌های این نوع معماری، ظاهری ساده ولی درعین‌حال ساختاری پیچیده دارند و با گذشت زمان و به فراخور نیاز انسان شکل‌گرفته‌اند. در حالت کلی این‌گونه از معماری خود بر اساس نوع شکل‌گیری و نحوه ایجاد، به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱-۲- دسته اول دست‌کن‌هایی که در دل صخره و یا کوه ایجاد می‌شده و کاربرد مسکونی، آرامگاهی، نیایشگاهی و یا دفاعی داشته‌اند. این‌گونه از دست‌کن‌ها یا توسط انسان و با استفاده از ابزارهای ساده و ابتدایی احداث می‌شدند و یا این‌که حاصل فعل‌وانفعالات زمین‌شناسانه بوده‌اند. نمونه‌هایی از این نوع را می‌توان در روستای تاریخی میمند در استان کرمان، روستای کندوان در غرب کشور، گور دخمه‌های نقش رستم در استان فارس مربوط به دوران هخامنشی و ساسانی، نیایشگاه صخره‌ای قیزقاپان در سلیمانیه عراق و مواردی دیگر خندق‌های سنگی شهر تاریخی ابرکوه را با عملکردی دفاعی نام برد (ساروخانی، ۱۳۸۵).

۲-۲- دسته دوم دست کن‌های زیرزمینی هستند که در زیر برخی از شهرها و روستاها با عملکرد دفاعی احداث می‌شده‌اند و تا بیرون شهر نیز ادامه می‌یافتند و هنگام حمله دشمنان و بیگانگان مورداستفاده قرار می‌گرفته‌اند که نمونه آن در شهر نوش‌آباد وجود دارد. در مواردی نیز کاربرد خدماتی و تأسیساتی داشته‌اند، همچون کانال‌های دفع فاضلاب در تخت‌جمشید و یا قنات‌هایی که در شهرها و روستاهای مناطق کویری کشور جهت انتقال آب مورداستفاده قرار می‌گرفته‌اند (ساروخانی، ۱۳۸۵).

۳- معرفی قنات

فنّاوری احداث قنات در مناطق مرکزی فلات ایران که از اقلیمی گرم و خشک برخوردارند، از دیرباز توسط ساکنین این‌گونه مناطق برای بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی مورداستفاده قرار می‌گرفته که آب زیرزمینی را از بالا به مناطق کم‌عمق پایین‌دست منتقل می‌کرده است. فنّاوری قنات در مناطقی با ویژگی‌های زیر بیشتر مورداستفاده قرار می‌گرفته است:

- در مناطقی که رودخانه‌های دائمی برای حمایت از آبیاری وجود نداشته باشد.
- در مناطقی با آب‌وهوای خشک که میزان تبخیر بسیار بالاست و با کمبود شدید منابع آب مواجه است.
- در مناطق حاصلخیز که جریان‌های آب در اعماق زمین وجود دارند (Beaumont,1971).

۱-۳- تاریخچه قنات

گابریل هنری[1] معتقد است که در حدود ۸۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، حفاران ایرانی، تعدادی کانال برای استخراج آب از معادن زغال‌سنگ تعبیه کردند. این فنّاوری بعدها، مورداستفاده کشاورزان قرار گرفت و در سراسر فلات ایران توسعه یافت. در حدود ۵۲۵ سال قبل از میلاد مسیح از طریق ایرانیان به عمان و عربستان رسید و لشگرکشی‌های ایرانیان در سال ۵۰۰ قبل از میلاد نیز باعث انتقال آن به مصر شد. با مرور زمان این فنّاوری به سایر کشورها انتقال یافت (Boustani,2009).

۲-۳- ساختار قنات

به‌طور سنتی، قنات‌ها به‌وسیله گروهی از کارگران ماهر، به نام مقنی،

1-Gubriel Henry

احداث می‌شدند. اولین گام در ساخت قنات، یافتن یک منبع آب مناسب است. جست‌وجو در نقطه‌ای آغاز می‌شود که مخروط‌های افکنه با کوه‌ها برخورد می‌کنند. اساساً دست‌یابی به آب در کوه‌ها، به دلیل سهولت حفاری در مخروط‌های افکنه و جابجایی آب آسان‌تر است. مقنی، با دنبال کردن مسیر منبع اصلی آب، به نشانه‌هایی از شاخه‌های آب زیرزمینی از قبیل ریشه‌های عمیق گیاهان یا تراوشات فصلی دست می‌یافت. (تصویر شماره ۱)

پس‌ازاین مرحله، یک چاه آزمایشی حفر می‌شد تا مکان آب مشخص شود. در مرحله بعد، تجهیزات موردنیاز برای شروع کار حفاری جمع‌آوری می‌شد(Beaumont,1971).

۳-۳- اجزای قنات

قنوات به‌طورکلی از ساختاری تقریباً مشابه به هم تشکیل‌شده‌اند که به شرح زیر است (تصویر شماره ۲).

- مظهر قنات: محلی که آب بر روی سطح زمین پدیدار می‌شود.
- دالان قنات: کانالی که مقطع آن شبیه یک نعل اسب است و دارای شیب ملایمی برای انتقال آب از آب‌رسان به مظهر قنات است.

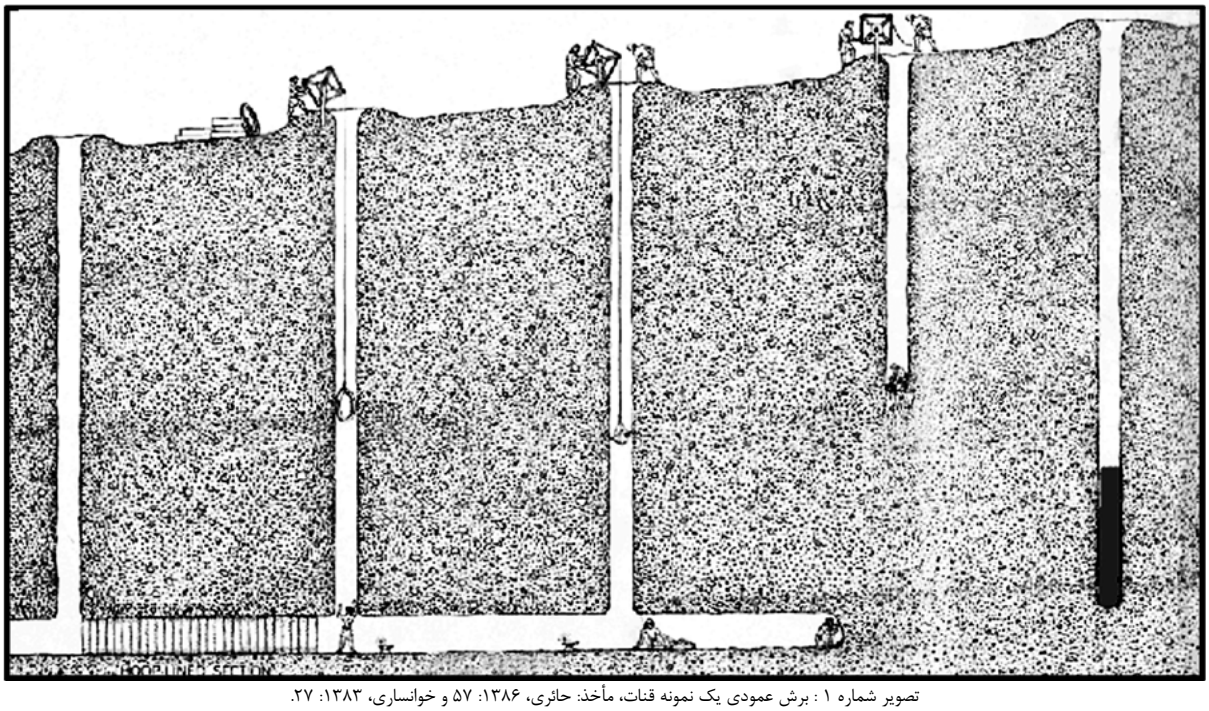

تصویر شماره ۱ : برش عمودی یک نمونه قنات، مأخذ: حائری، ۱۳۸۶: ۵۷ و خوانساری، ۱۳۸۳: ۲۷.

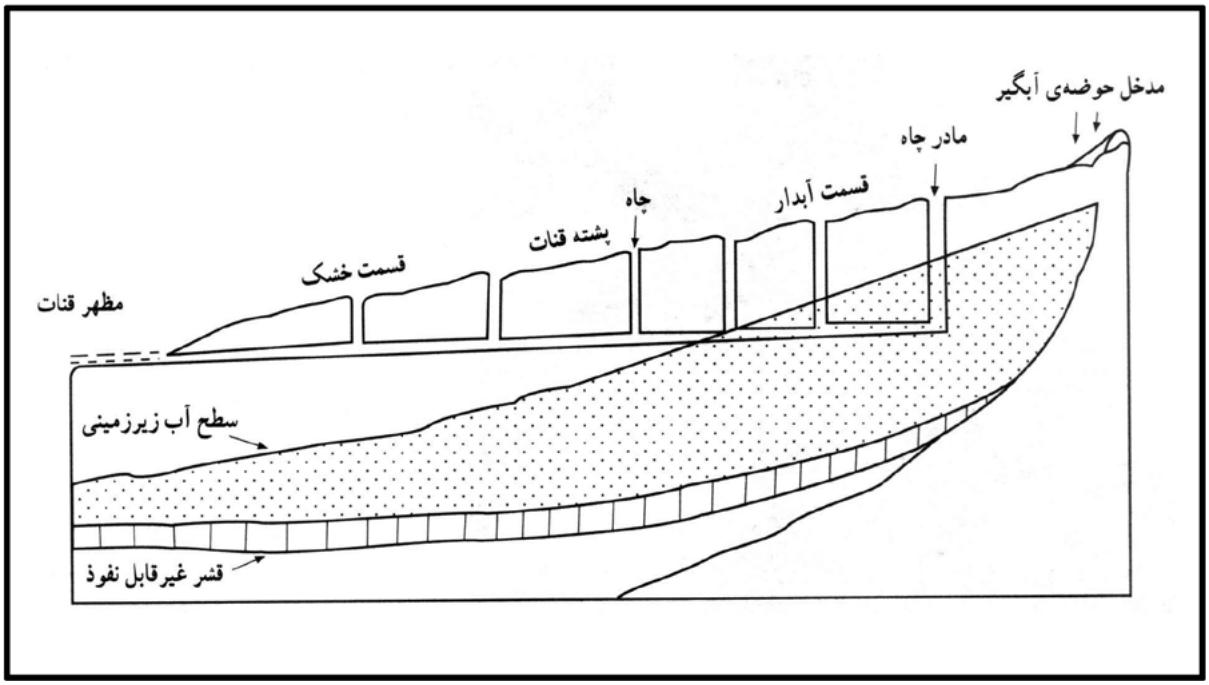

تصویر شماره ۲ : اجزای تشکیل دهنده قنات، ماخذ: http://www.hamshahrionline.ir

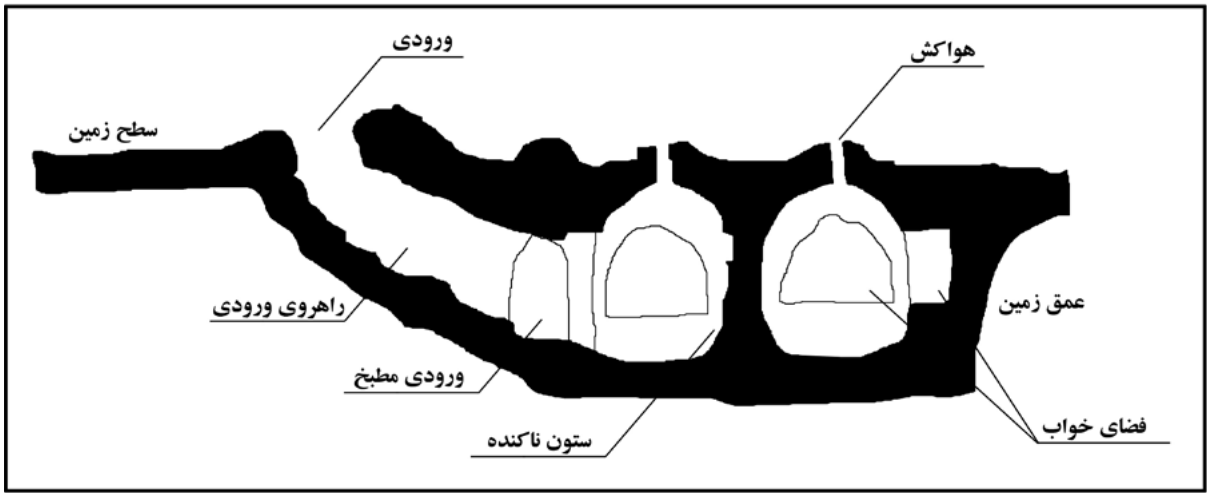

تصویر شماره ۳ :برش قائم یک نمونه بوم‌کن، ماخذ: جزوه درسی دکترتهرانی، دانشگاه شهید بهشتی تهران
تصحیح و ترسیم مجدد: نگارنده

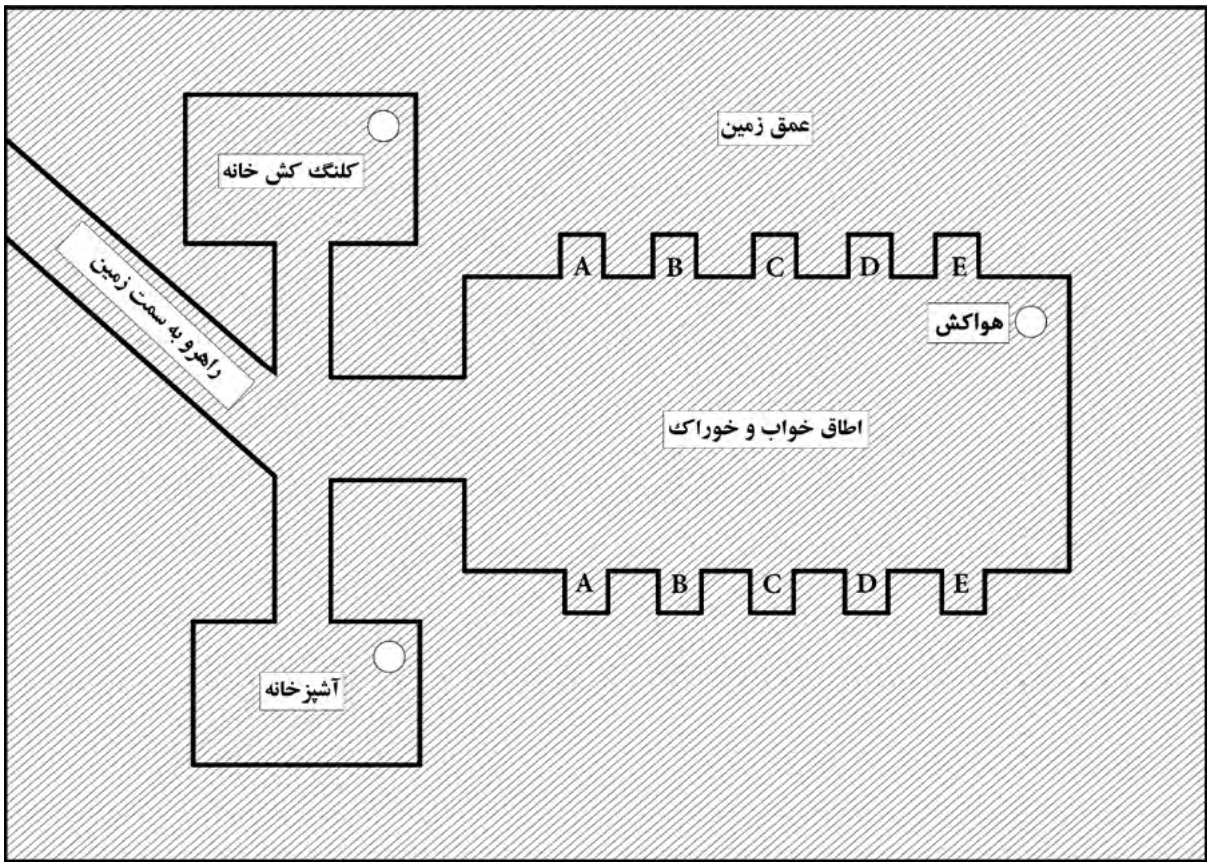

تصویر شماره ۴ : برش افقی و بخش‌های مختلف یک بوم‌کن در قناتی اطراف یزد- سال ۱۳۶۶
ماخذ: جزوه درسی دکترتهرانی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، تصحیح و ترسیم مجدد: نگارنده

- بخش خشک: بخشی از دالان قنات که بین بخش مرطوب و مظهر قنات قرارگرفته است. در این قسمت، کانال به علت کاهش میزان آب، تدریجاً عمیق‌تر می‌شود.

- بخش مرطوب: دیوارهای متخلخل درون دالان قنات. میزان تراوش آب در قنات، مستقیماً وابسته به بخش مرطوب است.

- میله‌های قنات: چاه‌های خشکی که در طول دالان قنات واقع‌شده تا استخراج خاک و نیز تصفیه و لایروبی را تسهیل سازد. فاصله بین دو میله، بر اساس عمق قنات و مسیر هوا تعیین می‌شود.

- مادرچاه: دورترین چاه نفوذ آب، مادرچاه نامیده می‌شود (آغاسی، صفی‌نژاد، ۱۳۷۹).

۴- بوم‌کن

عوامل بسیاری در شکل و فرم قنات‌ها تأثیر می‌گذارند از آن جمله

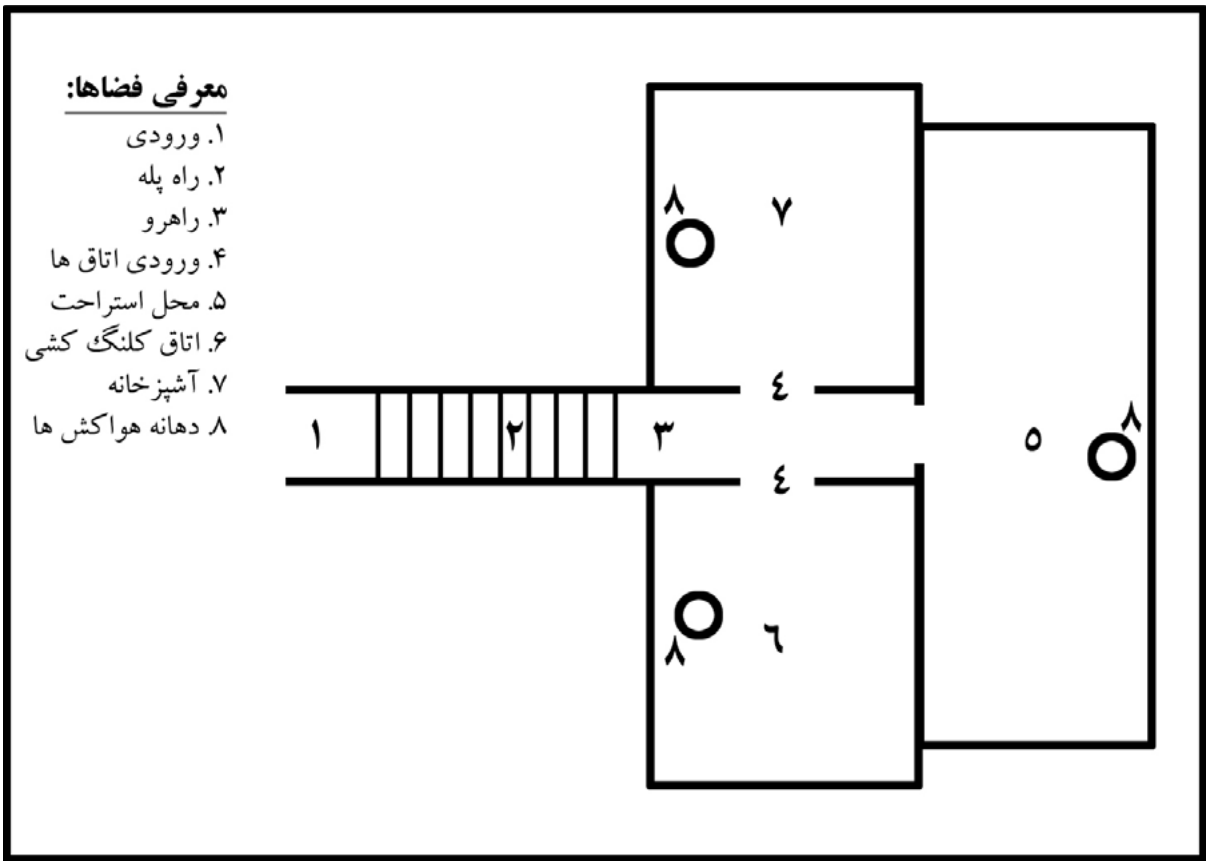

تصویر شماره ۵ : نقشه یک نوع بوم‌کن و فضاهای تشکیل دهنده آن

ماخذ: جزوه درسی دکترتهرانی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، تصحیح و ترسیم مجدد: نگارنده

می‌توان به جنس زمین و شیب بستر آن اشاره کرد که گاهی نیز همین امر منجر به طولانی شدن مسیر قنات می‌شد و مقنیان را بر آن می‌داشت تا به‌منظور تأمین رفاه و آسایش و امنیت خود در برابر سرما و گرما و یا حمله حیوانات وحشی سرپناهی برای خود احداث کرده تا طی مدت حفر قنات از آن بهره گیرند؛ لذا این فضا با توجه به ساختار و ویژگی‌های خاصش، به لحاظ سادگی در فرم، ابعاد و تناسبات انسانی تمام نیازهای مقنیان را برآورده می‌ساخت که حتی پس از احداث قنات در مواقع گسترش قنات و یا انجام تعمیرات نیز مورداستفاده قرار می‌گرفت.

معمولاً مقنیان در هر سه کیلومتری که در کوره قنات پیش می‌رفتند و میله‌های مربوط به کوره قنات را به هم مرتبط می‌کردند، بوم-کن جدیدی در کنار و یا در درون میله چاه احداث می‌کردند تا از زمان رفت‌وآمد آن‌ها کاسته شده و بر کار خود مسلط باشند. ولی از هنگامی‌که وسایل نقلیه چرخ‌دار عمومیت یافت و وارد زندگی مقنیان شد، بوم‌کن‌نشینی نیز ضرورت خود را از دست داد (Tehrani,2003).

۱-۴- ساختار فیزیکی

بوم‌کن همان‌گونه که ذکر آن رفت به‌عنوان بخشی از فضای قنات، به لحاظ فرم، شکل و معماری از ساختار فیزیکی آن طبیعت می‌کند. نحوه احداث بوم‌کن بدین‌صورت بوده که مقنیان در کنار میله قنات، محل ورود به آن را در نظر می‌گرفتند سپس شروع به حفر راهروی ورودی با شیبی ملایم می‌کردند که در مواردی نیز از پله برای دسترسی به فضاهای داخلی بوم‌کن (تصویر شماره ۳) استفاده می‌شد و پس از رسیدن به عمق موردنظر، در انتها یک راهروی کوتاه با سطحی صاف حفر می‌شد که در اطراف آن فضاهایی که موردنیاز مقنیان بود قرار می‌گرفت. این فضاها شامل اتاق کلنگ‌کش‌خانه[1] که محل قرار دادن وسایل و ابزار مقنیان بود، اتاق‌خواب و آشپزخانه که محل استراحت و خوردوخوراک آنان بود (صفی‌نژاد،۱۳۷۹).

فضاهای داخلی قنات نیز به‌منظور تأمین هوای موردنیاز برای اقامت و سکونت مقنیان، به‌وسیله هواکش‌هایی قائم با سطح زمین، ارتباط بین این اتاق‌ها را با هوای آزاد بیرون برقرار می‌کردند (تصویر شماره ۴). به‌منظور ایجاد استقامت فضاهای داخلی و جلوگیری از ریزش سقف نیز در قسمت‌هایی بخشی از خاک موجود در فضا را به‌صورت ستون تراشیده و از آن به‌عنوان حائل وزن خاک لایه‌های فوقانی بهره می‌گرفتند (تهرانی، ۱۳۷۹).

یکی دیگر از تمهیدات مقنیان این بود که ارتفاع و ابعاد فضاها را تا جایی که امکان داشت کوتاه و متناسب با نیاز خود در نظر می‌گرفتند. کف فضاهای داخلی را نیز جهت تأمین آسایش مفروش می‌کردند (تصویر شماره ۵).

قنات‌ها حتی پس از احداث، نیاز به ترمیم و بازسازی داشتند و گاهی نیز تغییرات جمعیتی شهرها و روستاها این ضرورت را ایجاب می‌کرد که در بخش‌هایی، قنات را توسعه داده و مسیر انتقال آب را به قسمت موردنظر تغییر دهند. این امر علاوه بر ترمیم و بازسازی، در توسعه پیشکار[1] نیز صورت می‌گرفت؛ لذا به همین دلیل بوم‌کن‌ها مجدداً مورداستفاده مقنیان قرار می‌گرفتند.

نتیجه‌گیری

معماری جدا از تعریف و گونه‌های آن، پیوندی ناگسستنی میان انسان و محیط طبیعی وی برقرار می‌کند که درگذر از دوره‌ای به دوره دیگر و سیر تکامل بشر نقشی تأثیرپذیر و تأثیرگذار بر این روند داشته است. ازاین‌رو تغییرات رفتاری انسان‌ها در طول تاریخ و به طبع آن، دگرگونی ساختاری در فضاهای فیزیکی شهرها و روستاها موجبات تغییرات منظری و کالبدی سکونتگاه‌های انسانی را فراهم می‌کند. لذا احساس نیاز، انسان را بر آن می‌داشت تا در هر برهه از زندگی جهت رفع آن بکوشد و خود را با شرایط زمانی و مکانی موجود وفق دهد. در این میان تمامی پیشرفت‌های حاصل از این تلاش، حرکتی ناگزیر و در نوع خود سازنده و مفید بوده، به‌گونه‌ای که پذیرش این امر را برای تمامی ساکنین منطقه امکان‌پذیر می‌کرده است؛ بنابراین می‌توان دریافت که تمامی این دگرگونی‌ها واجب و ضروری بوده به‌گونه‌ای که اهمیت آن را در پیشرفت‌های حاصل‌شده در جوامع بشری می‌توان به‌وضوح مشاهده کرد.

در پایان چنین استنباط می‌شود که پدیده‌ای به نام بوم‌کن نشینی که زمانی بین مردم مناطق گرم و خشک ایران رایج بوده و اکنون با تغییرات به وجود آمده در فنّاوری، صنعت و معماری رنگ کهنگی به خود گرفته و حتی در بیشتر مناطق مرکزی ایران جز نام و نشانی از آن چیز دیگری بر جای نمانده، امری طبیعی بوده؛ چون دیگر نیاز و ضرورت احداث آن احساس نمی‌شود؛ بنابراین تنها می-توان این سنت و فن را با مکتوب نمودن تجربیات بزرگان و پیشکسوتان این حرفه زنده نگاه داشت.

منابع

- تهرانی، فرهاد فخار، ۱۳۷۹، کاربرد مواد و مصالح ساختمانی سنتی در قنوات ایران، همایش بین‌المللی قنات، یزد.
- آغاسی، عبدالوحید، صفی‌نژاد، جواد، ۱۳۷۹، واژه نامه قنات، شرکت سهامی آب منطقه‌ای، یزد.
- صفی‌نژاد، جواد، ۱۳۷۹، شگفتی‌های قنات‌های ایران، همایش بین‌المللی قنات، یزد.
- ساروخانی، زهرا، ۱۳۸۵، انواع معماری دست‌کن در ایران، روزنامه سرمایه شماره، ۳۵۳، صفحه ۷.
- حائری، محمدرضا، ۱۳۸۶، قنات در ایران، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- خوانساری، مهدی، ۱۳۸۳، باغ ایرانی بازتابی از بهشت، تهران، دبیرخانه همایش بین‌المللی باغ ایرانی.

-F.Boustani (2009), "Sustainable Water Utilization in Arid Region of Iran by Qanat", International Journal of Human and Social Sciences.

-P.Beaumont (1971), "Qanat System in Iran", Bulletin of the International Association of Scientific Hydrology.

۱- الف- بخش انتهایی کوره پس از مادرچاه. این بخش ازنظر آبدهی قنات حائز اهمیت است، با ادامه حفاری در پیشکار به منابع آب زیرزمینی بیشتر دسترسی پیداکرده و آبدهی قنات افزایش می‌یابد. در این حالت بخش جدید انتهای کوره به نام پیشکار است لذا محل پیشکار در طول عمق قنات تغییر می‌یابد.

ب- محل ادامه حفاری در کوره قنات (واژه‌نامه قنات).

دوماچال؛ یادداشتی بر یک دانش بومی رو به فراموشی

مولود جابری
کارشناسی ارشد کرسی یونسکو در مطالعات میراث جهانی، دانشگاه برندنبورگ

در اولین سفری که برای دیدن درنای سیبری به فریدون‌کنار رفته بودم با دوماچال که یک روش مدیریت بومی شکار پرندگان است آشنا شدم. دوماچال‌ها مشابه ذخیره‌گاه‌های طبیعی‌اند و فقط در این منطقه از ایران که تجربه و دانش بومی شکار پرندگان آبزی از پدر به پسر به‌عنوان میراثی برای ایجاد یک سبک زندگی روستایی منتقل‌شده، وجود دارد. بازدید از این دامگاه‌ها که اغلب پنهان از دید هستند، چندان آسان نیست و معمولاً بدون پادرمیانی افراد معتمد محلی غیرممکن است. طبق گفته دامگاه‌دار، ما شانس دیدن از یکی از آخرین دوماهای منطقه را داشتیم که هنر منحصربه‌فرد شکار پرندگان را به کار می‌برد. به دام انداختن پرندگان اگرچه ظالمانه به نظر می‌رسد و ما از هرگونه بحث‌وجدلی با دامگاه‌دار منع شده بودیم، تنها روش مدیریت بومی شکار اردک‌سانان است که تأییدیه سازمان حفاظت محیط‌زیست و فعالان این عرصه را دارد.

دسته‌ای از شالی‌کاران منطقه فریدون‌کنار پس از برداشت برنج و در فصل مهاجرت زمستانی پرندگان، با بستن کانال‌های زهکشی که برای خروج آب اضافی شالیزارها طراحی‌شده، آن‌ها را به تالاب‌های دست‌ساز تبدیل می‌کنند و در گوشه‌ای از آن ساختارهای بهینه‌ای با مصالح در دسترس بومی می‌سازند تا به‌عنوان دامگاه پرندگان استفاده شود. در این روش سنتی، دامگاه‌داران دسته‌ای از اردک‌های سرسبز را تعلیم می‌دهند و به‌عنوان طعمه استفاده می‌کنند. دامگاه‌دار به تجربه و صبر، مهارت زمان‌بندی به دام انداختن پرندگان آبزی را می‌آموزد و هنگامی‌که دسته‌ای از پرندگان مهاجر از فراز شالیزارها می‌گذرند، دامگاه‌دار سقف اتاقک دیدبانی خود را بازکرده، پرندگان اهلی را پرواز می‌دهد تا پس از چند دور پرواز و ایجاد سروصدا و هیاهو به دوماچال برگردند،

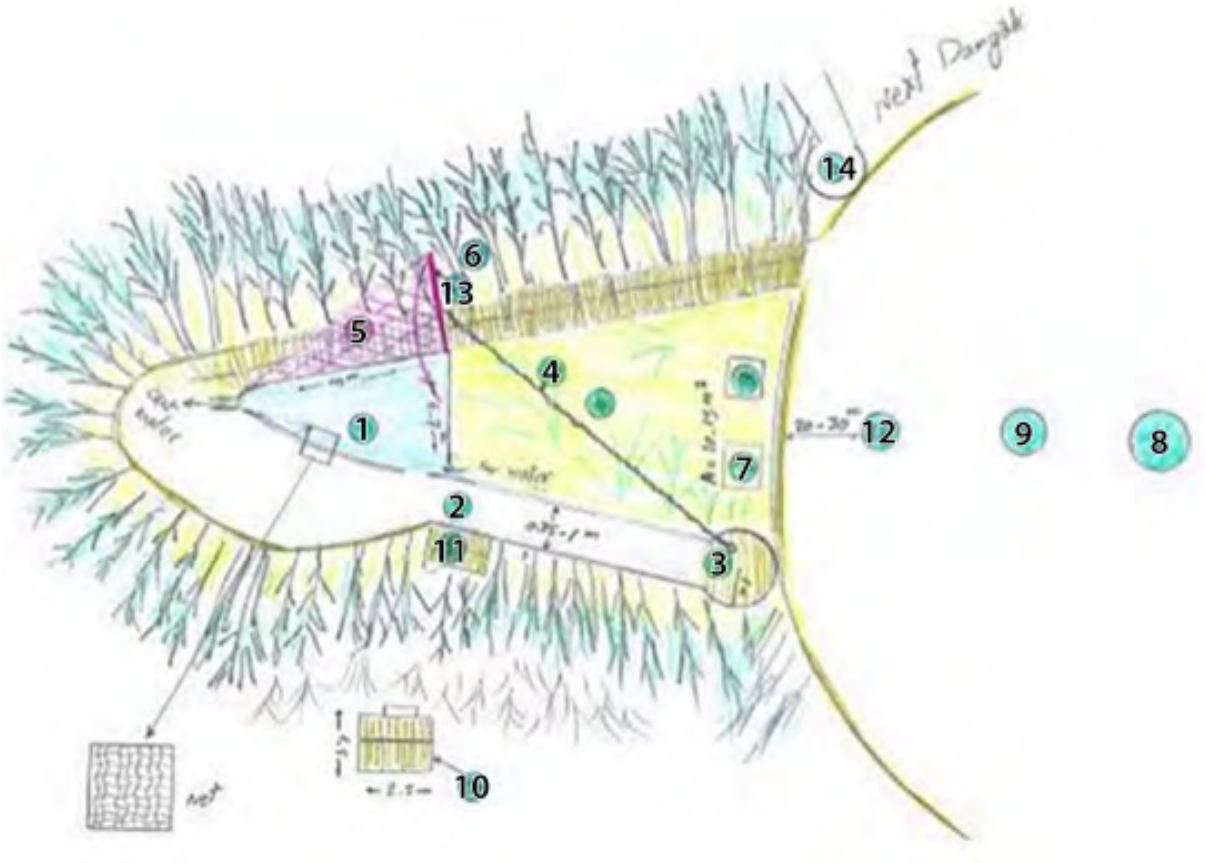

تصویر شماره ۱ : نقشه شماتیک یک دوماچال که توسط عباس گلی، شالی‌کار و دامگاه‌دار کشیده شده است (منبع: الن ووسالو و همکاران، ۲۰۱۸)

۱. حوضچه مثلثی دوماچال برای گرفتن اردک‌های وحشی، اندازه در حدود ده در شش در بیست متر.

۲. راهرویی که اردک‌ها را به سمت کلبه اردک‌های اهلی (قطر یک متر) هدایت می‌کند که ازآنجا دومادار اردک‌های آموزش‌دیده اهلی را به سمت دسته اردک‌های وحشی پرواز می‌دهد.

۳. محل مستقر شدن دومادار در زمان انتظار برای نشستن دسته اردک‌های وحشی که اردک اهلی آموزش‌دیده را دنبال کرده‌اند. دایره‌ای به شعاع حدود ۱ متر با پوشش نی.

۴. فاصله بین کلبه طعمه (۳) و استخر دوما، قطعه استتار شده توسط نیزارها.

۵. تورها: نی یا پارچه‌ای یا پنبه‌ای.

۶. مرز درختان بومی.

۷. سازه «کرس» که روش جدایی از دوما و غیرقانونی است.

۸. مرکز دامگاه (قطر حدود صد متر) که پرندگان در ابتدا برای امنیت در آنجا می‌مانند.

۹. محلی که اردک‌های وحشی به دلیل عادت کردن نزدیک‌تر می‌آیند.

۱۰. کلبه یا سازه دائمی که محل استراحت دامگاه‌دار است.

۱۱. اتاقک سیمانی با قفل و بست برای نگهداری اردک اهلی و محافظت از آن‌ها در برابر حیوانات وحشی و سارقان.

۱۲. محلی که دانه پاشی شبانه برای اردک‌ها بافاصله ۲۰ تا ۳۰ متر انجام می‌شود.

۱۳. چوب کنترل‌کننده تور دام که به روی حوضچه مثلثی شکل می‌افتند.

۱۴. همان کلبه شماره (۳) اما متعلق به دوماچال دیگر.

پرندگان مهاجر که توجهشان جلب شده، با مناسب دیدن فضای تالاب که مملو از پرندگان دیگر است، فریب‌خورده، دسته اردک‌های اهلی را دنبال می‌کنند و در دوماچال فرود می‌آیند و به دام میافتند. اردک‌های دست‌آموز که به اردک خائن هم معروف هستند، به دلیل آشنایی با محیط از تله دوما بیرون می‌آیند و با گرفتن دانه تشویق می‌شوند.

برای برپا کردن دوماچال به‌عنوان یک نمونه معماری بومی به دانش سنتی ساخت و بازسازی سالیانه نیاز است. منطقه دامگاه با کاشت هزاران درخت بومی مانند توسکا و افرا، ایجاد دیواره‌های موقت دست‌ساز دورتادور شالیزارها و احداث ساختارهای دائمی برای نگهداری از اردک‌های اهلی آموزش‌دیده، اتاقک دیدبانی برای دامگاه‌دار و گذرگاه‌ها مشخص می‌شود. این ساختار گسترده در شروع فصل سرما یک یا دو ماه

تصویر شماره ۲ : ساختار اصلی یک دوماچال. عکس: خبرگزاری فارس، بهروز خسروی، ۱۳۹۰.

تصویر شماره ۳ : دامگاه‌دار پرندگان اهلی را از اتاقک نگهبانی خود پرواز می‌دهد. عکس: میزان، مهدی محبی پور، ۱۳۹۸.

تصویر شماره ۴ :در تصویر فوق سه درنای سیبری مشاهده می‌شود و در امتداد شالیزار، دوماچال‌های دیگری نیز دیده می‌شود. اکنون تنها یک درنای سیبری به ایران مهاجرت می‌کند که معمولاً در همین تالاب‌های دست‌ساز منطقه فریدون‌کنار فصل زمستان را می‌گذراند. عکس: حمید خداشناس، ۲۰۰۴.

تصویر شماره ۵ :دوماچال برکه مثلث‌شکل محصوری است، پس از نشستن اردک‌های اهلی و مهاجر توری روی پرندگان کشیده می‌شود. پرندگان اهلی آزاد می‌شوند و باقی اردک‌سانان شکار می‌شوند. ممکن است پرندگان مهاجر از گونه‌های دیگر نیز به دام بیفتند که معمولاً دامگاه‌دار آن‌ها را رها می‌کند. عکس: خبرگزاری فارس، بهروز خسروی، ۱۳۹۰.

تصویر شماره ۶ : اکثر ساختار دوماچال موقتی و نیازمند بازسازی فصلی است . عکس: مهر، مجید نیکجو، ۱۳۹۰.

تصویر شماره ۷ :راهروهایی که اردک‌های اهلی را به اتاقک نگهبانی دام دار برای پرواز می‌رساند . عکس: خبرگزاری فارس، بهروز خسروی، ۱۳۹۰.

تصویر شماره ۸ : محل نگهداری موقت از اردک‌های اهلی. عکس: خبرگزاری فارس، بهروز خسروی، ۱۳۹۰.

تصویر شماره ۹ : اتاقک استراحت دومادار . عکس: میزان، مهدی محبی پور، ۱۳۹۸.

قبل از ورود پرندگان مهاجر، برپا می‌شود و در فصل کشت برنج دوباره برچیده می‌شوند.

برای دیدن دوماچال، با گذشتن از بی‌راهه‌های زمین‌های کشاورزی که در فصل زمستان با دام‌های هوایی کرس و گذر (روش غیرقانونی) پوشانده شده بودند و عبور از میان انبوه درختان و آبگیرهای دست‌ساز به دامگاه رسیدیم. راهروی باریک و درازی که وسط تالاب با چوب و نی ساخته‌شده بود، به اتاقک نگهبانی می‌رسید که برای پر دادن پرندگان امکان باز و بسته کردن سقف را داشت. دورتادور دوماچال نیز با نی‌های برافراشته محاصره‌شده بود. شالیزارهای روبه‌روی ما مملو از گونه‌های پرندگان مهاجری بود که در مرز دامگاه پناهگاه امنی پیداکرده بودند، چراکه شکارچیان غیرمجاز دسترسی به مناطق تحت مالکیت خصوصی دامگاه‌داران را ندارند. بسیاری از پرندگان مهاجر برای عبور به مناطق جنوبی‌تر، فقط چند روزی برای استراحت و تجدیدقوا مهمان این تالاب‌های دست‌ساز هستند. در حقیقت، به نظر می‌رسد دامگاه‌ها مسیرهای مهاجرت تاریخی پرندگان آبزی را نیز حفظ می‌کنند.

در طی گشت‌وگذارم برای پیدا کردن نشانی از قدمت دوماچال چندان دستاوردی نداشتم. به نظر می‌رسد همچون بسیاری از دانش‌های بومی سرنخ آن را نیز باید در تاریخ شفاهی جستجو کرد. الن ووسالو، محقق فنلاندی که زندگی خود را وفق حفظ زیست‌بوم پرندگان مهاجر مازندران و مشخصاً درنای سیبری کرده است، به اهمیت نقش دامگاه‌ها در حفظ پی برده و از سال‌ها پیش گفت‌وگوهایی با دامگاه‌داران انجام داده که نتایج آن در مقاله‌ای با همکارانش در سال ۲۰۱۸ منتشر شد. طبق تحقیقات آلن ووسالو، مسن‌ترین دامگاه‌داری که موفق شده است با او مصاحبه کند، حاج فرامند یزدانی ۱۰۵ ساله است که این روش را صدسال پیش از پدرش یاد گرفته است. دامگاه‌داران سنتی هم‌عصر حاج یزدانی نیز داستان‌هایی از پدران خود نقل می‌کنند که به دو الی سه نسل قبل و اواسط دوره قاجار بازمی‌گردد که تقریباً هم‌زمان با کشت گسترده برنج در شمال کشور است. بنابراین، دامگاه‌داری یک امرارمعاش ثانویه متکی بر همان امرارمعاش اولیه و وابسته به شالیزارهای برنج است و درنتیجه، نبود یکی به نابودی دیگری منجر می‌شود. روند تغییر کاربری اراضی و تبدیل الگوی کشت از شالیزار به باغ و ویلا و همچنین رونق روش‌های غیرقانونی و بی‌رویه صید پرندگان مهاجر باعث کاهش چشمگیری در برپایی دوماها شده است. درحالی‌که این دامگاه‌های سنتی به‌عنوان محل گذر و اسکان موقت پرندگان مهاجر مکانی بی‌نظیر برای پرنده‌نگری و بومگردی است. طبیعت‌گردی در مقیاس کوچک و کنترل‌شده می‌تواند به حفظ سنت برپایی و بازسازی دوماها کمک کند و همچنین می‌توان خوش‌بینانه امیدوار بود بارونق دامگاه‌های سنتی دست شکارچیان غیرقانونی از شکار پرندگان مهاجر نیز کوتاه شود.

منابع:

Vuosalo-Tavakoli, E., & Ghasempouri, M., & Yaghobzadeh, Y. (2018). Damgah. Anthro-.pology of the Middle East, 13(1), 97-116

ارگ تاریخی بم، بم، کرمان، علیرضا فخری‌زاده کرمانی.

حصار باغ بیرم آباد، کرمان، علیرضا فخری‌زاده کرمانی.

خانه‌ای در روستای گل علی‌آباد، تنکابن، مازندران، شیما شاهرخی، ۱۴۰۰.

خانه‌ای در روستای گل علی‌آباد، تنکابن، مازندران، شیما شاهرخی، ۱۴۰۰.

ICOMOS Iran Scientific Committee on Vernacular Architecture (CIAV-IRAN)

NO 8 / Autumn 1400 / 89 Pages

committee.bumi@gmail.com